

کارگران جهان متحد شوید!

۹۶

# سکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- ۲۳۷۵۰ تومان حقوق ناقابل! يك استاندارد "مکتبی"!! ۱۷ صفحه
- رزمندگان: تصفیه ایورتونیسیم به شیوه سانتریستی! صفحه ۱۹
- لایحه ارضی رژیم: طنین طبل تو خالی برای فریب دهقانان! صفحه ۲۱
- "تحریم اقتصادی" چه تاثیری بر واردات ایران داشت صفحه ۲۴
- جاسوسان انگلیسی آزاد شدند. انشاء الله گره است! صفحه ۲۹

## ۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و

### زحمتکش گرامی باد!

صفحه ۲۷

## سرمقاله

### شرایط سیاسی کنونی و تاکتیک کمونیستها

حکومت کنونی شرایط سیاسی جامعه ایران، هم اکنون در این است که دورشته تضافه موازات یکدیگر، حلقه های مختلف حوادث سیاسی ایران را بیکدیگر متصل کرده و سیمای کنونی اوضاع سیاسی جامعه را ترسیم می نماید. تضافه میان با لایو پائین، میان توده های تحت ستم، با رژیم سیاسی حاکم، و دوم، تضافه میان جناح های مختلف حکومت ضد انقلابی موجود، برای کمونیست های انقلابی جای هیچ تردیدی نیست، که در میان این دورشته تضافه آنچه که نقش جایگاه تعیین کننده را دارد، نقطه آغاز اصلی اتحاد دهرگونه تاکتیک و سیاست صحیح را برای پرولتاریا تشکیل میدهد، تضاد اولی و جهت حرکت آن است، هر کارگر آگاهی با پدید آمدن نگاه خویش را قبل از هر چیز و قبل از آنکه به دعوی میان جناح های

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد **توطئه دستگیری رفیق محسن فاضل**

۳ هفته قبل، رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از مبارزین با سابقه را که در سنگر مبارزه علیه امپریالیسم - صهیونیسم و رژیم شاه مبارزه کرده است، دستگیر نمود. رژیم جمهوری اسلامی مدت زیادیست که کوشش مینماید، چنین وانمود کند که سازمان مایک "سازمان آمریکائی" و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل در رابطه با امپریالیسم آمریکا فعالیت می نمایند.

بقیه در صفحه ۱۴

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نرسد

"نین"

۱۷ اسفند (۸ مارس)

# روز جهانی زنان

## نظام سرمایه داری

ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان خلق (اقلیت)

صفحه ۱۱

درود بر کارگران قهرمان اعتصابی شرکت واحد

صفحه ۸

یاد رفیق کبیر، استالین را گرامی میداریم!

صفحه ۲۵

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله...**

رژیم، بدوزد، آنچه چیزی که روی بونیست هسا، ابورتونیست ها و فرمیستهای خرده بورژوا با تمام قوا در پی آنند، بایده و واقع عینی جنبش توده ای و سمت و جهت حرکت آن بنا ندارد و کلید اصلی درک این اوضاع را از همین جفا آغاز کند، چرا که نه تنها، این تضاد، نقش اصلی را در تعیین روند تکامل اوضاع سیاسی جامعه در هر مرحله و دورانی ایفا میکند، بلکه بنویسه خود نقش مهمی در شکل گیری و نقش اصلی را در دادن گرفتن و گسترش تضاد دوم، یعنی تضاد در بالا ایفا میکند. ابورتونیست ها، رویزمو - نیست ها و فرمیست ها، از بالا شروع میکنند و به بائین حرکت میکنند، کمونیست های انقلابی و پیگیر بائین آغاز میکنند و به بالا میرسند. این یکی از مهمترین تفاوت میان مائستی تا کتکی ما رگست لنینیست ها با خیل مزبور است.

رشد جنبش توده ای، در شرایط کنونی، آنچنان شتابی بخود گرفته است و چنان شور و شوقی را در میان توده ها پدید آورده است که در لحظه کنونی حتی دو آتشه ترین ابورتونیست ها نیز نمی توانند، همچون **دیروز**، بصراحت از **رکود جنبش**، **و غلبه خدا** انقلاب سخن بگویند. بورژوازی حاکم، اکنون، در میدان بی وسعت کشور پهنا و ایران، در هر لحظه خویش را در برابر نسیم وزانی که از سوی جنبش توده ها بر می خیزد، نسیمی که نطفه توفانهای آینده را در دل خود می پرورد، روی رومی بیند، توده های تحت ستم ایران، متاثر از بحران عمیقی که ساختمان جامعه را بلرزده آورده است، مستقیما و علیرغم حتی توهمی که به این یا آن جناح حکومت خدا انقلابی در ذهن خویش دارد، نظم اقتصادی - اجتماعی و در بسیاری اوقات نظم سیاسی موجود را شانه گرفته است، و هیچ قدرتی توان محدود کردن آن در یک **چهارچوب قانونی**، برای جلوگیری از واژگونی کل نظام موجود را ندارد چرا که توده ها، در هر واکنش انقلابی و مبارزاتی خویش، متاثر از زکشت خدا انقلابی رژیم مستقیما بر این نظم ضربه میزنند و چاه رگسوب قانونیت موجود را مورد تعرض خود قرار میدهند. کارگران در کارخانه ها، خلقها در مناطق ملی، دهقانان، هر چند به میزان بسیار کمتر در روستا - ها، توده های بی چیز و فقیر شهری در شهرها، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی هر یک بنحوی در حرکت روزانه خود، روحیه تعریف و مبارزه را در فضای بحرانی ایران می بپراکنند. هر حرکت رژیم در جهت سازگرداندن نظم مستقیم انقلابی موجود، هر تعرض مستقیم او به آزادیهای دمکراتیک، مستقیما جنبش را برمی انگیزد و به واکنش و امی دارد. همین حوادث هفته های اخیر **کرمان**، شهری که از لحاظ سطح متوسط مبارزه در

کل ایران، جایگاه آنچنان برجسته ای هم ندارد. بروشنی این واقعیت را آنکار می سازد که چگونه یک واقعیت سیاسی مثلا تروریک فرد مخالف حزب حاکم، توده ای چند ده هزار نفری را به خبا یا نهی می کشاند و مستقیما بر علیه جناح غالب هیئت حاکمه که نقش اصلی را در سازماندهی با ندهای سیاه ترور ایفا میکند، می شوراند، بطوریکه حتی لیبرالها را نیز به وحشت و تکاپو برای جلوگیری از این سبل "مخرب" و "امیدار" اما جنبش حتی آنها را نیز علیرغم تمام توهماتی که در ذهن توده ها نسبت به خود برانگیخته اند، تا **کام می گذارد**.

کارگران در شرایط جنگی و علیرغم توهمه ها و "رهنمودهای امام" و شهیدهای رژیم، دست به اعتصاب میزنند و بر علیه فقر و فلاکت موجود به حرکت در می آیند. بطوریکه **همه جناحهای** هیئت حاکمه در موضع گیری علیه آنها پناهنده می شوند و امر را در ارتداد (به همین اعتصاب اخیر شرکت واحد نگاه کنید) و این در حالی است که رویزمو - نیست ها و ابورتونیست ها، سپاه کارگران را به **تحمل** نظم خدا انقلابی موجود فرا می خوانند و آنان را دعوت به "افزایش تولید" می نمایند. **ویژگی اساسی** شرایط عینی مبارزه توده ها در وضعیت کنونی، **اعتلای انقلابی** آن است. بدون ارزیابی ذهن گرایانه از **زاد مندا** پسین اعتلا و نیز شرایط ذهنی توده ها، بایداذعان داشت، که جنبش توده ها، در سطح و در عمق رشد و گسترش پیدا کرده و تمام حوادث و جریانهای سیاسی در جامعه امروز ایران بر این امر دلالت دارد. این اعتلا بدون شک در مسیر استک شورش همگانی بر علیه نظم موجود، به پیش خواهد رفت و به یک **خیزش عمومی** تبدیل خواهد شد. اینکه جنبش در این سیرا اعتلای خویش، از چه راه ها و گذرگاهها می عبور نماید، با چه **دامن** و شدتی به حرکت آتی خود ادامه دهد، به چه نتایج آتی دست با بدوجه فرازونشیب ها می را از سر بگذرانند، امری است که از قبل قابل پیش بینی نیست. اینکه سرانجام این سیرا اعتلا، چگونه و در چه شکلی به انفجار همگانی تبدیل شود، اینکه آیا سرانجام این سیرا اعتلا و شورش همگانی به یک انقلاب پیروز منتهی گام خواهد یافت یا نه، با شرایط ذهنی توده ها و بسیاری عوامل و عناصر دیگر که از قبل ناشناخته است رابطه تعیین کننده دارد. اما تمام این آینده های ناشناخته معلوم و نامشخص نمی تواند بر این واقعیت خدشه نا پذیر برده اندازد که این اعتلا یک **مسیر انقلابی** را طی میکند و جهت و سیرتکامل را می - بسازد.

دومین ویژگی اساسی شرایط و اوضاع سیاسی کنونی، که زمینه تکوین و تکامل خود را در ویژگی اساسی فوق الذکر می یابد، تضاد های اوچک و پرورش دهنده میان دو جناح اصلی هیئت

حاکمه است که هر یک از آنها، سپاه طبقاتی و سیاسی معینی را در پشت خویش بسیج کرده است. واقعیت این است، که این تضادها، به موازات رشد و گسترش جنبش خلق و تعمیق شکاف میان بالا و پایین، و متاثر از آن، بویژه از جریان اشغال سفارت به اینطرف بیوسته و علیرغم افت و خیزهای فراوان رویه گسترش و عمق بوده و یک لحظه توقف نداشته است. بایه عینی این تضاد، از همان ابتدا و علیرغم تمام روکش های رسمی و عوام فریبانه آن، چیزی جز دو سیاست و روش معین از جانب جناح های مختلف بورژوازی ایران (و بخشا خرده بورژوازی مرفه) در مقابل بسا بحران عمیق موجود در همه عرصه ها، نسبی باشد. دوروش و سیاستی که تلاش بورژوازی را در کلیت خویش برای ارائه **یک آلترنا تیبو بورژوازی** و خنثی کردن آلترنا تیبو انقلابی و پرولتاریائی در وضع بحران کنونی، بروشنی نمایان میسازد این دو سیاست و دوروش (علیرغم ماهیت یکسان هر دو)، هر روز، که میگذرد و بحران فزونی میابد ابعا دوروایی روشن تری بخود میگیرد و سیمای روشن تری به صف آرائی نیروهای سیاسی طبقه حاکم می بخشد. پیدایش تدریجی گرایش معینسی در درون حزب جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به بلوک شرق و ضدیت با بلوک غرب و متقابلا گرایش پیدایش و نهان وجه لیبرالها به بلوک غرب جلوه ای از تضادهای این دو جناح را در قدرت سیاسی به نمایش می گذارد. سیرتکامل این تضادها که اکنون بصورت دو وجه مشخص جلوه گیری میکند، اکنون به جایی رسیده است که بدون انراقی می توان گفت به بن بست نهایی خود درجهای رچوب تناسب و آرایش فعلی نیروها در هیئت حاکمه، نزدیک میشود. اکنون به یقین می توان گفت هر یک از جناح ها، با تمام قدرت و علیرغم تمام توصیه های "اخلاقی" و "پدرانه" "رهبرانقلاب"، در جهت **حذف** رقیب از مجموعه قدرت تلاش میکنند. آنچه که تا کنون و با هم اکنون مانع اساسی چنین کاری بوده است اولاً و مهمترین همه وحشت هر دو جناح از واچگیری جنبش توده ای و در خطر قرار گرفتن کل حاکمیت از طرف این جنبش بر اثر هرگونه اقدام تعیین کننده در جهت حذف جناح دیگر میباشد و ثانیاً، توازن و تضاد است که در مناسبات سیاسی نیروهای موجود در هیئت حاکمه بویژه، میان دو جناح و نقشی که خمینی در این رابطه ایفا می کند بوجود آمده است. اکنون نه جناح حزب جمهوری، که موضع غالب را در قدرت سیاسی دارد می تواند به حذف کامل لیبرالها، بدلیل پایه استواری که در توهمات توده ها یافته اند، دست زند (صرفنظر از اینکه در خود جناح حزب نیز گرایشات متفاوت طبقاتی و سیاسی، امکان یک حرکت یکپارچه و هماهنگ را در این رابطه به

بقیه در صفحه ۳۰

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

# جنبش کارگری



اینست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی:  
لغو سود ویژه کارگران  
و بخشودگی حق بیمه  
سرمایه داران!

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۳)

### الف - رشته اتومبیل سازی ۳- کارخانه بنزخاور

کارخانه بنزخاور: این کارخانه بیش از ۳۰۰۰ کارگر و کارمندان را در کارگاههای بنساز تولید میکند. مدیر عامل ضدکارگزاران و عامل حزب جمهوری اسلامی است که برای تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر کارگران به وضع مقررات خشک "انضباطی" و در واقع ایجاد اختناق در کارخانه میبادرت نموده است. بطوریکه تمامی حرکات کارگران و بخصوص کارگران مبارز زیر نظر انتظامات کارخانه و سرپرستها و فورمنها قرار دارد. اما با این وجود فشارگریهای کارگران

مبارز و کمونیست همچنان ادامه میابد. شورای کارخانه یک تشکل زرد (شدکارگر) و طرفدار لیبرالهاست. شورا علنا بدفاع از جناح لیبرال رژیم پرداخته و از این موضوع بر علیه حزب به تبلیغات میپردازد. از این رو "شورا" توانسته است با عوام مغریبیهایی بسیار اغلسب کارگران ناآگاه را مدافع خود سازد و از این طریق انجمن اسلامی کارخانه را که بسیار رمزپوش است، بیگنا رزند. قبل از جنگ کارگران برای رسیدن به خواستههای صنفی خود و بخصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بنفع کارگران، "شورا" را تحت

### بخشودگی مطالبات حق بیمه شش ماهه دوم سال ۵۷ برای کارفرمایان کم درآمد

تهران - خبرگزاری پارس: بنسایت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دکتر منافی وزیر بهداشتی ابلاغ شد که کلیه مطالبات حق بیمه شش ماهه دوم سال ۱۳۵۷ براساس موضوع لایحه بخشودگی کارفرمایان کم درآمد مصوبه شورای انقلاب، قسمتی از حق بیمه کارگاههای کوچک صنعتی بخشیده شود.

کارگران، زحمتکشان و هممیهنان مبارزان پیش از دو سال است که ما شا هدیههای عوام مغریبیهایی هرروزه رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی هستیم. دوسالی که رژیم جز خدمت به سرمایه داران و سرکوب مبارزان کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران، کار دیگری نکرده است. دوسالی که جز وعده و وعید جز قریب و دروغ و جز نیرنگ و دورویی، از رژیم چیزی ندیده ایم:

- وعده آب و برق و اتوبوس مجانی میدهد، ولی جز کمک به سرمایه داران برای گرانتر کردن ما به محتاج مردم کاری نمیکند.
- حساب ۱۰۰۰ برای "خانه سازی" باز کرده و وعده مسکن به زحمتکشان میدهد، ولی آلونکهای زحمتکشان "خاک سفید" را یکشنبه با خاک یکسان میکند.
- وعده آزادی های دمکراتیک را میدهد، ولی انقلابیون و کمونیستها را در زندانهای آریابهری به حبس و شکنجه کشیده و آنها را اعدام میکند.
- دم از دفاع از منافع "مستضعفین" میزند، ولی حتی جلوی پرداخت قسمتی از حقوق کارگران (سود ویژه) را که در اثر مبارزان بسیارشان در زمان رژیم شاه بدست آورده بودند، میگیرد.

.....  
آنگاه در شرایطی که:

- برای رنجگاران و تجاعی کنونی شدت فشار بر

و اردن ساخت بلکه با بنماییش گذاشتن شما مست و شجاعت طبقاتی خود پیش رفته و کارگر زندانی را از جنگ مزدوران آزاد ساختند. این حرکت انقلابی کارگران علاوه بر آنکه پیش از پیش آنها را به نیروی خود و آفک گردانید چند مسئله دیگر را نیز برای کارگران روشن نمود نخست آنکه ما هیت فدکارگری شورای کارخانه که کوچکترین اقدامی برای آزادی کارگران زندانی انجام نداد آشکار شد. دوم آن که ما هیت سرکوبگران سرمایه داران برای کارگران کارملا آشکار گردید و آنها بی بردند که علت وجود این حافظین سرمایه داری چیزی نیست جز سرمایه داران در قبال این خدمات خود به سرمایه داران، علاوه بر ۸ ساعت حقوق، ۱۶ ساعت نیز "اضافه کاری" دریافت میکنند! و اما سرچشمه ترین جنبه این حرکت انقلابی کارگران همانا خلعت تعرضی آن بوده توید بخش او جگیری و تعمیق مبارزات طبقه کارگراست.

پاسداران سرمایه دار کارخانه ها خارج باید گردند!  
کارگران متحده هم چیز، کارگران متفرق هیچ چیز!

## تعرض انقلابی کارگران کفش ملی برای آزاد ساختن همکارشان

روز ۵۹/۱۱/۲۰ با سداران سرمایه در مقابل کارگران مبارز کفش ملی اقدام به تیراندازی هوایی نمودند. قضیه را آنجا آغاز گردید که از چند هفته قبل کارگران خواهان دریافت حقوق تولیدات زهیست مدیره جدید کارخانه شده بودند اما هیئت مدیره با دادن وعده و وعید مدتی کارگران را سردواند. یکی از کارگران که بعد از گذشتن موعده تعیین شده، نسبت به این مسئله نزد "شورا" اعتراض کرده بود توسط مزدوران رژیم سرمایه داری دستگیر گردید. کارگران شرکت "گابور" زمانیکه از این جریان مطلع شدند، تصمیم گرفتند را با به جلوی کمیته رفته و همکار زندانی خود را آزاد سازند.

پاسداران سرمایه وقتی صف متحد و مسمم کارگران را در مقابل خود دیدند بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. اما کارگران که در گذشته به همراه ما بر تنه های رژیم جلادها را با آهنمه قدرت سرکوب از زمین برده و با دست خالی پادگانها را تسخیر کرده بودند، آنها که خود اسلحه ها را بدست پاسداران داده بودند، نه تنها تیراندازی در عرضان خللی

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارگران و زحمتکشان دائماً افزایش مییابند، مالیاتها و قیمت ما بحتاج زندگی توده ها روز بروز بالاتر میروند،

به بیابانه جنگ و "کمک" به جنگزدگان از حقوق کارگران کم کرده و حتی ناها را لغو میکنند

بیماران "بیخه شده" را در بدترین شرایط برای درمان فرامی بدهند

تزدیک ۲ میلیون آوارهای مسکنی گرسنگی و... در عذابند،

بیکاری زندگی میلیونها نفر را تهدید میکند

آری در این شرایط است که طبق سند فوق دولت طی یک بخشنامه حق بیمه ۶ ماهه "کارفرما

بیا ن کپدر آمد" (!!) را از "کسبه خلیفه" می - بختند! اینست ما هیت سرما به دارانه رژیم

جمهوری اسلامی!

کارگران، زحمتکشان و هم میهنان مبارز! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه می

تواند حافظ منافع شما باشد. این رژیم، حافظ منافع سرمایه داران، تاجران، زمینداران و

سایران و حرفه جا معداست، و به همین دلیل هم در پی با سازی و تحکیم سیستم سرما به داری

و بسته به امیرالیم میباید.

امار رژیم کور خوانده است. طبقه کارگر به همراه سایر توده های انقلابی دیگر چنین اجازتی به او نخواهند داد آنها

سرم و متحدان برقراری جمهوری دمکراتیک خلق مبارزات خود را! مدخو اهدا داد!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد دیگرا رتوده ها!

بقراباد جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر

نسخه از متحد ۳ از شروع

فشارها ردا ده بودند، که با گسترش جنگ، کارگران این کارخانه ها شک با سایر کارگران تحت

تاثیر غلبهات شوونیستی رژیم قرار گرفته و از بیکاری خواهتهای خود خود اری نمودند.

اما همانگونه که با گذشت زمان کارگران و زحمتکشان ایران در برخورد با واقعیت اجتماعی

بودن جنگ و شمرات سوء آن برای توده ها از طرفی، و افتکاری کمونیستهای بیکار از طرف

دیگری ما هیت سرما به دارانه جنگ، بی بردند، کارگران بنزخا ورنیز دوباره خواستهای خود را

مطرح کردند و "شورا" را زیر فشار قرار دادند. و آنجا شیک، تما می کارگران شکل بیکار چه

و متحدخواهان اجرای طرح طبقه بندی مناسله هستند، "شورا" و مدیریت کارخانه محبوسه

بذیرش این خواست شده اند.

یک نکته مهم

کارگری به رفیقش میگوید: در شرایط فعلی ما ناچاریم بین بد (بنی صدر و لیبرالها) و بدتر (شر حزبیها)، بد را انتخاب کنیم. رفیقش در جواب میگوید: ما "بد" داریم، "بدتر" هم داریم، "خوب" داریم و "خوبتر" هم داریم. چرا بین اینها "خوبترین" را انتخاب نکنیم؟!

"شورا" و مدیریت در آغا جنگ تصمیم می - گیرند که به ازاء هر شش ماه یکروز از حقوق کارگران را برای جیبه به حساب بنی صدر بیزند. این عمل با مخالفت و اعتراض عده ای از کارگران مواجه میشود. ما "شورا" با استفاده از جنبه شوونیستی آن زمان، در یک مجمع عمومی با "فدا انقلاب" خواندن مخالفین، پرداخت یکروز از حقوق را اجباری میکند. در ضمن به پیروی از سیاست کلی دولت مبنی بر سواستفاده هر چه بیشتر از روحیه "میهن پرستانه" کارگران و افزایش شدت کارواستثمار، مدیران دولتی کارخانه نیز توندید را دوباره بر کرده و از ۱۵۰ عدد کامیون در روز به ۳۰ عدد میسرسانند که روشن است چه فشار شدیدی به کارگران وارد نمود. به عبارت دیگر اگرگرا نی روز افزون مواد مورد نیاز کارگران را در نظر بگیریم، جنگ موجب شد که خیلی ساده و با یک چرخش قلم حقوق کارگر عملاً نصف شود. بهیچوجه نیست که سردمداران رژیم از "خیرات" و "برکات" جنگ دم میزنند! آیا خیر و برکتی "بیش از این برای سرما به داران میتوان تصور کرد؟!

یکی دو ماه بعد از جنگ که توهمات کارگران نسبت به جنگ فرو میریزد، مسائل مورد بحث کارگران نیز از مسئله جنگ به مشکلات اقتصادی - اجتماعی عیاشان (گرا نی سرما) و رومکبودن ما بحتاج اولیه زندگی از طرفی و ولخرجی های رژیم نظیر پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه و پرداخت میلیونها تومان به روحانیون و... تغییر مییابد. ما آنچه که در جگونی پیشبرد مبارزات کارگران اهمیت بسیار دارد، میزان آگاهی طبقه ای آنها و شناختی است که نسبت به جناحهای مختلف رژیم پیدا رند. از اینرو وظیفه کارگران انقلابی و بخصوص کمونیستهاست که با افشای همه جانبه و گسترده رژیم و بخصوص جناح لیبرالها (بنی صدر) که توهمات سیاسی برای کارگران بوجود آورده اند، در ارتقا آگاهی کارگران بکوشند. همچنین نمایندگان این جناحها در کارخانه یعنی "شورا" ی ضد کارگری انجمن اسلامی را افشا کرده و خواهان انحلال آنها شوند. کارگران انقلابی و کمونیست میبایست خواست تشکیل شورای واقعی کارگران را بدر و ن آنها برده و تبلیغ نمایند.

کارکنان جنگزده صنعت  
نقتهای اجتماعات  
خود خواهان آزادی  
نمایندگان نشان شدند

اصفهان:

کارکنان جنگزده صنعت نفت در پی نشستهای هفتگی خود روز ۱۳/۱۱/۵۹ میتنگی برگزار کردند. ابتدا یکی از نمایندگان درباره اخراج ۴۰۲ نفر از کارگران زیر پوشش (رجوع کنید به بیگانه ۹۴) صحبت کرد و پیشنهاد جمع آوری کمک برای آنها نمود. سپس یکی دیگر از نمایندگان در اینباره گفت که چگونه طبق سندی که بدست آمده، کارگران مبارز را به شا بعه پراکنی درباره اخراج کارگران زیر پوشش متهم کرده اند، در حالیکه امروز میبینیم که مسئله شا بعه نبوده و دولت اقدام بدینکار کرده است! بعد از سخنان این نماینده نوبت می رسید به ما در یکی از نمایندگان زندانی که برای دیدن فرزندش به تهران رفته بود. این مادر مبارز در سخنانش اظهار داشت: "پسر من را همه میشنا سندا و میتوانست در خانه بنشیند و سر هم راه حقوق خود را بگیرد اما از آنجا که به کارگران اعتقاد داشت راه مبارزه را انتخاب کرد." او سپس ضمن اشاره به سر - دولتند نه ای مقامات وزارت نفت در تهران گفت: "من به آنها گفتم که شما فکر میکنید کسی هستی؟! بین پسر من و همکارانش بودند که شما را به اینجا رساندند حال چطور شده که شما "انقلابی" شدید و بیچه های ما "فدا انقلاب"؟! این مادر مبارز در جواب مقامات رژیم گفته بودند "نماینده ها ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر کارگران آگاه را تحریک کرده بودند"، پاسخ دندان شکنی داده و گفته بود: کارگران که گوسفند نیستند که کسی آنها را تحریک کند! گرسنگی آنها را به حرکت در آورده، از نظر شما هر که گرسنه است و جش را طلب میکند نا آگاه است، پس شما کسه نا آگاه" نیستید حتما شرو تمندید!"

بعد از نماز نمازینده زندانی، یکی از نمایندگان سازشکار و فرمت طلب با عنوان کردن اینکه "این زن میخواهد ما را تحریک کند! سعی کرد تا از قوت گرفتن روحیه انقلابی در میان کارگران جلوگیری نماید، و برای آزاد ساختن نمایندگان زندانی راههای سازشکارانه و بی نتیجه ای چون "مذاکره" و مراجعه به دفتر ترام و رئیس جمهور" را پیشنهاد کرد. این فرد که سعی داشت کارگران را وادار کند از سردمداران رژیمی که بیعت تضا داشتی - نایذیرش با کارگران و زحمتکشان، نمایندگان بقیه در صفحه ۷

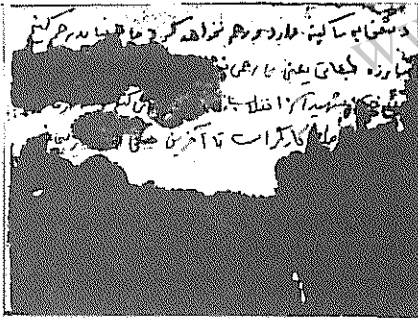
۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# خلق ها و مسئله ملی



## خون سرخ پیشمرگه، نشانه میثاق او با زحمتکشان

کمونیستها شیفته زندگی هستندولی نه با هر قیمتی. کمونیستها زندگی را دوست میدارند که بماند و در راه آن سرخ طبقه کارگری کار کنندولی در این مبارزه طبقاتی از مرگ نمی هراسند. آنان تا آخرین قطره خون در راه راهائی کارگران و زحمتکشان با پرچم سرخ انقلاب و سوسیالیسم در دست به پیش می روند و وفاداری خود را نسبت به عهد و میثاقی که با کارگران و زحمتکشان بسته اند با خون ایضا میکنند در ماه گذشته در یک درگیری با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی یکی از رفقای پیشمرگه پیکارگر زخمی شد و در حالیکه گلوله ای به ران و گلوله دیگری به سرش اصابت کرده بود، در هوای سرد و در میان برفهای کوهستانهای سراسراز کردستان به مقاومت دلیرانه خود ادامه داد زمانیکه فقط یک گلوله برای رفیق مانده بود، رفیق قهرمان ما شروع به نوشتن وصیت نامه خود نمود. در همین حال در اثر رسیدن پیشمرگان دیگر، از خطر مرگ حتمی نجات یافت. در زیر قسمتی از وصیت نامه رفیق که در کاغذی آغشته به خون این رفیق پیکارگر نوشته شده است میاوریم:



"دشمن به ما کینه دارد و در هر لحظه خواهد کرد ما را در هر لحظه هم نسیباً بدرحم کشیم. مبارزه طبقاتی یعنی بی رحمی به دشمن طبقه ای. من به خون شهیدان انقلاب سوگند میدهم که به آرمان من که آرمان طبقه کارگر است تا آخرین نفس وفادار بمانم. من افتخار میکنم که مرگم در راه آرمان زحمتکشان است. ما در میدان مبارزه میتوانی جای خالی مرا برای همیشه بگیری سلام مرا بتمام دوستان و آشنایان برسانید، کامیاران، فرزندان ما."

۵۹/۱۱/۱  
چقدر با شکوه است، مرگ را در برابر خود

### مهاباد: ادامه مقاومت

تنها اداره آب و برق به دلیل اهمیت آن برای نیروهای دولتی مشغول بکارندولی با ساداران کارمندان و کارگران آنجا را نیز بشدت زیر فشار قرار داده اند و هر روز به بیانه ای آنان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. سرکوبگران موقع تعطیل اداره و با زکشت کارمندان به خانه ها - پیشان بسوی آنها تیراندازی کردند که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید.

امروز ۱۶/۱۱/۵۹ - مزدوران مستقر در "دانشامجید" اطراف - چهارراه مولوی را زیر توپ و خمپاره گرفتند که در نتیجه دست کم ۱۲ خانه ویران شده، سه نفر از مردم بی دفاع شهید و تن دیگری زخمی شدند. در این اثنا یک گلوله خمپاره به جیب ۶ سینه در ساداران که از آن محل عبور میکرد، اصابت کرده و سه تن از ساداران به هلاکت رسیدند. این خمپاره با رای تا ساعت چهار بعد از ظهر ادامه یافت. رفت و آمد مردم در این روز قطع شد.

(خبرنامه ۱۲۲ کومه له)

شهر همچنان حالت جنگی دارد، بازار تعطیل است، با اهالی محلات فقیرنشین با امکانات نا چیز خود مشغول ساختن پناهگاه برای درامان ماندن از خطر خمپاره باران و توپ باران ارتش و ساداران جنایتکار هستند.

ذخیره مواد غذایی مردم رو به اتمام است. تعدادی از مردم شهر را ترک کرده اند و به دهات و شهرهای اطراف پناه برده اند. هر چند گداگاری و صدای دلخراش گلوله های توپ و خمپاره و رگبار مسلسل های ارتش و ساداران سکوت شهر را درهم میشکنند.

مردم با امکانات کم خود زخمیها را مداوا میکنند و با وجود این همه فشارها روحیه بسیار خوبی دارند.

پیشمرگان کومه له در تاریخ ۵/۱۱/۵۹ شهر را ترک کرده اند. دیروز (۱۵/۱۱/۵۹) با ساداران بطرف دینورغا بردر جلو مسجد عباس آغا آتش میگذارند و در نتیجه یکی از آنها را زخمی و دستگیر میکنند. همه ادارات تعطیل هستند و

### سازمان چریکهای فدائی (اکثریت): خیانت به خلق کرد خدمت به ضد خلق

رویزیونیستهای خائن سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) نیز فعلاً لانه و اردمیدان شده و به اشاعه تسلیم طلبی و ایجا دتنزلزل در بین پیشمرگان و توده های زحمتکش کرد مشغول بوده و با لجن پراکنی های مذبحا تبر علیسه کمونیستها و نیروهای انقلابی کردستان جهت پراکنده ساختن صفوف متحد خلق کرد فعلاً لانه تلاش می نمایند. از جمله اخیراً مردم قهرمان سنج شا هدرشت نویسیهای بدون امضا متعددی در میادین و دیوارهای شهرها مضمون "ما م عفودا ده خود را تسلیم کنید" بوده اند که بشهادت آنها چنین شعارها بی توسط اکثریتی های خائن نوشته شده است. حال در رابطه با خیانت سازمان چریکهای اکثریت و تبلیغ و

بقیه در صفحه ۶

به دنبال تلاش در ایجا د جنگ روانی بر علیه خلق کرد و اشاعه روحیه تسلیم طلبی از طریق تبلیغات دروغین حول توبه و تسلیم سلاح پیشمرگان و دادن امان نامه به آنها توسط رژیم اکنون در ماتدگی و استیصال رژیم در ایجا دتنزلزل در بین خلق قهرمان کرد، سه داد اولتیماتومهای مکرر تبدیل شده و رژیم جمهوری اسلامی روز و شب ضرب الاجلهای جدیدی برای پیشمرگان در جهت تسلیم شدن تعیین میکند. ما در پیکار شما راه ۹۴ در تعطیل ما هیت توبه و امان نامه و تسلیم شدن کاذب پیشمرگان و اهداف رژیم از بکارگیری این حیلها سخن گفتیم. اکنون افشای مجدد اهداف رژیم و تا کید بر آنچه که در پیکار ۹۴ گفته شده از آن جهت ضروری می نما یکه در این جنگ روانی بر علیه خلق کرد

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



دیدن و بیاد آرمان رهائی بخش طبقه کارگر -  
بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم، سوگند و فداوری یاد  
کردن، جقدر زیباست که با خون سرخ خود میثاق  
و فداوری به آرمان زحمتکشان را امضا بکنی و  
تا آخرین قطره خون بمبارزه طبقه‌ای ادا مسه  
بدهی آری! اینست راه و رسم کمونیست بودن و  
کمونیست وارد بر امرگ ایستادن و به سرگ  
سرخ در راه زحمتکشان بالیدن!

بقیه از صفحه ۵ سازمان ...

اشاره تسلیم شدن در برابر رژیم دربین خلق کرد  
می توان گفت که آیا تبلیغات رژیم حول محور  
تسلیم شدن به اصطلاح پیشمرگان و توبه و تحویل  
اسلحه آنها و دریا فت امان نامه و اقصیت وجودی  
دارد؟ بدون شک از نظر کمونیستها و پیشمرگان  
انقلابی جنبش مقاومت پاسخ چنین سوالی  
منفی خواهد بود. اما با توجه به تکامل خباثتهای  
دستجاتی از جمله رویزیونیستها سازمان  
چریکهای اکثریت، چنین تبلیغاتی می تواند  
بزرگ زمینه مادی که سیاستهای فدا انقلابی  
سازمان چریکهای اکثریت در قبایل جنبش  
طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده فراهم میکنند قرار  
گیرد بررسی چونگی مادیت یافتن تبلیغات  
رژیم توسط سازمان چریکهای فدائی اکثریت  
بدون برخورد به گذشته این سازمان در جنبش  
مقاومت خلق کرد میسر نیست.

سازمان چریکهای فدائی خلق از جمله  
نیروهای بی بود که از آغاز جنبش مقاومت خلق  
کرد بطور فعال در مبارزات برحق و عادلانه خلق  
کرد شرکت نمود از بعد از انتشار نشریه "کار"  
شماره ۵۹، و انشعاب در این سازمان، بخش  
اکثریت آن با در غلبیدن به منجلا ب رویزیونیسم  
و در یوزگی در مقابل ارتجاع حاکم خیانت عربان  
خویش نسبت به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده  
ایران بویژه در ترکمن صحرا و کردستان به نمایش  
گذاشت و از همان ابتدای گرویدن به صف ضد  
انقلاب ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد را  
در دستور کار خود قرار داد. بدیهی است که این  
سازمان در تداوم و تکامل ارتداد خیانت آمیز  
خود، نمی توانست در برخورد به روند روبه رشد  
جنبش مقاومت خلق کرد بی تفاوت بماند و از  
این نظر در خدمت به جنا بکاران جمهوری اسلامی  
و سرکوبگران خلق کرد و در خیانت به خلق  
ستمدیده و زحمتکش کرد و ازمیدان شده و عملا به  
مقا بله با جنبش مقاومت خلق کرد اقدام می -  
نماید. بر اساس همین سیاست است که خائنین  
سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) بلافاصله  
بعدا از پیام خدا انقلابی خمینی در اول بهمن با  
انتشار تراکتی به مشاطه گری چهره گریه بورژوا  
- زی حاکم پر داخته و از تک تک مقاومتیها

رژیم، تحویل اسلحه و دریا فت امان نامه  
رژیم را در جنگ روانی که بر علیه خلق کرد  
برراه انداخته یاری میکنند و در واقع آنچه که  
امروز رژیم ادعا میکند تبلیغاتی است که  
خوراک آن بدست این خائنین رویزیونیست  
تهیه میشود.

حال اگر چه خلق ستمدیده کرد، همان تنفر  
عمیقی که نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد،  
در مقابل سازمان چریکهای اکثریت و برادر  
بزرگش حزب ضد خلقی و ارتجاعی توده نیز از خود  
نشان میدهد، اما نباید نقش این سازمان ضد  
انقلابی در خیانت و توطئه بر علیه جنبش مقاومت  
را نادیده گرفت. چه با توجه به نقش سابق این  
سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد، اطلاع و  
آگاهی بالینسبه آن از کم و کیف جنبش، روحیه  
پیشمرگان، بویژه اطلاع از شیوه ها، اشکال،  
تا کتیکها و استراتژی نظامی خلق کرد، حضور  
فعال فدا انقلابی آن در کردستان و مخاطرات  
فراوانی برای جنبش مقاومت می تواند در بر  
داشته باشد. علاوه به لحاظ دشمنی این سازمان  
با کمونیستها و بکار گرفتن شکلهای مختلف  
جاسوسی در باره کمونیستها و نیروهای انقلابی  
افشای پیگیر و فاطمان این نیروها و اهمیت  
فراوانی برخوردار است، امروز سازمان  
چریکهای اکثریت هر آنچه را که در طول دو سال  
مقاومت حماسه آفرین خلق کرد تجربه کرده اند،  
در اختیار دشمنان و جلادان خلق کرد قرار می -  
دهند تا با اشیات نوکری خود به ارتجاع حاکم،  
امتیازاتی در جهت منافع سوسال امپریالیسم  
روس از آن کسب کنند. تبلیغ تسلیم شدن و  
دریا فت امان نامه به تبعیت از سیاست بورژوا  
- زی حاکم در حقیقت از تبلیغات جنبش  
سیاستی است که این خائنین در قبایل جنبش  
مقاومت در پیش گرفته اند و طبیعی است که  
چنین سیاستی با رشد و توده ای شدن هر چه بیشتر  
جنبش مقاومت بطور خاص و قرا و گرفتن رژیم  
جمهوری اسلامی در آستانه سقوط در اثر رشد و  
گسترش هر چه بیشتر مبارزه طبقه ای بطور عام،  
بطور عربان و آشکار تر از پیش به مقابله فعالتر با  
جنبش طبقه کارگر و توده ها و خلقهای ستمدیده  
تبدیل خواهد شد.

مذکور حمایت نام نمودند، برواضح است که  
حمایت سازمان چریکهای فدائی اکثریت از  
پیام خمینی نمی تواند در چهار چوب صرفا نوعی  
تا ثید باقی بماند چه منافع طبقاتی بورژوازی  
ارتجاعی حاکم از یک طرف و در یوزگی خائنین  
رویزیونیست از ارتجاع حاکم جهت کسب امتیاز  
از آن از طرف دیگر، مستلزم اثبات عملی این تا ثید  
بویژه در امر "توبه"، "تسلیم سلاح" و "بازگشت  
به آغوش اسلام" از طرف اکثریتی های ورشکسته  
میباشد. حال با توجه به تعاریف فوق آبی نمی -  
توان گفت که هیاهوی رژیم ضد خلقی جمهوری  
اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان در رابطه  
با جریانات فدا انقلابی نظیر اکثریتی های  
خائنین چندان هم دور از واقعیت نیست؟ آیا این  
"اقرار مسلح غیرقا نونی" که خود را به اصطلاح  
تسلیم رژیم جمهوری اسلامی کرده و "امان نامه"  
دریا فت میکنند، جز پیشمرگان و نیروهای نظیر  
اکثریتی های خائنین کسان دیگری می توانند  
باشند؟ خائنین رویزیونیست با استفاده از  
فرصتی که پیام خمینی برایشان فراهم آورده در  
پی ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد برآمده  
با برکردن شهرهای کردستان از شما رها بی  
نظیر "امام عقود" تسلیم طلبی کرده و به ایجاد زلزل  
در روحیه پیشمرگان جنبش مقاومت آغاز نموده اند.  
نوکران بورژوازی اسلحه هایی را که بیس  
خون هزاران شهید در ایران و بیس شهادت مد  
ها کارگر و دهقان و زحمتکش کرد و زخمی شدن و  
آوارگی بی خانمان شدن هزاران تن از آنها  
غضب کرده اند، تحویل جلادان خلقهای ایران  
می دهند. آنچه که اکنون رژیم جمهوری اسلامی  
در مورد تسلیم شدن پیشمرگان و تحویل اسلحه و  
دریا فت امان نامه ادعا میکند در حقیقت معلول  
سیاستهای فدا انقلابی دستجاتی نظیر رویزیو -  
نیستها سازمان چریکهای اکثریت است که با  
و ادرا کردن پیشمرگه های خود به تسلیم در برابر



ضربات شدید پیشمرگان کوه هله  
بر نیروهای دشمن در سنجاق

۵۹/۱۱/۱۱ - ساعت ۵ صبح یک ستون  
پیاده، ارتشی و پاسدار و جانش روستای "که رجو"  
را محاصره نمودند و ساعت ۷/۵ صبح وارد آنجا  
شدند. همچنین در ساعت ۹ صبح ۲۰ خودرو از  
نیروهای دشمن بکمک ستون پیاده وارد این  
روستا شدند. دشمن تا نزدیکی های ظهر در که رجو  
ماندوبه اذیت و آزار روستائیان پرداخت. سر -



## توطئه سرمایه داران علیه کارگران، در گیلان

سیرون بکشند!  
آری! آنها چه خوب وحدتشان را در مقابل مبارزات کارگران به نمایش میگذارند! آنها کداز مبارزات او جگربرنده کارگران به وحشت افتاده اند میگویند: "با بیدار شدن تشکیلات نوآرهای انقلابی در کارخانجات جلوگیری کنیم. آنها می گویند که: کمیته احیای اتحادشوراها را انقلابی کارگران گیلان "فدا انقلاب" است و با بیدار شدن آنها ما نماند کارگران را شدیداً سرکوب نمود. البته روشن است که منظورشان از "فدا انقلاب" کارگران مبارزی هستند که در مفتخوریها و بهره‌کشی - های آنها اختلال میکنند سرمایه داران سیرون و قاحت و بیشرمی را به جانش می رسانند که

در روز ۱۸/۱۱/۵۹ مدیران دولتی کارخانجات گیلان، در استاننداری جلسه تشکیل داده و به توطئه جینی بر علیه کارگران میپردازند. در این جلسه که ظاهراً تحت عنوان بررسی مسئله 'کمبود لوازم بیداری' تشکیل شده بود، مدیران مزدور و سرکوبگر کارگران اعلام میکنند که: "به هیچ وجه نباید سود ویژه، حق مسکن، وام مسکن و طبقه بندی دستمزدها اضافه شود و باید تنها همان مقداری را که دولت گفته بدیم." آنها همچنین بر لزوم سرکوب مبارزات کارگران برای سود ویژه، تاکید مینمایند. این نمایندگان سرمایه داران در واقع میگفتند: "ما باید سالها بگذرد تا کارگران بتوانند سود ویژه را از حلقوم ما ن



بودیم آنها با پیشنهادش در شوق و حق السکونت کردند! " و در پایان سخنانش خواهان ادامه مبارزه بیگانه و متحدانه کارگران شدند و کارگران چندبار شعار "نمایند زنده‌ای آزاد با بیدگردد" را تکرار کردند.  
در پایان اجتماع، با وجود مخالفت چند نفر سازشکاران کارگران خواهان ادامه مبارزه برای آزادی نمایندگان زندانی، بشیوه‌ای انقلابی شدند. اما اقدامات سازشکاران و بخصوص توطئه - های فدکاری رگدی رودسته‌های انجمن اسلامی، کارگران را به ضرورت هر چه بیشتر افزایش هوشیاریشان و استحکام بخشیدن به اتحادشان، فرامیخواند.  
نمایندگان زندانی شورای سراسری کارگران جنگزده صنعت نفت آزاد با بیدگردد! توطئه‌های رژیم بر علیه کارگران جنگزده افشا با بیدگردد!

اینصورت بیشتر آفشا خواهد شد، از اینکار خود داری کرده و در حالیکه شدیداً مورد تعرض کارگران قرار گرفته بود، فرار را بر قرار ترجیح داد!  
بعد از این جریان همسر یکی از نمایندگان زندانی پشت میکروفون رفت و به افشای مسئولین صنعت نفت و مسئولین زندان پرداخت و گفت: "ما اجازه ملاقات با همسر فرزندانمان را ندادند و با ساداران با ما بسیار بدرفتاری میکردند. آنها به ما در یکی از نمایندگان که گفته بود: بگذارید بچه‌ها بیمان را ببینیم که آیا زنده اند یا آنها را کشته‌اید زیرا برای شما آدمکشی مثل آب خوردن است"، شدیداً اهانست کرده و تهدیدش نمودند. آنها همچنین بیشتر ما به خواسته‌های ما داده‌ای کارگران را "بیرون آمده از زبردست صدای" خواندند. زهی قاحت!  
این همسر مبارز در دادنامه سخنانش گفت: "در شرایطی که ما خواهان آزادی نمایندگان

بقیه از صفحه ۴ کارکنان...  
آنها را زندانی کرده است، آزادی آنها را گذاشتی کنند، عملاً به سرمایه داران ورزیم - جا میشان خدمت میکرد.  
کارکنان همگی که خواهان تلاش برای آزادی نمایندگان نشان بودند، برای رسیدن به این هدف و همچنین پیشبرد مبارزاتشان میبایست از این گونه راه‌حلهای سازشکارانه دوری جستند و تنها با اتکا به اتحاد و قدرت طبقه کارگر مبارزات خود را به شیوه‌ای انقلابی پیش ببرند آنها با بیدیه جلب حمایت شوراها کارکنان شاغل پالایشگاه و سایر کارگران بپردازند.  
پیراز:

روز پنجشنبه ۱۶/۱۱/۵۹ بدعت شورا کارکنان جنگزده صنعت نفت جهت آزادی نمایندگان زندانی و پیگیری خواسته‌های کارکنان، در محل باشگاه نفت این شهر اجتماعی با حضور بیش از ۷۰۰ نفر تشکیل شد. ابتدا یکی از نمایندگان شیراز که به همراه نمایندگان کارگران سایر شهرها برای مذاکره بمنظور آزادی نمایندگان، به تهران رفته بود، صحبت کرده و به بی‌توجهی و سنگ اندازی مسئولین اشاره نمود. سپس یکی از اعضای انجمن اسلامی پالایشگاه شیراز برای عوامفریبی و به انحراف کشیدن مبارزات کارگران صحبت کرد که با اعتراض شدید کارگران مواجه شد.  
دارودسته انجمن اسلامی که وظیفه خدمت به رژیم سرمایه داری از طریق منحرف کردن مبارزات کارگران و شناسایی کارکنان مبارز را بعهده دارد، طی اعلامیه‌ای نمایندگان دستگیر شده کارکنان را "آمریکائی" معرفی کرده بود. اما از آنجا شیکه این عمل موجب برانگیخته شدن خشم و تنفر کارکنان و انجمن اسلامی را پیش از پیش در نزد آنها افشا کرده بود، لذا این مسن مزدوران سرمایه مجبور به عقب نشینی شده و مزورانه طی اعلامیه دیگری سعی کردند خود را مدافع خواسته‌های کارگران و آزادی نمایندگان نشان دهند. اما اینبار نیز توسط یکی از کارکنان مبارز افشا شدند. او خطاب به نماینده انجمن اسلامی گفت: شما اگر راست میگوئید و از خواسته‌های ما پشتیبانی میکنید چرا با صراحت اعلامیه قبلی خود را رد نمیکنید؟! در اینجا یکی از کارگران برای افشاشدن هر چه بیشتر انجمن اسلامی خواست که نماینده انجمن اسلامی اعلامیه‌ای را که در آن نمایندگان زندانی کارکنان جنگزده شورای سراسری صنعت نفت را "آمریکائی" خوانده بودند، برای جمعیت قرائت کند. اما نماینده انجمن اسلامی که میدید در

# فان، مسکن، آزادی

## نرو دبر کارگران قهرمان اعتصابی شرکت واحد



### کارگران مبارز!

اعتصاب و تحمن برحق شما به منظور گرفتن دو ماه عیدی که توسط دولت جمهوری اسلامی لغو گشته است، مورد حمایت شما می کارگران و زحمتکشان است و تمامی مردم آگاه تهران نیز از اعتصاب برحق شما حمایت میکنند رژیم جمهوری اسلامی که میکوشد فشارهای ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بدوش زحمتکشان

سودویژه به کارگران بودجه ندارد؟! آری رژیم برای مرفا ارتجاعی خود بودجه های گسلان دارد، اما حاضر نیست حقوق ابتدائی کارگران و زحمتکشان را بپردازد.

### کارگران مبارز اعتصابی!

شما میبایست نسبت به عوا مغربیی و دروغ گوئی دولت هوشیار بود و آنها را خنثی کنید رژیم میکوشد که به بهانه شرا بیط جنگی، و به بهانه شمشیر گذاشتن اجساد قربانیان خود، شما را از بدست آوردن حقتان منصرف نموده و مردم را به موضعگیری علیه شما بکشانند. شما باید ضمن ادا ماه مبارزه خود میکوشید که کارگران و کادرمندان ساقی برتسمتهای شرکت واحد را نیز به همبستگی و اتحاد با خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دو ماه عیدی ساقی برخواستن مستحکم با ادا ماه دهید.

مستحکم با ادا ماه دعوت نموده و مردم را به همبستگی و اتحاد با خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دو ماه عیدی ساقی برخواستن مستحکم با ادا ماه دهید.

مستحکم با ادا ماه دعوت نموده و مردم را به همبستگی و اتحاد با خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دو ماه عیدی ساقی برخواستن مستحکم با ادا ماه دهید.

طبق آخرین اطلاع، تحمن و اعتصاب کارگران مبارز شرکت واحد عصر روز ۱۲/۵ به پایان میرسد رژیم که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، به انواع روشهای اعمال فشار بر علیه کارگران متوسل گردید. از جمله از یکسو تبلیغات فراوانی بر راه انداخته و با بیشرمی بسیار کارگران را "مدا انقلاب" و "عامل آمریکا" خواند، همچنین با هوجبگریهای عوا مغربیه نه که شیوه متداول دارد دست حزب جمهوری است، مسئله جنگ و صلح نهایی ساحتگی از عکس العمل خانواده های قریب نیا ن جنگ و... جنگ روانی گسترده ای را بر علیه کارگران بر راه انداخت، از سوی دیگر با تهدید و ایجاد تفرقه در صفوف کارگران توانست موقتا جلوی مبارزات کارگران را را بگیرد. ولی مبارزات کارگران ادا ماه داشته و تا نابودی کامل سرمایه داری ادا ماه خواهد یافت.

تحمیل کنند و کربییان خود را خلاص نماید، با دانش و عیدی شما را نیز قطع نموده است تا بحسبان ناشی از اذیت سرمایه داری خود را اندکی تخفیف دهد و هزینه جنگ را تا مین نماید. مسلما این اولین و آخرین اقدام دولت در تحمیل فشارهای ناشی از جنگ بر دوش کارگران و زحمتکشان نخواهد بود، این اقدام در پی سایر اقدامات ضد کارگری و ضد مردمی دولت مانند افزایش ساعت کار کارگران و قطع ناها رکارخانه ها و تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران در مناطق جنگی، کاهش دستمزدها، افزایش مالیاتها، افزایش قیمت کالاها و ضروری مانند مواد خوراکی، بنزین و... و بالاخره آخرین اقدام که هوش سودویژه کارگران صورت گرفته است.

دولت با بهانه های عوا مغربیه نهایی همچون "مادر شرا بیط جنگی بر میبیریم" و "دولت بودجه ندارد" و... میکوشد تا اقدامات ضد کارگری خود را توجیه نموده و از مبارزات کارگران جلوگیری نماید! اما مبارزات کارگران و آوارگان جنگ و ساقی برتسمتهای برای بدست آوردن خواسته های برحق خود، پشت محکمی است بر دهان رژیم جمهوری اسلامی.

کارگران شرکت واحد همچون سایر کارگران میبیرند؛ چرا با به هزینه این جنگ ارتجاعی را اینان برداخت کنند، چطور دولت بودجه ندارد ۲۰۰ میلیون تومان توسط آقای رفسنجانی از خارج کند و اسلحه بخرد، به روحانیون شیعه و سنی برای تبلیغات عوا مغربیه نه بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص بدهد و بنیاد شهید برای میهمانی در هتل هیلتون ۲۰۰ هزار تومان خرج نماید، و میلیونونها تومان صرف خرید اسلحه و غیره نماید، ما برای پرداخت دو ماه

"لغوسودویژه بشیوه جمهوری اسلامی، غارت کارگران بشفیع سرمایه داران" "تنگ و نفرت بردشمنان طبقه کارگر" کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران کیلان

## جنبش کارگری

میکویت: سازمان پیکا در راه آزادی طبقه کارگر آمریکا شئی است و با پیکار کارگران هوادار سازمان را شناسائی و اخراج نمود. این آقایان که شکمهایشان از فرط مکیدن خون کارگران بالا آمده و عمری را در نوکری امپریالیسم و همدستی با آن در بهره کشی کارگران، سپری کرده اند، چه خوب دشمنان طبقه ای خود را میشناسند. دشمنی آنها با کمونیستهای راستین (نظریا زمان ما) که نمایندگان واقعی طبقه کارگرند، نشان دهنده دشمنی عمیق و کینه طبقاتی نشان نیست به طبقه کارگر است!

کارگران مبارز و آگاه! افشای همه جا نیه توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عوا ملش، آماده کردن کارگران برای تشکیل شوراهای انقلابی کارگران، سازماندهی کارگران برای گرفتن سودویژه و سایر حقوقشان، شناساندن سازمانهای انقلابی و کمونیست از جمله سازمان ما به کارگران و افشای خائنین توده ای، اکثریتی و... وظیفه تنگ شماست! در اینجا وظایف انقلابی و طبقاتی مان از هیچ کوشش و فداکاری نباید دریغ کنیم!

تنگ و نفرت بر توطئه گران ضد کارگر! هر چه رسوا تریا در رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی کارگری برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! (به نقل از اعلامیه کمیته کیلان سازمان)

## لغوسودویژه هجوم سرمایه داران به دستمزد کارگران!

۵۹/۱۱/۱۸ - طبق آمار وارقا موجود ۸۰۰ هزار کارگر ایرانی هر ساله بطور متوسط ۳ ماه و نیم حقوق به عنوان سودویژه و یک ماه به عنوان عیدی و پاداش یعنی جمعا ۴ ماه و نیم دریافت میکردند اما طبق دستور شورای انقلاب هر کارگر باید سال ۴ ماه پاداش بگیرد این حساب می بینیم که ۴ ماه و نیم سودویژه و عیدی کارگران ۲ ماه و نیم آن کسر میشود بنا بر این دو ماه و نیم حقوق یک کارگر (که بطور متوسط ۲۰۰۰ تومان است) ۲۵۰۰ تومان شود و این مبلغی است که از سودویژه آخر سال هر کارگر کسر توسط دولت کسر خواهد شد که جمع آن برای ۸۰۰ هزار کارگر ۶ میلیارد تومان میشود. رژیم جمهوری اسلامی بدین ترتیب ۶ میلیارد تومان از دستمزد کارگران را غارت کرده و به جیب سرمایه داران میریزد.



# پیکار

## اخبار مبارزات توده‌ها



### تظاهرات کمونیست‌ها در بروجرد

در سوسن هفت‌به‌هفت رفقای هوادار در بروجرد با برگزاری تظاهرات موضعی و پخش اعلامیه و نشریه به آکا هگری و افشاکری در میان توده‌های زحمتکش پرداخته شد. همچنین در سالگرد قیام‌بهمن یک تظاهرات موضعی مشترک با رفقای هوادار "رزمندگان" برپا ساختند. در زیرگزارش مختصر این فعالیت‌ها را می‌وریم:

۱۵ بهمن - رفقای هوادار اقدام به برگزاری تظاهرات افشاکرانه علیه رژیم نمودند که بخاطر همزمانی آن با حمله فالانژها به هواداران مجاهدین، دانش‌آموزان و دیگر رفقای هوادار به حمایت از مجاهدین در برابر ارتجاع و پیردختند و تظاهرات طبق برنامادامه نیافت. رفقا با طرح شعارهای سازمان و شرکت در بحث‌های توده‌ای توانستند بذر آکائی در میان توده‌ها بپاشند. این فعالیت افشاکرانه علاوه بر حملات ارتجاع و باوران آنها رویزویو - نیست‌های اکثریت توده‌ای نیز به سمپاشی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست مفسول بودند که با عکس‌العمل‌های قاطعانه مردم رویزویو میشدند.

۱۸ بهمن - تظاهرات در خیابان شهساده آغا زشد و رفقا با شعارهای "اتحاد اتحاد" زحمتکشان اتحاد"، "زحمتی و گران‌ی این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند" و... توانستند پشتیبانی توده‌ها را جلب کرده و تظاهرات شرکت‌بیش از هزار نفر را در میان بد. این تظاهرات در برابر بردن روحیه مبارزاتی مردم نقش مثبتی داشت. نزدیک به بیایان راهپیمایی ارتجاع به عده‌ای از شرکت‌کنندگان حمله سرد ولی انشاهی یک فالانژ را بیاکت گرفتند.

یک کارگزار نواضع پشتیبانی از این تظاهرات می‌گفت: "اگر این پیکار ریک گروهک بقول دولت است چرا اینقدر از وحشت دارند؟"

۲۱ بهمن - نزدیک تظاهرات از خیابان سدی شروع شد و فریادهای انقلابی رفقا

ارتجاعی جنگیدن، مردم‌زارا گل‌بدر و... دادا می‌بید کرد. و در طول مسیر، اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان پخش میشد که با استقبال مردم مواجه گشت. مزدوران حزب الهی با قلمه و جاقو و جوب و جاق به تظاهرات کنندگان حمله کرده و چندین نفر را دستگیر می‌سازند. رویزویو - نیست‌های خاش "اکثریت" و توده‌ای به ساری با ساران و حزب الهی هاشتا فته و یکبار دیگر چهره کثیف خود را به نمایش گذاشتند. به نقل از اعلامیه کمیته سریر با اندکی تعییر.

### مقاومت سربازان در مقابل سرکوب خلق کرد

با گذشتن از روزهای ۱۷/۱۱/۵۹ هنگامیکه سربازان با دکان مرید با دکان سرود با دست‌ساز فرمانده خود یعنی سرکشی آنها دست‌ساز و میسوند. هفتاد سرباز سربازان (یک گروهان) به این دستور اعتراض کرده و از رفتن به کردستان خودداری نمودند و می‌گویند "ما چهار ماه در جبهه بودیم و دیگر از جنگ خسته شده ایم". فرمانده با دکان که از عکس‌العمل سربازان عصبانی شده بود شروع به فحاشی کرده و عده‌ای را بزرگ‌تک می‌گردد. همین امر به مقاومت سربازان می‌افزاید. فرمانده مزدور برای تحمیل سربازان به حجت الاسلام رحمتی و مرتندی متوسل میشود ولی از موعظه‌های آنها در قواید "دفاع از میهن" کاری بر نمی‌آید. سرانجام آیت الله موسوی تبریزی به با دکان آمده و برای سربازان سخنرانی میکند. در حین سخنرانی یک نفر از سربازان با احترام می‌سازد. این توده‌ها به رئیس جمهور سوخته با موموا غما دندان ریم و سپس سینه‌ها سر کرده و می‌گویند "برای یک شهید کمر حاضریم جنگ کنیم". در همین زمان ما شنیدیم که برای بزدن این سربازان به جبهه

### بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن در تبریز و وحشت ارتجاع

معضن او را افشا کرده و در جهت سازماندهی مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی کارگران و زحمتکشان کوشا بوده و خواهد بود. ... راهپیمایی علیه رژیم سرخی ناراستیها و اسکالات در زمینه سازماندهی با شعار "زننده و جانبدار دبا دشیدان خلق" آغا زنده هم‌زمان با آن بالارفتن بر سرچ بانا مبارک روستاره درشت در بالای آن، یکبار دیگر نشان داد که علیه رژیم کوشش ارتجاع در بیست خفقان، کمونیست - هاهمواره بیا د خون سرخ کارگران، زحمتکشان، کمونیست‌ها و تمام انقلابیونی که در طول تاریخ با سنا ر خون پاک خودنهاد انقلاب را آبیاری کرده‌اند، در درزیدن این سایه‌های خفقان لحظه‌ای عقلت نمی‌کند. راهپیمایی با شعار "نه لیدان، آزلیدان، ملت‌خا گل‌بدر" -

در پی اعلام مراسم برای گرامی بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن از طرف سازمان ما در تبریز، همانطور که انتظارش صرفاً ارتجاع‌ها کم‌باید با چکی هر چند متر، سروهای خود را بسج کرد تا از بزدن آکائی به میان نوده - های زحمتکش و ساندن با ما انقلاب به آندان جلوگیری نماید. رژیم عجلانه راهپیمایی "بسجی‌ها" را به راه انداخت و آنها را در محاورت مکان اعلام شده برای شروع راهپیمایی متفر کرد و در ضمن شعارها و سخنرانی‌های خود سعی کرد احساسات توده‌ها را بر علیه سازمان ما سرانگیزد. رژیم‌ها کم‌خوبی میداند که اگر رویزویو - نیست‌ها و خاشی همچون فداشان "اکثریت" به‌گانه‌سی ارتجاع مفسول هستند، سازمان ما همواره به تکیه نیروی لایزال توده‌ها چهره

## به استقبال جنبش اوج‌گیرنده توده‌ها باشیم

رحمتکشان منطقه آنها پیوستند، رفقا در مسیر تظاهرات با پخش اعلامیه و فروش "پیکار" به آگهی مگیری میرداختند که با استقبال فراوان رحمتکشان روبرو میشدند بطوریکه شده های کنار خیابان شعارها را تکرار میکردند تا آنجا که رحمتکشی به همکارانش میگفت: "پیکاری ها در میدان قبا مرا هیبتی داشتند کف کردم . شعارهای خوبی میدادند از قبیل قحطی، گرانسی و... رحمتکشان ایران بر میگشند فریاد... علیه لیسرا لیسرا، علیه حزب جمهوری و... دنیا لشان بودم اگر فالانها حمله کنند جلوشان را بگیرم ولی نیا مدند، من هروقت این سازمان را همیما ئی داشتند شرکت میکنم"

### نظارات بزرگداشت ۲۲ بهمن

این تظاهرات با شرکت رفقای هواداران روزمندگان انجام شد. از آنجا شبکه ارتجاع از محل برگزاری آن مطلع شده بود، این تظاهرات موضعی از محل دیگری شروع شد و در نتیجه حقای بدستان حزب جمهوری که از راهیما ئی بیرون میگشتند در سرکوب کمونیست ها "نا کام" ماتدند. این تظاهرات های افشاگرانه و بیژر شور در شرایطی انجام شد که "فرمانداری بروجرده" با تهدید و اراغاطی اطلاعیه ای انجام هرگونه راهیما ئی را "ممنوع" اعلام کرد و شرکت کنندگان را از "مقررات زمان جنگ" ترسانده بود. سپاهیان سازمان سرمایه نیز با آوردن نیروهای کمکی از خرم آباد و همدان خود را برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست آماده تر کرده بود. فعالیتهای انقلابی کمونیست ها در این چند روز با بردن پیام انقلاب و سوسال لیم به میان نموده ها رژیم جمهوری اسلامی را پیش از پیش افشا کرد.

### دانشجویان انقلابی مقیم خارج بساط "با هنر" را بهم زدند

رژیم جمهوری اسلامی با اعزام هیئت های بیخارج از کشور تلاش منما بدکه علاوه بر گسترش روابط با کشورهای امیربالیستی و سرما به داری و دادن "اطمینان" های لازم برای تضمین منافع آنان، با تبلیغ ساسنهای ارتجاعی و عوام فریبی در بین دانشجویان ایران مقیم خارج برای خود هواداران دست و پا کنند و از آنجا ئی که محط خارج از کشور به رژیم اجازه سرکوب و ترور علی دانشجویان انقلابی نمیدهد و از اینرو با خرج مبالغ هنگفتی از طریق اعزام هیئت های "اسلامی" و... اقدام به توطئه علیه جنبش انقلابی و دانشجویان منما بد، توطئه های که

با هشاری و برخورد آگاهانه دانشجویان انقلابی در هم شکسته میشود.

در آستانه سالگرد قیام مبهمن، جناح ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی "هیئت ها ئی" برای انجام مقاصد خلقی رژیم به کشورهای گوناگون امیربالیستی، سوسال امیربالیستی و سرما به داری اعزام داشت. در راس یکی از این هیئت ها دکتر "با هنر" وزیر مرتجع آموزش و پرورش قرار داشت که به آلمان و اتریش سفر کرده است. در هر شهری که با هنر قدم میگذاشت با فریاد اعتراض دانشجویان انقلابی مواجه میگشت. در اغلب شهرها رفقای هواداران سازمان همراه با هواداران نیروهای کمونیست، انقلابی و مترقی در کمیته های هماهنگی برای "استقبالی" تالیست ها با هنر متشکل شده بودند. با هنر و سرکاء سعی برایین داشتند که در جلسات بنیانی و دور از چشم دانشجویان انقلابی به عوام فریبی بپردازد و کوشش میکردند که از ورود دانشجویان انقلابی به محل برگزاری جلسات خودداری نمایند ولی در بیشتر شهرها این جلسات تبدیل به وسیله ای برای افشای ماهیت و جنایات رژیم جمهوری اسلامی شد.

**درها میورد:** اعتراض دانشجویان انقلابی با حمله فالانها مواجه شده و در اثر شرد و خسورد بین آنان و شونده های مبارزه دانشجویان تعطیل گردید. در فراتر نکفورت جیره خسواران جمهوری اسلامی در پشت درهای بسته گرد آمدند و وقتی که دانشجویان انقلابی به افشای رژیم و طرح سوالات میرداختند مورد حمله و با شمشیر قرار گرفته و رفتی از ناحیه صورت زخمی شد. در شهر برلین غربی، "با هنر" از ترس نموده های انقلابی املا "افتاسی" نشد. دانشجویان انقلابی مرکب از اتحادیه دانشجویان ایرانی در برلین غربی (هواداران سازمان) و رفقای هواداران نیروهای دیگری برنا به قبلی به محل تشکیل جلسه هیئت مزبور رفتند. رفقا در آغاز جلسه پیشنهادی دادند که از تظرف کرد اندگان ردد، آنها با بنانه های مختلف عدم حضور با هنر را توجیه میکردند. آنان قصد داشتند که به تبلیغ در مورد "جهاد سائندگی" بپردازند ولی با شعار "جهاد سائندگی" عا ملل ارتجاع است "روبروشده و توفیق نیا فتند" او هم منطورد مورد نمایش فیلم با شکست مواجه شده و رفقا بر روی بحث در مورد اوضاع ایسرا ن با فشاری میکردند. عوامل رژیم بنا چاربه حربه دیگری دست زده وعده ای او با ش عرب را به سالن آوردند. اما رفقای انقلابی با هشاری آنها را که به جاقوچمانی مسلح بودند خلق سلاح کرده و با شعار "جوب و جماق و جاقو دیگر اشر نداد" آنها را روی دست بلند کرده و به حاضری نشان دادند و در نتیجه مزدوران رژیم که نقشه ها سان نقش بر آب شده بود رسوا ترا ز پیش سالن را ترک کرده دست بدمان پلیس فاشیست سد و ولی این توطئه نیز با شکست مواجه شد. رفقا بکیا رجه و متحدیا شعارها ئی چون "دانشگاه

این سنگر آزادی، گشوده با ید کرده"، "گردستان بیروزاست، ارتجاع نا بود است"، "مرگ بر بختیا ر، نوکری اختیار"، "مرگ بر آمریکا" و... جلسه رجز خوانی رژیم جمهوری اسلامی را به بلندگوی پر شوری جهت افشای ماهیت رژیم و اهداف بیلیدان تبدیل نمودند. هواداران حزب خا ئن شونده نیز چون همیشه در کنار ارتجاع قرار داشتند. این خا ئنشین در میان شعار "تسوده ای خا ئن رسوا با ید کرده" و افشاکری دانشجویان انقلابی مجبوره فرار شدند.

دانشجویان انقلابی مقیم خارج با تسداوم مبارزه علیه امیربالیسم و ارتجاع داخلی، حضور فعال در صحنه مبارزات دانشجویی و با افشای رژیم جمهوری اسلامی، بساط "با هنر" و همیالگی ها پیش را بر هم زدند و نشان دادند که جوانان انقلابی ایرانی هر کجا که باشند آنجا را به میدان مبارزه علیه امیربالیسم جهانی و رژیم ارتجاعی حاکم بر مبهمن ما بدل خواهند ساخت.

با هنر پس از بازگشت به ایران در بسک مصاحبه تلویزیونی با کینه توزی از آن حادثه یا دگردوبا بلاهتی طبقاتی کوشید مبارزات توده ها و نیروهای انقلابی و کمونیستی علیه رژیم را "نا چیز" و انمود کند و ترس خود را از شد جنبش با "بی اعتنائی" ظاهری یوشاند ولی جنبش انقلابی توده ها مجال عوام فریبی را برای مدتی دراز به آنان نخواهد داد.

### کمونیستهای هواداران سازمان در خارج، سالگرد قیام بهمن را گرامی داشتند

بمناسبت دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ۵۷، اتحادیه های دانشجویان ایرانی (هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) برنا به های ویژه ای در کشورهای مختلف ترتیب دادند. در این برنا به ها رفقا با سخنرانی در مورد اوضاع سیاسی اجتماعی ایران قبل و بعد از قیام و اجرای برنا به های هنری انقلابی نظیر ترا، سرودهای انقلابی، موسیقی محلی ایرانی و غارچی و نیز نمایش اسلاید از مبارزات خلقهای ایران و جنبش انقلابی خلق کرد به تجلیل از قیام پرشکوه نموده ها در ۲۲ بهمن ۵۷ میرداختند. در شهرهای مختلف آلمان غربی از جمله کلن و برلین غربی این مراسم با شکوه فراوان برگزار شد. در شهر برلین غربی در مراسمی که با شرکت ۳۰۰ نفر روزیکشنبه ۲۵ بهمن برگزار شد پس از سخنرانی به زبان آلمانی و فارسی در مورد اوضاع ایران و اجرای چند سرود توسط رفقای ایرانی، ترک و آلمانی از دلاوریهای خلقهای انقلابی ایران تجلیل بعمل آمد. در این مراسم بهیا مهای همبستگی بقیه در صفحه ۲۶

## ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان (اقلیت)

امروزه درحالیکه شرایط عینی و ذهنی جنبش خلق، طرح یک آلترناتیو نیرومند کمونیستی را از مایه طلبید، گرایشات اکونومیستی، انحلال طلبانه، یوپولیستی و ایسکاتاریستی موجود در بخشهای از جنبش کمونیستی، مانع از ارائه یک برنامه کمونیستی و کوشش برای طرح آلترناتیو کمونیستی می گردد. رفقای فدائی (اقلیت) از اندسته رفقای هستند که در برخورد به مراسم ۲۳ دی ۲۲ بهمن با برخوردهای اکونومیستی، انحلال طلبانه و بعضاً سکتاریستی خود، مضمون نگرش یوپولیستی و فقدان بینش پرولتری در درک از ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به نمایش گذاشته اند، از اینرو مایه کوشش ما با نقد انحرافات رفقا در برخورد به مسئله آلترناتیو کمونیستی، باز هم بیش از پیش بر ضرورت آن بای فشرده و از سایر کمونیستها دعوت میکنیم تا در راه تحقیق این امر مهم بکوشند.

۱- ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی در شرایط کنونی ناشی از چیست؟  
گسترش جنبش انقلابی خلق که با روند فروپاشی توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی همراه است، از یک رهبری آگاه و پیگیر برخوردار نیست، واکرا وجود چنین رهبری محروم بماند، بیم آن میرود که همچون گذشته، لیبرالهای خیانت پیشه و سازشکاران برامواج آن سوار شده بکوشند با مهار زدن بر آن، جنبش توده های را به منظور برآوردن ساختن اهداف ضد انقلابی خود به انحراف بکشانند. تجربه مبارزات توده ها در سالهای ۵۶ و ۵۷ به عینه برای هر کمونیستی نشان داد که چگونه در صورت فقدان یک قطب نیرومند انقلابی و کمونیستی، توده ها اگر چه فداکارانه ترین و جانبا زانه ترین مبارزات را همانجا میدهند، اما راه به جایی نخواهند برد و "نا رهبران" سازشکار و ضد انقلابی بر آن سوار خواهند گشت، در شرایط کنونی نیز ما با وضعیتی کامابیش مشابه گذشته روبرو هستیم، این امر ضرورت طرح آلترناتیو دموکراتیک پیگیر پرولتاریائی را موجدان میکند، چه تنها راه سمت و سوق دادن جنبش خلق به سوی دمکراتیک پیگیر پرولتاریا، ایجاد قطب نیرومند کمونیستی است. این امر نه تنها در مورد توده های عادی مردم که به دنبال "قطب" میگردند، صادق است بلکه در رابطه با دمکرات های ناپیگیری نظیر مجاهدین نیز این مسئله مطرح است، امروزه با ردیگری این حکم تکرار -

نا پذیر ما رکیستی-لیننیستی که خورده - بورژوازی همواره بین دو قطب پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است و در صورت فقدان اعمال همزونی پرولتاریا، بسوی بورژوازی خواهد رفت، برادر مورد ما حدین مشاهده میکنیم امروزه میبینیم در حالی که مجاهدین از حمایت علنی از کمونیستها، جنبش خلق کرد و... خود - داری می نمایند، بی مهابا از احزاب لیبرالی و برنامهای آنان پشتیبانی می نمایند، بسا قائلو ما حبه نموده، در مراسم لیبرالیستی نظیر بنی صدر شرکت مینمایند، و با لاشر ه مما شات جوئی و گرایش بسوی لیبرالها را شنیدنا تعمیق نموده اند، چه کسی می تواند منکر شود که تا زمانیکه کمونیستها بیک آلترناتیو نیرومند بدل نگردند، نخواهند توانست مجاهدین را به سوی خود بکشند؟ تنها ایجاد قطب نیرومند دمکراتیک پیگیر پرولتری است که میتواند دنیا پیگیری این دمکرات - خورده بورژواها را افشا و خنثی نموده و از گرویدن آنها بسوی لیبرالها جلو گیری نماید.

از اینرو ضرورت برجسته نمودن آلترناتیو کمونیستی، چه در رابطه با رهانیدن توده ها از توهمات لیبرالی و دنیا لهر روی آنان از لیبرالها و چه در رابطه با جذب دمکراتهای ناپیگیر بسوی پرولتاریا دو چندان مطرح میگردد. لیکن - انحرافات یوپولیستی موجود در جنبش کمونیستی تا کنون مانع از آن گشته است که کمونیستها بر نامه هدفمندی را برای ارائه آلترناتیو کمونیستی بکار ببرند، و این یوپولیسم به بهانه مقابله با سکتاریسم و ضرورت تکیه بر آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی بطور اعم میکوشد، جنبش کمونیستی را در جنبش انقلابی حل نموده و بدین - ترتیب در عمل صف مستقل پرولتاریا را مورد نفی قرار دهد، این نگرش نمی تواند و نمی - خواهد بدینجهت، که تنها رهبری جنبش انقلابی خلق توسط کمونیستهاست که جنبش را به پیروزی می - رساند و کمونیستها اگر بجای طرح آلترناتیو کمونیستی، به منظور قرار دادن آن در پیشا پیش جنبش انقلابی، با مسکوت گذاشتن آن به دنیا لهر - روی از جنبش انقلابی، تحت پوشش مبارزه "همه با هم" تبهروهای انقلابی بردارند، جز شکست محتوم و قطعی نتیجه ای برای جنبش به - ارمغان نخواهند آورد.

۲- آلترناتیو کمونیستی در این شرایط چگونه طرح میگردد.

امروزه که ما در شرایط عملیاتی بسرمیبریم ضرورت گسترش بیش از پیش فعالیت های تبلیغی، گسترش مبارزات علنی، برپائی کمیونهای مستقل، شرکت فعال در مبارزات سیاسی اقتصادی توده ها و با لاشر پرولتاریا گسترش مبارزه ایدئولوژیک با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی به منظور دستیابی به وحدت و ایجاد حزب و در عین حال تامین اتحاد عملیاتی تا کتیکی بین کمونیستها، مبارزه ایدئولوژیک با احزاب خورده بورژوازی به منظور جذب آنان بسوی دمکراتیک پیگیر پرولتری، تامین اتحاد عملی مقطعی با نیروهای دمکرات و در یک کلام تا کید بر ادامه انقلاب و استقرار حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان استفاده از تمامی اشکال و تاکتیک های گوناگون مبارزاتی که در خدمت طرح آلترناتیو پیگیر کمونیستی است، از ملزومات حیاتی تا مین قطب نیرومند کمونیستی به شمار میرود. در این میان، حضور مستقل کمونیستها در عرصه سیاسی چا معاد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کمونیستها با پیدا آنجا که میتواند دنیا استفا ده از امکانات علنی، به توده ها برای العین نشان دهنده این ما هستیم که دموکراتیک پیگیر است، مطرح کرده و به اجرا در می آوریم. کمونیست ها با بدین نشان دهنده بمانا به بنادگان سیاسی پرولتاریا قادرند پیشا بیش مبارزات دمکراتیک قرار داده و توده ها را بگرد دمکراتیک پرولتری جذب نمایند. مبارزات وسیع دمکراتیک (و ایفا سوسیالیستی) که کمونیستها در جامعه انجام میدهند، نقش وسیعی در گسترش نفوذ آنان داشته است. مبارزاتی همچون برپائی اول ماه مه در سال ۵۸، هدایت مبارزات کارگران سیکار، شرکت فعال در مبارزات کارگری کارخانه ها (که همگی دارای خطئی سوسیالیستی بوده) و هدایت رهبری مبارزات دمکراتیک، همچون مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... مبارزه برای حفظ دستاوردهای قیام هدایت مبارزه دانشجویان در مقابله با توطئه تعطیلی دانشگاه و صدها حرکت گوناگون دیگر و با لاشر مبارزه برای بازگشائی دانشگاه که در ۲۳ دی صورت گرفت، همه و همه آن مبارزاتی بودند که به توده ها نشان داد کمونیستها (سوسیال دمکراتها) در عین حال که سوسیالیست بوده و در جهت تحقق صف مستقل پرولتاریا میکوشند، در مبارزه دموکراتیک دمسی غافل نبوده و همواره در مبارزه دمکراتیک آنها نقش فعالی داشته اند.

همچنان که مبارزه برای بازگشائی دانشگاه نشان داد، توده ها برای العین در می - بافتند، که نه لیبرالهای عوام فریب خاشن و نه دمکرات های ناپیگیری نظیر مجاهدین، هیچیک

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

جرات فدیرا فرا شدن وانجا حرکتی تعرضی سر علیه رژیم به منظورا اعتباری به بسته بودن دانشگاه‌ها و ندادن اس کمونیست‌ها هستند که بیکران به بدون کوچکترین لرزش و مسافت - حوثی بدین کار دست زدند. بهمن دلیل بود که تظاهرات روز ۲۳ دی، نقش بس موفری در طرح و کسرتن آلترنا تیو کمونیستی در بین توده‌ها داشت.

۳- درک رفقای فدائی از آلترنا تیو کمونیستی و فعالیت دمکراتیک

اکنون با توضیح مختصری که در باره ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی و کویکی نحق آن دادیم، بسینم رفقای فدائی در برخورد به مسئله آلترنا تیو کمونیستی و فعالیت‌های دمکراتیک چگونه می‌نگرند. آنها در رابطه با راهیما ش ۲۳ دی مینویسند: "بهتر است مسئله‌ای که در سراسر حرکت به چشم می‌خورد، عدم وجود درکی صحیح در مورد فعالیت و حرکت دمکراتیک می‌باشد. فعالیت دمکراتیک یعنی بسیج و سازماندهی توده‌های هر چه وسیعتر از خلق (و نه تنها طبقه کارگر و نما پندکان سیاسی آنها) حول یک شعار واحد با خواست مشترک، مثلا هرگاه ما خواستار بازگشتی دانشگاه‌ها به محتوای انقلابی هستیم مسلما آن گروه از استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه نیز که منافع خود را با این خواست منطبق می‌بینند برگردان شعار جمع میشوند. برای آنکه کسی خواستار بازگشتی دانشگاه‌ها محتوای انقلابی باشد حتما لازم نیست کمونیست و با هوادار یک گروه سیاسی خاصی باشد، در نتیجه روشن است که هرگاه فعالیت دمکراتیک را به گروه‌های سیاسی محدود نمائیم عملا بسیاری از توده‌ها را از دست بدهیم و به سکا ریسیم گذشته خواهیم شد. ما این نکل از برخورد ما می‌اقتار سیاسی به حالت انفعال درمی‌آیند. در اینجا است که سیاست جب روانه (محدود کردن فعالیت دمکراتیک به گروه‌های کمونیستی توسط طرح اسمای شعارهای کمونیستی) تسلو خود را در استرو می‌باید. و بالاخره بعد از توضیح اینکه گویا "جب روها" در عمل با وحشت از اساعا دوسیع حرکت به لغو آن رای دادند! (مذاقت کمونیستی کد رفتنه است، رفقا! مگر کل کمیته برگزاری تصمیم به تغییر محل نظرات گرفت که راه کارگرد عمل تن به این تصمیم گیری نداد) طرح اثباتی خود را در مقابل این حرکت چنین ارائه میدهند: "شکل صحیح عمل این بود که برنا مریزی، بسیج و سازماندهی کلیه نیروها را کمیته منتخب و با موردنا شدما زمانهای سیاسی مختلف به عهد مگرفت و با اعلام مضمون کاروا هدف خود از همه گروه‌های انقلابی دعوت میگردد که در آن شرکت نمایند و گروه‌ها و سازمانهای مختلف از مراسم سیاسی بعمل می‌آوردند. تنها بدین وسیله و به اس مکن ممکن بود جدا کتر نیروی ممکن را حول شعار بازگشتی انقلابی دانشگاه متشکل

موده فقط به اس صورت بود که نیروهای دمکرات، بسا بسینی و متزلزل نیز بدون وا همه در جهت فعالیت دمکراتیک حرکت میکردند" (کار سماره ۹۴ - کلیه کلمات ارماست)

بسینم چگونه رفقای فدائی جوهر تفکر انحلال طلبانه و کونومستی خود را در درک از فعالیت کمونیست‌ها در عرصه دمکراتیک به نمایش می‌گذارند. از نظر رفقا، گویا هر حرکتی که کمونیست‌ها بر ا می‌اندازند، حرکتی سوسیالیستی بوده و حرکتی دمکراتیک نامیده میشود که نه تنها کمونیست‌ها بلکه توده‌های هر چه وسیعتر خلق آنرا صورت دهند. از اینرو طرح مراسم دمکراتیک همچون بازگشتی دانشگاه‌ها از سوی کمونیست‌ها به معنی سکتاریسم و محدود نمودن فعالیت دمکراتیک به کمونیست‌ها می‌باشد و در عوض بر ای انجا م هر چه وسیعتر فعالیت دمکراتیک، حضور مستقل و با هویت کمونیست‌ها را در این مراسم به زیر سؤال برده و برای به انحلال آنان میدهد و از آنها می‌خواهد که از راهیما ش که با دعوت تبلیغ و شعارهای "کمیته منتخب" که ایضا از خود همین نیروها تشکیل میشود، پشتیبانی نمایند.

آنچه که رفقای فدائی پیشنها میکنند، اکونومیسیم ریشه‌داری است که مدتها قبل دامنگیر برخی از نیروهای کمونیستی بود. خواه از کونومستی سیاست رفقا در آنجا است که اولاً تمایلات دموکراتیک توده‌ها را از زمان‌های سیاسی انقلابی و بخصوص سازماندهی کمونیستی جدا نموده برای آن هویت جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند. ثانیا بجای کوشش در جهت جذب و بسیج توده‌ها حول دموکراتیکم پروتاریائی و بدست گرفتن رهبری مبارزات دمکراتیک توده‌ها، خود را منحل و بی هویت نموده و رهبری صحنه مبارزات را بصورت انحلال طلبانه‌ای رها میکنند. آنها بجای هدایت تمام سیسلات دمکراتیک توده‌ها به سمت قبول رهبری کمونیست‌ها، در مقابل حرکت خود بخودی و سازمان نیافته توده‌ها سیرا نداخته و تسلیم آن میشوند. رفقای فدائی بدلیل برخورد اکونومستی شان متوجه این امر نیستند که ما ساسا شایستگی رهبری مبارزه دمکراتیک توسط کمونیست‌ها در جریان همین مبارزات است که برای توده‌ها روشن میشود. آیا چنین نیست که رفقای فدائی خود را درست و در جایی که باید این شایستگی با صدای رسا به توده‌ها اعلام شود، در پشت یک چیز موهوم بنام "کمیته منتخب" و امثال آن مخفی می‌نمایند؟ آیا بایسن - ترتیب شما بدترین نوع اکونومیسیم و نفی رهبری را به شما بش نگذاشته‌اید؟

افزاده بر این باید گفت این از حضور علنی و بسا هویت و باغیر علنی این با آن نیروی سیاسی کمونیستی نیست که فعالیت دمکراتیک بخودش شده و با مشخص میگردد. آنچه مضمون فعالیت دموکراتیک را روشن می‌نماید، بلاتفرم سیاسی است. این بلاتفرم سیاسی هراتحاد عمل و حرکت سیاسی

دموکراتیک است که بسا بدد، رای مضمون دمکراتیک باشد. و اگر کمونیست‌ها این امر را نادیده بگیرند و در فعالیت‌های دمکراتیک که از سوی آنها صورت می‌گیرد، مضمون سوسیالیستی را حاشین دمکراتیک نمائند، آنگاه دچار جب روی شده و توده‌های فعال را از شرکت در آن باز خواهند داشت. اما رفقای فدائی این مسئله را درک نکرده و از شرکت این با آن نیروی دمکراتیک با کمونیست‌ها که می‌خواهد بی‌بند ما هیت حرکت برده و مضمون آنرا تعیین نمایند! بدین ترتیب اگر فعالیت دمکراتیک نظیر بازگشتی دانشگاه‌ها توسط کمونیست‌ها بر ا نداخته شود، بسنظر رفقا مضمون دمکراتیک آن مخدوش شده و توده‌های دمکرات را از شرکت در آن (جرا؟) باز خواهد داشت. اما برخلاف تصور رفقا، کمونیست‌ها در عین آنکه سوسا لست هستند، دمکرات‌ها را بیگونی نیز هستند و می‌توانند و با جد حرکت‌های دمکراتیک را با زمان دهند. ممکن است در آغاز کار سازمان دادن این با آن حرکت خاص دمکراتیک، تنها کمونیست‌ها باشند که در آن شرکت داشته باشند (مانند بسیاری از حرکت‌ها و اکسیون‌های دمکراتیک موجود) اما هیچ کس نمی‌تواند مدعی گردد، بدلیل آنکه فلان نیروی دمکرات در این با آن اتحاد عمل و حرکت دمکراتیک شرکت نکرده است و عملا محدود به کمونیست‌ها است. مضمون آن دمکراتیک نبود و سوسیالیستی است. و تا زه مگر شرکت کمونیست‌ها بمعنی عدم شرکت نیروهای دمکراتی است که البته با بلاتفرم دمکراتیک مورد نظر کمونیست‌ها توافق داشته باشند؟ همچنانکه گفتیم بلاتفرم سیاسی این با آن حرکت و اتحاد عمل است که مضمون دمکراتیک یا سوسیالیستی آنرا روشن می‌نماید. و اگر بلاتفرم سیاسی آن دمکراتیک باشد، ولو تنها نیروهای کمونیست (چنان هوست علنی وجه غیر علنی) آنرا بر ا نداخته باشند و در آن حضور داشته باشند، مضمون آن حرکت دمکراتیک خواهد بود. در این رابطه برخلاف تصور رفقا، ما معتقدیم که حرکت ۲۳ دی یک حرکت دمکراتیک بوده و اعلام برگزاری آن از سوی کمونیست‌ها کوچکترین تغییری در مضمون دمکراتیک آن وارد نمی‌آورد. اگر بلاتفرم و با قطعنا م مراسم مضمونی سوسیالیستی می‌داشت آنگاه جب روی و سکتا ریسیم معنی و مفهوم پیدا می‌کرد.

هما نظور که در پیش گفتیم رفقا برای جذب هر چه وسیعتر توده دمکرات‌ها بین مراسم، معتقدند که بی باست بدون اعلام برگزاری این مراسم از سوی کمونیست‌ها، وسیعترین توده‌های دمکرات، متزلزل و بسا بسینی را بسوی آن جذب کرد اینجاست که بی عمل ضرورت آلترنا تیو کمونیستی و حل شدن پروتارنا در مضمون خلق بر حصنه مستند بر خلاف تصور رفقا ما معتقدیم که اثفا تا سرعت می‌بایست کمونیست‌ها با اعلام علنی برگزاری چنین مراسمی از سوی خود

نشان دهنده که در پیشا پیش جنبش دمکراتیک قرار دارند و بدین ترتیب دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا - نی را عمیقاً و وسیعاً تبلیغ نمایند. تنها بدین ترتیب است که آلترنا تيو کمونیستی (بمنا به دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا نی) در نزد توده ها مطرح شده و توده های دمکراتیک به گرد آن جمع خواهند شد. اتفاقاً کمونیستها با انجام گسترده چنین فعالیتها ی دمکراتیک و قرار گرفتن در راس آن و بالاخره از کانال طرح آلترنا تيو کمونیستی است که می توانند با تشکیل قطب کمونیستی، توده های دمکراتیک را بدون واسطه به فعالیتهای دمکراتیک به زیر رهبری کمونیستها جلب نمایند. اگر امروزه نیروهای دمکراتیک از شرکت علنی در فعالیت های دمکراتیک که از سوی کمونیستها رسماً برگزار میشود، خودداری می نمایند، بدلیل عدم حضور فعال و قوی و مستقل آنهاست. بدلیل آن است که قطب نیرومند کمونیستی وجود ندارد و در آنجا یگانا بدون هراس، به دنبال دمکراتیک پیگیری آن روان شوند. عدم اعلام علنی مراسم تنها به جذب توده های بیشتری منجر نمی شود، بلکه در خدمت انحلال هویت نیروهای کمونیست در مراسم قرار داشت. برآستی اگر هنرمند بود اکونومیستی و عقب مانده رفقای فدائی را بکا ربیندیم، توده ها در کجا و چگونه با یک آلترنا تيو کمونیستی روبرو خواهند گشت که حاضر شوند به دنبال دمکراتیک تیسیم پیگیر آن حرکت نمایند؟ کجا توده ها خواهند فهمید که کمونیست ها نه تنها نسبت به دمکراتیک بی تفاوت نیستند، بلکه پیشا پیش آن قرار داشته و بیش از همه بدان علاقه مندند اتفاقاً برخلاف استنتاجات رفقا، توده های دمکراتیک وسیعی برای شرکت در مراسم ۲۳ دی گرد آمده بودند تا ببینند کمونیستها چگونه برای تحقق این خواست دمکراتیکشان مبارزه میکنند، بسیاری از آنها در آنروز متوجه مبارزه کمونیستها برای بازگشت گشائی دانشگاه بود، این بدان معنی نبود که توده های آگاه حرکت کمونیستها را حرکتی مربوط به خود کمونیستها، از ریاضی می نمودند یا لعن توده های دمکراتیک برای العین می دیدند که کمونیستها با شور و حرارت و شها متسی عظیم، پیگیرانه در راه تحقق خواست دمکراتیک مورد علاقه آنها و در پیشا پیش آنها حرکت می نمودند و بسیاری از این توده ها خود در مراسم شرکت نمودند حتی شکل دمکراتیک نظیر کانون مستقل استادان نیز حاضر به شرکت در این مراسم گشت. آری، در اینروز آلترنا تیسیم کمونیستی که ظن این اندازه دمکراتیک تیسیم پیگیر پرولتاریا برای توده ها بود، به شدت مطرح گردید اینها در سهائی است که متأسفانه رفقای فدائی از حرکت روز ۲۳ دی نیا موختند. رفقای فدائی، اعلام علنی برگزاری این مراسم و در حقیقت از علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش از دمکراتیک هستند و توده -

های دمکراتیک برای تحقق خواستهاشان می - با یست با آنها همگام شوند و بزرگترین آسان گرد آیدندرا "چپ روانه" می دانند و برای جذب توده های بیشتر از این خواست پرولتاریا که مهر خود را بر جنبش دمکراتیک بگویند نشان دهد پیشا پیش توده ها حرکت می کند، صرف نظر کرده و به انحلال جف پرولتاریا در صفت "انقلاب" راضی میگردند! چنین گرایش انحلال طلبانه و درک بوپولیستی و عقب مانده آلترنا تيو کمونیستی که دنیا به لروی از جنبش خلق وحل شدن در آنها را به منظور آنکه مبارزه توده ها از اینکه بفهمند کمونیستها این حرکت را برآنها خسته اند و در پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار گرفته اند هرگز نخواهد توانست رهبری پرولتاریا را بسیر جنبش خلق اعمال نماید. و برخلاف "نیت خویش" هرگز نخواهد توانست توده های بینا بینسی، دمکراتیک و متزلزل را بسوی خود جذب کرده و ارتقا دهد. با لعن با عدم درک ضرورت طرح آلترنا تيو کمونیستی، با عدم تبلیغ علنی و نشان دادن عملی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، توده ها را بسوی دمکراتیک تیسیم پیگیر احزاب خرده بورژوازی و حتی بسوی لیبرالیسم بورژوازی سوق خواهد داد و آنها را از وجود یک آلترنا تيو نیرومند و با هویت کمونیستی در مبارزات دمکراتیک محروم خواهد ساخت.

نه رفقای فدائی اگر طبق "ره نمود" شما عمل می گشت، توده ها آنچه که نصیبشان میگشت یک مبارزه دمکراتیک تحت رهبری "کمیتسه" منتخب مثلا "کمیتسه انقلابی دانشجویان" که فاقد هویت سیاسی مشخص است میشد، و آنچه در ذهن توده ها نقش می بست نه این واقعیت بود که کمونیستها مبارزه آنها را رهبری نموده بلکه این افسانه بود که "کمیتسه انقلابی دانشجویان" آنها را رهبری نموده است (و) و با فسرش اینکه "ره نمود" شما در تمام عرصه های دیگر نیز بکا ربیندیم، توده ها همواره با کمیتسه های انقلابی ای روبرو خواهند گشت که از هویت آن بی خبرند! آیا اینگونه می خواهد آلترنا تیسیم کمونیستی را تبلیغ کنیم؟ آیا اینگونه می خواهد ضرورت رهبری پرولتاریا را به مناسبه پیشا پیش از دمکراتیک تیسیم به توده ها بفهمانیم؟ بدون نشان دادن عملی این رهبری، بدون نشان دادن علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، سخن گفتن از ضرورت اعمال رهبری پرولتاریا و تحقق بخشیدن به آن، سخن پردازی بوج و بیهوده بوده و هرگز عملی نخواهد گشت.

اما رفقای فدائی، تنها در درک اکونومیستی انحلال طلبانه و بوپولیستی از فعالیت دمکراتیک و چگونگی برخورد کمونیستها بدان نسبت که بی اعتنائی خویش را به ضرورت طرح آلترنا تيو کمونیستی به سمایس سکدارید. بلکه رفقا در برخورد به مراسم ۲۳ بهمن نیز نشان دادند که از موضعی سکتاریستی نیز به آلترنا تيو کمونیستی

بها ندادند و آنرا درک نمی کنند چه یکی از درسهای مهم ۲۳ دی برای کمونیستها، این بود که به موازات تلاش برای تحقق بخشیدن به مروجت می توانند و با یید دست به تحاد عملیهای تاکتیکی مشخص بزنند که در اینجا دقطب نیرومند کمونیستی و گسترش طرح آلترنا تيو کمونیستی موثر افتد. همچنانکه وقایع ۲۳ دی نشان داد، در این شرایط این تحاد عملی، نقش بسیار بسزائی در طرح آلترنا تيو کمونیستی دارد، اما رفقای فدائی بی علاقه به درسهای ۲۳ دی، شاید آنجا که نام "فدائی" را بنروز بر سر زبانها نبوده، تصمیم گرفتند که نام "فدائی" را در مراسم ۱۷ بهمن زنده سازند، آنها نام فدائی را از ایجاد قطب نیرومند کمونیستی مهمتر می دانستند! بی شک رفقای فدائی می توانستند و محقق بودند که با برگزاری مستقل مراسم ۱۹ بهمن، نشان دهنده خاستن "اکثریت" و ارتشین خط مشی شهادی سیا هکل نبوده، بلکه این رفقای فدائی "اکثریت" هستند که چنین میراثی را با خود حمل میکنند اما چه چیز باعث آن گشت که رفقا بنحوی سکتاریستی و در عین حال تنگ - نظرانه بزرگداشت ۲۳ بهمن را همراه با ۱۹ بهمن اجرا نمایند و از تحاد عمل با سایر نیروهای کمونیست، برای از آتش آلترنا تيو نیرومند کمونیستی خودداری نمایند یا این نشان نمی - دهده که انحراف بوپولیستی رفقا در عدم درک ضرورت طرح آلترنا تيو کمونیستی، که در مراسم ۲۳ دی خود را به شکل انحلال طلبی و اکونومیسم به نمایش گذاشت، اینها در شکل سکتاریستی و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع جنبش کمونیستی خود را به نمایش گذاشته است؟

اما این نیمی از مسئله است سکتاریسم و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع پرولتاریا و کمیتها دادن به ایجاد آلترنا تيو نیرومند کمونیستی تنها گوشه ای از انحرافات ماهیتا راستروانه رفقا است. نیمه دیگر مسئله (که چه بسا مهمتر باشد) بنظر ما نگرائی رفقا از تحاد عمل با نیروهای پیگیر کمونیست است. چه بی - شک گرایشات ایدئولوژیک در برخورد به روبرو - نیمه سوسیال امیریا لیم با زتاب خود را در این تحاد عملی بجا خواهد گذاشت هراس از نزدیکی به جریانات پیگیر جنبش کمونیستی و بویژه با زمان ماه تبلور خود را در این حرکت رفقا نشان میدهد بنظر ما گرایشات راستروانه رفقا در برخورد به روبرو نیمه سوسیال امیریا لیم رفقا را از تحاد عمل با ما برای بزرگداشت ۲۳ بهمن بازداشت. علیرغم آنکه سازمان ما طی ماههای درونی به رفقا صمیمی بقیه ارفحه ۱۸

(ب) - حال بگذریم از اینکه ما سا چنین طرحی منظور سمارا هم برآوردند نخواهد ساخت و پس از مدتی این کمیتسه نیز برآستی اگر نخواهد سیاست دمکراتیک تیسیم پیگیر را دنبال کند، ما سا کمونیستها توام خواهد کردید!

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه ...

از آنجا که سازمان مادرستکرد دفاع از کارگران و زحمتکشان ایران، مصممانه و قاطعانه ایستاده و بطرز آشتی ناپذیری با تمام امپریالیستها اعم از آمریکا و شوروی و مرتجعین داخلی، اعم از حزبی ها و لیبرالها مبارزه می نماید و در این راه تا کنون نقش برجسته ای در دریدن ماسک عوامفریبی از چهره کربه جمهوری اسلامی داشته است. مرتجعین از هیچ شهنمت و دروغ و قیحا نه ای برای لوٹ نمودن چهره انقلابی سازمان خودداری ننموده اند. اینبار آنها درصدا بین هستند که با وانمود کردن رفیق فاضل بعنصوان یکی از کارگرهای اصلی سازمان که "در رابطه با آمریکا فعالیت می نموده است"، تبلیغات عوامفریبانه ای را بر علیه سازمان ما بسراهند و اندازند.

### کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز ایران!

قطعا همه شما تبلیغات منحرف کننده ساواک در مورد کمونیستها و انقلابیون را در سالیهای پیش بخاطر یاد دارید. شما بخاطر یاد دارید که چگونه ساواک برای لوٹ نمودن چهره کمونیستها و انقلابیون جان برکفی که فدائیکاران را به رژیم تبه کار شاه می جنگیدند، آنها را "وابسته به اجنبی"، "خوابکار" و غیره معرفی می نمود و در این راه تمام دستگاہ های تبلیغاتی خویش را بسرای منحرف نمودن ذهن توده ها، بکار می گرفت. شما حتما خاطره مبارزه های مکرر ما مورامنیستی ساواک، شایستی جلادان در کنار به اصطلاح مدارک مکشوفه جرم که چیزی جز سلاح و نشریات انقلابی مخفی سرنگونی رژیم شاه نبود، بیاد دارید و با هم بخاطر یاد دارید که چگونه ساواک تلاش می نمود چنین وانمود سازد که این "خوابکارها" و "اجنبی - پرستان" نمی گذارند ایران بسمت "تمدن بزرگ آریا مبری" برود.

هم اکنون هم رژیم تبه کار جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن دقیقاً در تبلیغات وقیحا نه خود پای جای پای ساواک و رژیم شاه گذاشته اند. این فدا انقلابیون عوام فریب غافل از آنند که هم اکنون کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سطح آگاهی شان بسیار بالاتر از آنست که این تلاشهای مذبحخانه بتوانند برای مدتی شماری برای آنها بسیار آورده و آنها را از سرنوشت محتوم خویش، کسه نابودی است، نجات دهد، در واقع آنها هم - اکنون بخوبی یاد گرفته اند که ساواک بسرای حفظ یک سیستم فاسد مردمی، چندان اشتباهات نمی نماید و نظر اینان تمیز کرده است و یک حاکمیت فاسد مردمی و ارتجاعی، لازمهاش بکار گرفتن چنین شیوه های در مقابل کارگران، زحمتکشان، انقلابیون و کمونیستهاست که خواهان انقلاب هستند. آری رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند همه مرتجعین تاریخ ناچاراً بکار گرفتن چنین



الف - مشخصات حقیقی:

نام محسن شهرت فاضل نام پدر احمد  
شماره شناسنامه ۳۳۴ ساده از مشهد متولد ۱۳۲۸  
شغل دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر  
میزان تحصیلات -  
محل سکونت خیابان بهلوی خیابان دانشگاه ملی رودری منزل  
محمود خیامی

محل کار -

ب - مشخصات ظاهری

قد بلند رنگ چشم زاغ - رنگ مو قهوه ای - عایب مشخصه -  
اسامی مستعار یا شناسنامه های جعلی که داشته: - ابود - اردشیر

پ - وضعیت فعلی

از اعنای گروه خرابکار "مجاهدین خلق ایران" میباشد  
که از تاریخ ۱۳۵۹ متواری و احتمالاً مسلح به  
سلاح کبری X نارنجک - سیاور X میباشد.

### مدرکی از آلبوم ساواک که حاکی از کوشش شدید رژیم خائن شاه برای دستگیری رفیق محسن فاضل می باشد. این مدرک در زمان قیام بهمن ۵۷ به دست نیروهای انقلابی افتاد

شیوه های تبلیغاتی است. کارگران، زحمتکشان، و تمام خلقهای قهرمان ما سرانجام در جریان همین مبارزه جوشی های رژیم با آنها و کمونیست ها و در جریان بر ملا شدن امثال چنین تبلیغات آریا مبری است که چهره کربه و نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن را خواهد شناخت. آنها متوجه خواهند شد و بخش آگاه کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز، هم اکنون نیز متوجه شده اند که آیا این سازمان پرافتخار پیکا در روزهای آزادی طبقه کارگری ۱۵ سال مبارزه در خائن علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته، آمریکا می بوده است یا سردمداران مرتجع و خائن رژیم جمهوری اسلامی که در آستانه قیام مهرشکوه و تاریخ بهمن بیای خیانته رفته و در مذاکره بهشتی و بازرگان با هویز آمریکا می برای جلوگیری از نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و ارتش ضد خلقی، با امپریالیسم آمریکا سازش نمودند؟ کارگران و زحمتکشان ما سرانجام مقضوت خواهند نمود که چه کسانی خائن به آنان و چه کسانی پامال کننده خون ۷۰ هزار شهید خلق ما بوده؟ چه کسانی از ابتدا و از همان سالهای که امثال این خائنین مثل موش در سوراخهای پشان خزیده بودند و در آرایش گورستان رژیم شاه به مکیسیدن خون کارگران ما مشغول بودند در سنگر، کارگران و زحمتکشان بطور آشتی ناپذیری با امپریالیسم آمریکا و سیستم وابسته به امپریالیسم مبارزه نموده اند و با زهمی نماینده آری کارگران و زحمتکشان ما قضاوت خواهند نمود و آنگاه کیفر سختی به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تمام خائنین به خلق خواهند داد.

لیسم و صهیونیسم و ارتجاع مبارزه کرده است و از اوایل سالهای ۵۵ تا قیام بهمن ماه، بعنصوان یک انقلابی حرفه ای و مخفی ابتدا در سازمان مجاهدین و سپس در بخش منشعب از آن فعالیت نموده و بعنصوان یک فرد انقلابی حرفه ای سالیان در زحمت تحقیق رژیم شاه قرار داشته است. مبارزه او چه در ایران که در چندین عملیات نظامی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت جست بود چه در خارج از کشور که در پیگاه های الفتح و سازمانهای فلسطینی فعالیت می نمود اما مبارزه و تقرباً تمام سازمانهای فلسطینی او را بعنصوان یکی از انقلابیون ایران که مدتی هم در جنگ لبنان در کنار فلسطینیها بر علیه فاشیستها جنگیده است می شناسند. در شرکت در عملیات اعداد انقلابی ژنرال پرایس آمریکا می در سال ۵۰ و در آستانه ورود نیکسون به ایران و مبارزات ضد امپریالیستی او بخوبی دروغهای وقیحا نه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا می کند. رفیق در خلال سالهای ۵۴ تا ۵۶ و پس از گذراندن دوره آموزش نظامی در پیگاههای فلسطین در رابطه با جنبش مقاومت فلسطینی و در کمیته علمی وابسته به الفتح با نام مستعار "سامی" فعالیت نموده و در این فاصله بخاطر توانائی های تکنیکی و علمی اش کمک قابل توجهی به انقلابیون فلسطینی نموده است. از جمله دست آوردهای رفیق در آن سالها در زمینه پرتاب نارنجک، ساختن نارنجک پرتاب کنسی بنام "قدس" بود که تجربه موفقیت آمیزی در برداشته و چندین نمونه آن بنا به درخواست فرماندهی نظامی الفتح و شخص ابوجها دهنوسله رفیق سامی تهیه شد و به سرزمینهای اشغالی در سال گذشته و در آنجا علیه صهیونیستها بکار گرفته شده است به این ترتیب رفیق محسن فاضل به اعتبار تجربه انقلابی و علمی اش طی چندین



### گشتار کاخک و عوامفریبی های رژیم جمهوری اسلامی

جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر، و اینبار در کاخک، دست خود را به خون زحمتکشان آلوده ساختند. عمق این جنایت که ۵ کشته و چند زخمی برجای گذاشت، بقدری بود که خود رژیم مجبور به انعکاس گوشه ای از ماجرا گردید. این جنایت که مستقیماً توسط پاسداران سرمایه و دارودسته وابسته به حزب جمهوری انجام گرفت، وسیله ای گشت تا جناح دیگر رژیم یعنی لیبرالها را به سوءاستفاده از خون زحمتکشان برای قدرت یابی خویش وادارد. اما آنچه که در این واقعه آشکار میشود، وحدت جناحی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب توده ها و فدیتشان بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست. آنها که خشم و نفرت برانگیخته شده توده ها را علیه کل رژیم میبینند، برای نجات خویش از این مهلکه مذبحخانه میکوشند تا بر سرکوبگری وحشیانه شان سرپوش گذاری و کمونیستها را "مسئول" برونمایند. جنایت قلمداد نما ابتدا غافل از آنکه رشده مبارزه طبقاتی و افزایش آگاهی توده ها بیشتر از آنست که در دام این عوامفریبی رژیم بیا افتند، حال برای روشن شدن مسئله ببینیم واقعیت امر از چه قرار بوده است:

مسئله کم آبی شهرگنا با دشکلی قدیمی برای مردم این شهر است و در زمان رژیم شاه نیز اقدامات بسیاری برای حل آن انجام گرفته بود که از ظرفی بعلت ما هیت فدخلقی رژیم هیچگونه اقدام ریشه ای بعمل نیامد و از طرف دیگر زدن و زدن و زدن های مسئولین آن زمان، مانع از اجرای هر طرحی میگردد. (مثلاً بودجه ای که همین او را خر عمر رژیم شاه برای زدن چاه و کانال کشی در اختیار مقامات محلی قسرا گرفته بود توسط وکیل مجلس، استاندار و فرماندار آن زمان خورده شد) با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، آخوند مرتجع بنام "مدنی" که استاد همکاران ریها پیش با او موجود بود به عنوان رئیس کمیته همه کاره گنا با میشود. او که در ازاء دریافت پول مدارک ساپرا و اکیها و عوام رژیم پیشین را از بین میبرد، مورد نفرت

هر چه بیشتر مردم قرا گرفت. از جمله زمانیکه این جیره خوار رژیم سابق و "انقلابی" رژیم کنونی برای گسترش عرصه تاخت و تاز خود به شهرک کاخک رفته بود با مخالفت وسیع مردم این شهر مواجه گردید بطوریکه او را از شهر بیرون کردند. مدتی نیز در همانجا و در حضور مردم تهدید کرده بود که با ردیگری یا سا روگلوله با زخا هد گشت! و بعد از آنهم با رها و با در ماجرای مختلف مردم مبارکا کاخک را که زیر بار زورگوییها پیش ترفته بودند، تهدید به سرکوب کرده بود. تا اینکه سرانجام در جزیران پیگیری مردم گنا با برای رفع مشکل دیرینه کم آبی شان، مدنی مزدور به اتفاق فرماندار، معاون استاندار و سایر مقامات مرتجع منطقه، تصمیم میگیرند تا با پیش کشیدن طرح حفراجه در نزدیکی کاخک که موجب لطمه خوردن به کشاورزان این ناحیه میشود، با یک تیر دو نشان بزنند! همه با سخگوی فشا ز مردم گنا با دبرای حل مسئله آب شوند وهم با آتش افروزی در میان مردم دوشهر، اعتراضات زحمتکشان کاخک را به خیال خود توسط زحمتکشان گنا با سرکوب نمایند. (یعنی همان کاری که رژیم نظامی در آن زمان در خوزستان و... انجام داد) در صورتیکه این طرح و نظایران قبلاً نیز عنوان گشته و تا درستی آن برای تمامی مردم منطقه روشن شده بود و راه حل اساسی مشکل کم آبی این منطقه تنها در گرو انجام مبرنا مه ای همه جانبه و اختصاصی بودجه ای کافی با نظارت شورائی از زحمتکشان منطقه میسر میباید.

به حال روز ۱۴/۱۱/۵۹ با ساداران علیبرقم اطلاع از مخالفت عمومی بر علیه این "طرح" داده گنا با کاخک را میبندند. آنها در حالی که دستور سرکوب اعتراضات مردم (که انجام آن کاملاً قابل پیش بینی بود) و حتی گشتاران را داشتند از تربت حیدریه نیروی کمکی شیبز دریا فت میکنند. بدین ترتیب عملیات برای حفراجه در ۷ کیلومتری کاخک آغاز میشود. از سوی دیگر مردم که طی اجتماعات متعدد مخالفت خود را با این طرح عنوان کرده بودند،

از بی توجهی مسئولین به خشم آمده بودند، آنها بخصوص پس از آنکه معاونان استاندار در برنا مه تلویزیونی مردم کاخک را "فدا انقلابی" میخواند بیش از پیش به ما هیت فدمردمی اقدامات رژیم و مسئولینش پی برده و خشمگین شده بودند. مردم با رها اعلام کرده بودند که به هیچوجه از زناجام اینکار را نخواهند داد. بنا بر این وقوع دیگری از قبیل کاملاً روشن بود. بنا بر این ادعاهای سپاه پاسداران و سایر مسئولین مبنی بر "اتفاقی بودن حادثه کاملاً بی اساس و دروغ - برداری محض میباید. سرانجام زمانیکه هزاران نفر از توده های خشمگین برای جلوگیری از عمل حفاری به محل نزدیک میشوند و در حالیکه بنا به گفته شاهان عینی و اعتراف با رهای از مقامات مردم در فاصله ۷۰۰ الی ۸۰۰ متری محل حفاری بودند با آتش مزدوران رژیم مواجه گردیده و تنی چند در خون خود میسختند.

بعد از این حادثه و در فردای آن، رادیو مشهد اعلام میکنند که "عده ای فدا انقلاب (۱۵) به پاسداران حمله کردند و آنها را مجروح و مضراب ساختند و در نتیجه ۵ فدا انقلاب کشته میشوند" و بدین ترتیب با ردیگر ما هیت فدمردمی و دروغ - برداری از رگانهای تبلیغاتی رژیم آشکار میشود. سپاه پاسداران نیز طی اطلاعیه ای "گروهکهای چپ" را مسئول این حادثه میخواند و مردم را "تحریک شده" بوسیله آنها قلمداد میکند. در این اطلاعیه ها حاشیه ای بر گونه توصیف شده است: "جمعیت تحریک شده و از دوطرف بقصد محاربه برادران که دور هم جمع شده بودند) حرکت میکنند. برادران پس از اینکه مقدمه ای تیراندازی هواشی میکنند و میبینند که در مردم شومی کند (زیرا مرتب آنها را تحریک میکردند و میگفتند نترسید مشقی و هواشی است) عقب می آیند و بوسیله ما شیمن بسمت گنا با حرکت میکنند. بدین ترتیب مزدوران اسلحه بدست با کمال وقاحت مسئله تیراندازی یا ساداران بسوی مردم را لاپوشی کرده و از آن میگذرند. انگار نه انگار که آن پنج نفر و چند زخمی بوسیله گلوله های ژس پاسداران و در جلوی چشم هزاران نفر از پای در آمده اند! و حتی خود مقامات از جمله نماینده گنا با در مجلس نیز با این مسئله را بصراحت عنوان کرده اند، زهی بیشرمی!

از سوی دیگر لیبرالها از طریق شما بنده رئیس جمهور در استان سعی میکنند از این جنایت حزبها بنبف افزایش نفوذ خود در منطقه استفاده کنند. اما آنها نیز با رقبا ی خود مورد شکست که سگوزها "بر سر کمونیستها هم صدا میگردند. ملازده" نماینده گنا با دنیبا از شه "تحلیلی" که هم در روزنامه های لیبرالی وهم در روزنامه های حزبی چاپ شد، "چپها" و بخصوص "پیکار" را مسبب و عامل "تحریک" مردم

بقیه در صفحه ۲۶

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

### جنایت ارتش مزدور عراق در خرمشهر!

رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق همراه با ارتش‌های سرکوبگرشان جنگ را ادامه داده و در این راه از هیچگونه تاج و زنجار و مال و ناموس نوده‌های زحمتکش دوکشور کوناه نمی‌کنند. طبق اخبار رسیده ارتش‌های مزدور عراق در خرمشهر به یک دختر پرستار روحیان تاج و زکرده و وی را در نزدیکیهای آبادان رها می‌سازند و دختر پرستار ساعتی پس از رسیدن به بیمارستان جان میسیرد. ارتش‌های ارتجاعی عملکردهای یکسانی نیز دارند. ارتش و پاسداران مزدور جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان بنام "سیاه‌اسلام" مرتکب جنایات بیشماری میگردند که بخشی از آن نیز تاج و زبیه دختران دلاور کرد میباشند و ارتش مزدور عراق نیز علاوه بر کشتار زحمتکشان و غارت اموال آنان، به نوا میس زحمتکشان تاج و زمی کند.

اینهمه زنجیرات "جنگ ارتجاعی" که از ارتش‌های مزدور دوکشور به زحمتکشان ارزانی می‌دارند!

### گوشه‌های دیگر از جنایات مرتجعین "مکتبی" رژیم!

جنایات رژیم در حق آوارگان جنگ ارتجاعی روز بروز بیشتر میگردد. از سرکوب مبارزات آنان و دستگیری عناصر آگاه و مبارزان گرفته تا تاج و زبیه نوا میس آوارگان.

اکنون حدود ۵۵ خانواده از آوارگان جنگ در گنا با در مرحله تربیت معلم واقع در دستگاه سرعین بند و سرپرستی آنان را آخوند مزدوری بنام "سدا بر ایمی" به عهده دارد.

در تاریخ یک سنه ۲۸ دیماه این فرد مرتجع دخترها نژده ساله‌ای از آوارگان در فول را به بیها نداشتن کار به خانه خود برده و به زور به وی تاج و زمی کند. خیر این جنایت سربدار میسین مردم شهر بیخ مشود. همپا لکی‌های آخوند برای بوساندن قضیه به نگایومی افتند و آخوند مزدور دیگری در بالای منبر در مسجد جامع شهر در توجیه مسئله میگوید که ما او را صیغه کرده ایم و این مسئله کاملاً شرعی است! ولی مزدوران رژیم وقتی می‌فهمند که این کلاه "شرعی" برای مردم که از همه چیز با خیرندگشا دست بلافاصله آن را شایعه علیه روحانیت "مبارز" اعلام کرده و مردم را تهدید میکنند که در صورت ساکت نشدن شلاق خواهند خورد.

اما مردم شهر بطور وسع دست به افشاکگری زده و این جنایت را روی اسکان‌ها میسوسند.

### اخبار جنگ

توده‌های آگاه این جنایت را که قطره‌ای از دریای جنایات بیشمار را که نه‌ای رژیم در گوشه و کنار ایران است افشا کرده‌بسی خواهد بود که تا بودی فساد و فحشا رژیم، جز از طریق ناسودی رژیم سرما به داری امکان پذیر نخواهد بود.

### گزارشی از تجمع آوارگان در فولاد شهر

جمعی از آوارگان فولاد شهر در تاریخ ۱۱/۱۱ در مسجد کربلا آمده بودند. آوارگان به وضع بد بهداشت خود و نداشتن کوبین خوابگاه‌ها و آب آشامیدنی اعتراض داشتند. شورای هیبایی فولاد شهر در این جلسه حاضر شده بود و تا مدت‌ها قبل سعی کرد قضیه را ماسمالی کند.

یکی از آوارگان، میگفت: "میلیون‌ها تومان از طرف مردم کمک مالی شده است ولی آنها را چه کرده‌اید؟ ما که خودمان خواهان این جنگ نبوده‌ایم، این شما بودید که به خاطر منافس خودتان دست به این کار زده‌اید و حالا با بسد جوابگوی ما نیز می‌شوید." عنصر مرتجعی بنام "معدانی" در پاسخ میگوید: "من مسئول شورای هیبایی هستم، به ما مورشما با بدکمیتها مسام رسیدگی کند". آوارگان عصبانی از این جواب شریلا می‌گفتند: "پس چرا اطلاعات به اینجا آمده‌ای؟ یکی از زنان می‌گفت: "بدبخت! مگر اسکورت بیاید و تو را از اینجا ببرد و کزنه اینجا مانده‌ای با دستانتان تکه تکه می‌کنیم."

ساح رژیم به خواستهای آوارگان سرکوب است و پاسخ آوارگان به رژیم سرکوبگر مساره هر چه بشنود!

### تظاهرات آوارگان ماه شهر به مناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه

به مناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه و افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، هواداران سازمان در ماه شهر اعلام را هیبائی میکنند. عوامل رژیم پس از باخیر شدن، بندت رفت و آمدهای سن شهر و اردوگاه آوارگان را زیر کنترل میگرد و در روز ۲۱ بهمن ماه با محاصره بازار تا هنر که محل شروع راهپیمائی بود، شروع به دستگیری سوارهندگان و سطا هر کسندگان میکنند. ابا ر حمتکشان آواره و مردم

ما هنر که تبلور خواستهاشان را در شعارهای سازمان میدیدند با حمایت خود از انقلابیون کمونیست و مقامت در مقابل ارتجاع، مانع دستگیری شظا هر کسندگان شدند. وحشت رژیم از این تظاهرات بقدری زیاد بود که از صبح ۲۱ بهمن به منظور جلوگیری از آگاه شدن توده‌های ارتش از ایده‌های انقلابی، و رود ارتش را به شهر ممنوع اعلام کرد. آگاه‌ها تا نبود کسندگان ارتجاع است!

### "باز هم فشار بر آوارگان"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر دا من زدن به جنگ ارتجاعی برای تحقق اهداف ضد خلقی و آواره نمودن هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما، به عناوین مختلف آوارگان را تحت فشار میگذارد.

اخیرا ما موران مبارزه با گرانفروشی رژیم در ماه شهر به بساط دستفروشی که عمدتا از آوارگان جنگ زده هستند و برای گذران زندگی ناچار به دستفروشی پرداخته‌اند، یورش برده و تهدید میکنند که گرانفروشی نکنند.

رژیمی که خود با جنایت‌هایش باعث آوارگی، گرسنگی و بیکاری کارگران و زحمتکشان شده، برای سرپوش گذاشتن بر ماهیت کسندیده نظام سرمایه‌داری وابسته که علت اصلی گرانفروشی و تورم است و برای تطهیر سرمایه‌داران و تجار بزرگ، هم‌چون رژیم شاه‌خا شن، چاقی مبارزه با گرانفروشی را بر سر زحمتکشان خرده‌بای و آوارگان دستفروش وارد می‌آورد. اما آتش این سیاست‌های ضد خلقی عاقبت دا من خود رژیم را خواهد گرفت.

### خبری از خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان

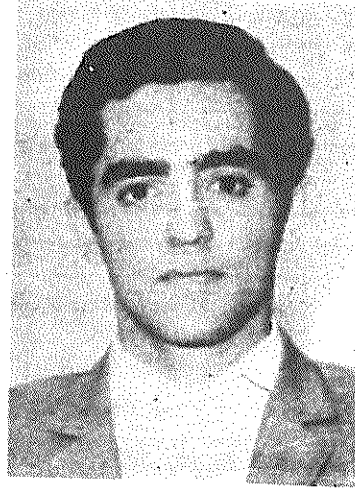
در روز جمعه ۵۹/۱۱/۱۷ سربچه‌های ازینجره یکی از ساختمانهای محل سکونت آوارگان به با شین می‌افتد. در آن حوالی حتی یک ماشین پیدا نمیشود که وی را به بیمارستان برسانند. بالاخره با شین یکی از بستگان آوارگان که به آنجا آمده سربچه را به بیمارستان میسارند که هنوز بسپوش است. مردم آواره می‌گفتند چرا اینجا که حدود ۲۴ نفر ساکن هستند که یک آمبولانس با ماشین دیگری برای نجات جان مردم وجود ندارد. چرا انفکرام آوارگان نیستید. عده‌ای از زنان زحمتکش می‌گفتند: "چگونه است و بی‌نخی حرفی میزند فوراً چند سسنا ما سن با سدا را اینجا می‌آید که او را بگیرند ولی"

### مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم





## رفیق مسعود احمدزاده ستاره‌ای درخشان در آسمان جنبش کمونیستی ایران



یازدهم اسفند ۱۳۵۰، رفیق مسعود احمدزاده از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق همراه با رفقای هم‌زمین اسدالله عباسی، تقی حاجی مجید احمدزاده و سعید آریین بدست مسز دوران امیریا لیسیم آمریکا بشهادت رسید و بدین ترتیب طومار زندگی پرافتخاریکی از بنیان‌گذاران جنبش نوین کمونیستی ایران در نور دیده شده. از سال ۴۲ به بعد، محافل و گروه‌های کوچک متعددی بر اساس ردرویز یونیسفم خروش‌جفی شکل گرفتند و جنبش نوین کمونیستی را بنیان نهادند یکی از این گروه‌ها، گروه رفیق احمدزاده بود که بعداً سازمان چریک‌های فدائی خلق را بنیان گذاشت. این مرزبندی که متاخر از مرزبندی جهانی با رویزیونیسفم مدرن برهبری حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی شکل میگرفت دو-صف را در مقابل یکدیگر قرار میداد، صفی از کمونیست‌های انقلابی جهان که در پشت سر رفیق ما ثوبر علیه رویزیونیسفم متعفن خروش‌جفی می‌برزیدند و صف دیگر مزدوران و هواداران سرما به-داری نوین شوروی که تحت پوشش مارکسیسم بزرگترین خیانت‌ها را به مارکسیسم مرتکب میشدند.

رفیق احمدزاده با برگزیدن عضویت صف مارکسیست‌های جهان مبارزه را آغاز کرد، او در جزوه، مبارزه مسلحانه، هم استراتژی و هم تاکتیک بروشنی این مرزبندی جهانی را بیان می‌کند و همین برشردن ارتداد خائنین روسی و مزدوران نشان در ایران یعنی شونده‌ایهای خائنین میگوید که مارکسیسم-لنینیسم تنها در فدیست با رویزیونیسفم خروش‌جفی و قرار داشتن در صف کمونیست‌های جهانی، معنا پیدا میکند، اما علیرغم کمونیست بودن رفیق احمدزاده در ابتدا شولوژی، درسیاست، دارای "انحراف اپورتونیستی" چپ می‌باشد، و علیرغم تاکید بر ضرورت رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین ایران، نه تنها در جهت ایجاد ابزار این رهبری یعنی حزب طبقه کارگر ایران حرکت نمی‌کند، بلکه با برگزیدن مشی غیر پرولتری چریکی، عمل در جهت ایجاد آن مانع نیز ایجاد می‌کند.

درواقع همان‌طور که لنین میگوید نطفه بود آنارشیسم از معامی حضور رویزیونیسفم در جامعه است. گنبدگی و ابتذال حزب توده و رویزیونیسفم از یکطرف، جوانی و کودکی جنبش کمونیستی از طرف دیگر، تبلیغات کاستریستی در سطح جهان و... موجب میشود که جنبش جوان کمونیستی ایران، در همان ابتدای حرکت خود دچار انحراف

چریکی میگردد و سالها دلاورترین و قهرمانترین فرزندان خلق را برای می‌کشد آنکه عملاً بسود طبقه کارگر ایران نیست، اما علیرغم این انحراف نه چندان کوچک رفیق احمدزاده، هرگز نمیتوان دستاوردهای گرانقدر رفیق را در مرز-بندی با شوروی رویزیونیسفم و رویزیونیسفم خروش‌جفی نفی کرد در واقع در ایران نیز یافتن راه صحیح مبارزه و تدوین تئوری انقلاب با مصیبت‌های فراوانی میبایست توأم می‌بود و اشتباهات چنان‌بازیه و دلاوریهای بسیاری را بخود می‌دید. در واقع رفیق مسعود آغازگر راهی است که ادامه و تکامل آن میبایستی توسط رفیق مومنی و سپس رفقای که قاطعانه با سوسیال امپریالیسم روسی مرزبندی دارد، طی شود. بدین ترتیب از یک سو ادامه دهندگان راه مسعود، هرگز خائنین اکثریتی، که اکنون مرتد شده و به تبلیغ رویزیونیسفم خروش‌جفی و سوسیال امپریالیسم روسی بدل گشته‌اند، نیستند. رویزیونیسفم‌های خائن اکثریت جرئت کرده و نام رفیق را در بین شهدای خود آورده‌اند، این مرتدان اگر جرئت دارند، ستونی از نشریه خود را اختصاص به نظریات رفیق در مورد رویزیونیسفم خروش‌جفی بدهند. نه آنها نمیتوانند زیرا آنها به راه انقلاب و به راه مسعود خیانت کرده‌اند. آنها هرگز نمیتوانند با انتساب دلاوری چون مسعود با رخیا نتایج خویش را سبب سازند.

از سوی دیگر نمیتوان ادامه راه رفیق را گروه‌اشرف دهقانی کنونی دانست. آنها حمله رفیق مسعود را که با تراژدی جنبش کمونیستی

### بقیه از صفحه ۱۳ ضرورت...

نا درست خواندن حرکت آنان، از رفقاست که مراسم ۱۷ بهمن را تنها به مناسبت ۱۹ بهمن برپا نماید و همراه با برنیروهای کمونیست مراسم ۲۲ بهمن را در روز دیگری برگزارد کند، با حداقل اگر نمی‌تواند تغییر در برپا نمود خود بدهد، از راهیچما شی ۲۲ بهمن که توسط نیرو-های کمونیست صورت میگرفت، پشتیبانی نماید لیکن رفقاً مسئله را مسکوت گذاشته و عملاً هر دو پیشنها در آمدند، شاید هر اس از برگزاردی مراسم مشترک در ۲۲ بهمن با سازمانهای پیگیر کمونیستی بی ارتباط با اصرار رفقاً مبنی بر عدم اعلام رسمی برگزاری مراسم ۲۲ دی از سوی نیروهای کمونیستی با شد و بجز عدم درک ضرورت آلترنا تیک کمونیستی، هر اس از اتحاد عمل رسمی و علنی با نیروهای پیگیر کمونیستی، دلیل دیگری با شده رفقاً را بر آن میدارد که اعلام علنی اتحاد عمل فدائیان، سازمان پیکار و... را نپسندیده و در حرکت ۱۷ بهمن که دیگر هیچگونه محلی برای عدم اعلام علنی هويت برگزارد کنندگان مراسم وجود ندارد، خود به تنها شی دست به این حرکت زده و دچار اشتباه روز ۲۳ دی نگردند!

بهر حال آنچه بیشتر در اینجا مورد بررسی ما بود، ضرورت طرح آلترنا تیک کمونیستی و درسیهای گرانبهای بود که مراسم ۲۲ دی به کمونیست‌ها موخت و رفقای فدائی (اقلیت) نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند آن درسیها را فرا-گیرند، برخورد به گرایش راستروانه رفقاً در برخورد به رویزیونیسفم و سوسیال امپریالیسم را که تبلور بارز در اتحاد عمل با سوسیالیست‌های کمونیست نیز منعکس میگردد به فرصتی دیگر وامی‌نهیم

ایران همراه بود، اکنون به کاریک توری بدل کرده و با تکرار شعارهایی که مبارزه طبقاتی در ده ساله کنونی مهربان بر آن زده است. خود را ادامه دهندگان راه رفیق مسعود جلوه گرمیازند به علاوه رفقای فدائی (اقلیت) نیز بهیچوجه ادامه دهندگان راه رفیق مسعود نیستند. راه مسعود در مرزبندی انقلابی با رویزیونیسفم خروش‌جفی معنا پیدا میکند حال آنکه این رفقاً با انحرافات رویزیونیسفمی خود در قبایل رویزیونیسفم و سوسیال امپریالیسم نشان میدهند که ادامه دهند دیدگاه ضد رویزیونیسفمی مسعود نیستند. خاطره سرخ رفیق مسعود را با یستی با کوشش در جهت پیوند با طبقه کارگر، تدوین تئوری انقلاب و طرد رویزیونیسفم گرمی داشت، چرا که این بهترین خرا میداشت برای کمونیست‌های دلاوری چون مسعود است.

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

# رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی!

تصفیه و اخراج چند عنصر اپورتونیسیت و بدنبال آن اعلام نشع با اپورتونیسیتها از رزمندگان بی شک موفقیتی است برای جنبش کمونیستی در جهت پالایش صفوف خود از اپورتونیسیم و متحد نمودن جنبش کمونیستی. همگنان در بسیاری از نیروهای جنبش کمونیستی این پیروسه تصفیه و پالایش صورت گرفته و هم اکنون نیز جریان دارد. این امر بی شک نشانه تکامل جنبش کمونیستی است. اما هر آنگاه که پالایش صفوف خود را از اپورتونیسیتها بر طبق معیارها و پرسنپ - های لنینی استوار نسازیم، هرگاه تنها به اخراج چند عنصر اپورتونیسیت اکتفا کنیم، و به تحلیل مارکسیستی از انحرافات خود نپردازیم، انحرافات که باعث رشد و گسترش اپورتونیسیم در صفوف ما گشته است، و ظهور اپورتونیسیتها را ناشی از توطئه "اتفاقی" و دست بالا برخی "سهل انگاریها" بدانیم... آنگاه در حقیقت با بدبگوئیم اپورتونیسیم را از اندیشه خود تصفیه نکرده ایم، بلکه چند عنصر اپورتونیسیت را بصورت مکانیکی تصفیه نموده ایم. آنگاه چه کسی می تواند منکر شود که شواهد اپورتونیسیم موجود در اندیشه ما با ردیگر در تند پیچ دیگر از سانتریسم و التقاط شروع نگردد و به اپورتونیسیم و ارتداد منتهی نشود با توجه به ضرورت پالایش صفوف جنبش کمونیستی از هرگونه اندیشه و مشی اپورتونیسیتی به بررسی کوتاه انشعاب در رزمندگان وضعیت کنونی آنان می پردازیم.

برای هر مارکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین رانه بمثابه اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمثابه تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگردند، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن مبادر که بهر رزمندگان ویا منضمین کدامیک تکامل منطقی سیر تاریخی پیشین بود مانند؟

برای هر مارکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین رانه بمثابه اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمثابه تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگردند، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن مبادر که بهر رزمندگان ویا منضمین کدامیک تکامل منطقی سیر تاریخی پیشین بود مانند؟

سرما به داری ایران به تروتسکیسم درمی غلطید در بر خورد به امپریالیسم دجا را تحراف کاشی - تسکیستی بود که امپریالیسم را بمثابه پدیده ای سیاسی ارزیابی می نمود، در این باره ما در نقد نظرات رزمندگان در باره ساخت جامعه توضیح دادیم و در اینجا وارد خود مبحث نمی گردیم، بهر حال بریستر چنین درک انحرافی از امپریالیسم و پیروسه استقرار رسماً به داری ایران، رفقاً انقلابی و ضد انقلابی بودن هر نیرو را در رابطه با موضعگیری اش در قبال سرما به تعیین نموده و بریستر این درک تروتسکیستی، خرده بورژوازی مرفه سنتی را ارتجاعی ارزیابی می نمودند. در همین حال بدلیل درکی از امپریالیسم را که می دادند، نیروئی ضد انقلابی را ضد امپریالیست معرفی می کردند. مبنای درک این تفکر بصورت فرموله شده چنین بیان میگشت: خرده بورژوازی مرفه سنتی از آنجا که در قدرت سیاسی قرار داشته و حافظ سرما به داری ویا لطیف سیستم سرما به - داری و ابسته است، ضد خلق است، ولی از آنجا که در گریبهای سیاسی نیز با امپریالیسم دارد، ضد امپریالیست است!

تقویری رویزیونیستی - تروتسکیستی ضد خلق - ضد امپریالیست بر مبنای چنین درک سیاسی از امپریالیسم قرار داد و در رابطه با امپریالیسم را سرما به داری و ابسته درک نمی

از دو دیدگاه و روشن حقیقی می گذشت - "رزمندگان" بوده اند و در اینجا بویژه روی سخن ما با رفقای رزمندگان است. چه در رودسته اپورتونیسیت منشعب، امروزه با مراحت آشکار خیانت خود را به ما رکسیم - لنینیسم اعلام نموده است. و ما وظیفه ای جز کوشش برای طرفداری از رودسته که از همپالکی های خجول اکثریت بشما میروند، قائل نیستیم. اما کوشش ما در بر - خورد به رفقای رزمندگان در این است که ما سانتریسم و مسائلات جوشی کنونی را که در عدم نظی انقلابی اکثریت قریب به اتفاق مواضع پیشین منعکس میگردد نشان داده و به سهم خود به آنها کمک نمائیم تا انحرافات سانتریستی خود را برفع مواضع مارکسیستی در هم شکنند.

برای هر مارکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین رانه بمثابه اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمثابه تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگردند، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن مبادر که بهر رزمندگان ویا منضمین کدامیک تکامل منطقی سیر تاریخی پیشین بود مانند؟

کند و بدین بمثابه پدیده ای سیاسی و خارجی مینگرد، بدین ترتیب خرده بورژوازی در درون جامعه در شوع را بطبع سرما به داری (وابسته) "مدخل" و در رابطه با عامل خارجی و مناسبات خارجی "ضد امپریالیست" قلمداد میگردد. چنین است که بر اساس این تقویری تروتسکیستی - رویزیونیستی ابتدا کمیته - ل و سپس در نشریه رزمندگان از خرده بورژوازی ضد انقلابی که دارای خصصتهای ضد امپریالیستی است نام برده میشود و حرکت سفاکت یک حرکت ضعیف ضد امپریالیستی قلمداد میگردد (رزمندگان ۲۵ - بورژوازی یکسال و نیم بعد از قیام) و سپس منشا تضادهای خرده بورژوازی حاکم بمثابه "ضداد نسبی خرده بورژوازی حاکم امپریالیسم و سرما به داری" قلمداد میشود، و اصولاً پس - تفکر "مدخل" - ضد امپریالیست از نشریه شماره ۱۳ رزمندگان خط مشی اصلی حاکم بر رزمندگان را تشکیل میدهد.

از طرف دیگر ارزیابی انحرافی از ساخت جامعه و امپریالیسم تنها با به تفکر یک تضاد

بررسی اصلی ترین خطوط فکری سیاست غالب بر نشریه رزمندگان، چراغ راهنمایی است برای درک این مسئله که کدامیک از این دو جریان تکامل دهنده می گذشت پیشین بوده و آنگاه می توان در بر تودست یا بی به جواب این سؤال، انحرافات کنونی رزمندگان را بررسی نمود.

### امپریالیسم و ساخت جامعه:

رفقای رزمندگان در بر خورد به پدیده امپریالیسم دجا را تحرافت کاشی تسکیستی - رویزیونیستی بودند. رفقاً درکی را که از امپریالیسم را که می دادند، درکی بود که امپریالیسم را عمدتاً بمثابه پدیده سیاسی و "عامل خارجی" در ساخت سرما به داری و ابسته بشمار می آورد، این نظرگاه که در جزوه تضادها و مرحله انقلاب حاکم بود، بعدها به سیاست غالب بر نشریه بدل گشت. و بر اساس این دیدگاه هر چه سرما به داری در ایران "خود پی" بوده و امپریالیسم بمثابه "عامل خارجی" تنها در تریخ این روند موثر بوده است! این درک که با خود پدید

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

خلق - فدا میریالیست خواندن خرده بورژوازی مرفه سنتی میگردد، بلکه در تقسیم بندی خرده - بورژوازی مدرن (تألفی مناسب سرمایه داری) و خرده بورژوازی سنتی که حافظ مناسبات سرمایه داری است، نیز باید به **تئوریک** تئوری رونیو - نیستی راه رشد غیر سرمایه داری جیده میشود، ما در گذشته نیز این مسئله را مورد نقد قرار دادیم این تئوری رونیونیستی در برخورد به بخش مدرن سنتی خرده بورژوازی در سراسر مقاله "خرده بورژوازی و انقلاب" منعکس است، و بالاخره بر بستر تئوریهای رونیونیستی - تروتسکیستی که وضعیت طبقات را از زاویه نوع مناسبات و برخورد آنها نسبت به سرمایه (در مرحله انقلاب دمکراتیک) و نه از موضعگیری آنها نسبت به امپریالیسم ویگاها داخلی آن سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مورد بررسی قرار می داد، با لطبع و ناگزیر مرحله انقلاب را دمکراتیک با مضمون سوسیالیستی ارزیابی می نمود، این تئوری همان تئوری رونیونیستی - تروتسکیستی است که در جزوه تفاهدا و مرحله انقلاب به صراحت بیان میگردد و در نشریه رزمندگان در برخورد به راهکارگر منعکس میشود و بالاخره همان دیدگاه هی است که **سوسیالیسم خلقی** را در مرحله انقلاب دمکراتیک بنمایشت میگذاشت.

### ۳- تحلیل از قدرت سیاسی:

بر اساس چنین درکی از امپریالیسم، ساخت جامعه، آرایش طبقات و مضمون مرحله انقلاب است که تحلیلی متناسب با آن از قدرت سیاسی بعمل می آید. هژمونی در قدرت بدست خرده بورژوازی مرفه سنتی معرفی میگردد و مبارزه درون هیئت حاکمه نه از مقوله تفاهدای فدا انقلاب و درجه رجب حفظ وحدت، بلکه مبارزه طبقاتی حادی تصویر میگردد که خرده بورژوازی علیه بورژوازی و امپریالیسم به پیش می راند، درکی که در تداوم خودناگزیر حاست از خرده بورژوازی حاکم را وظیفه خود قرار خواهد داد، درکی رونیونیستی که "راه سوم" را تداعی می نماید. خرده بورژوازی حاکم از یک طرف ضد پرولتاریا است و از طرف دیگر راه بورژوازی و امپریالیسم را نمی پذیرد و خواهان سمت دادن جامعه به راه مستقل خویشی است. **مبنای تئوریک** حمایت از خرده بورژوازی حاکم و "راه رشد غیر سرمایه داری" که این خرده - بورژوازی بایدهی نماید، در این نظرگاه بنحو برجسته ای منعکس میگردد. از نظر ما رگسیسم - لنینیسم خرده بورژوازی در حاکمیت نمی تواند مدت زمان زیادی بسا **هویت طبقاتی** خود، حضور مستقل و هژمونیک داشته باشد. چه فاقد برنامی مستقلی برای هدایت سیاست و اقتصاد جامعه است. از اینرو خرده بورژوازی اگر در جامعه ای سرمایه داری حاکمیت داشته باشد، یا در پروسه ای کوتاه مدت

بوروکراتیزه شده و سران خرده بورژوازی حاکم به بورژوازی تبدیل میگردد (چرا که جز سرمایه بورژوازی راه دیگری برای اداره اقتصاد و سیاست جامعه وجود ندارد). یا اگر در قدرت سیاسی با بورژوازی شریک باشد، به زیر پرچم رفته و برنامی را اجرا درمی آورد. و در حقیقت هژمونی بورژوازی اعمال میگردد. تنها رونیونیستهای خروجنفی و متاثران از آن هستند که خرده بورژوازی را از لحاظ سیاسی طبقاتی مستقل و با برنامی سیاسی مستقل می بینند و برنامی برای این اساس خرده بورژوازی می توانند درک جامعه سرمایه داری در حاکمیت هژمونی داشته و راه مستقل خویش را که همان "راه رشد غیر سرمایه داری" است بسازند.

شماره ۱۳ معکس منبند، و از آن پس مرتباً خطر کودتا و ضرورت اتحاد عمل بر علیه فدا تفاسلاب مغلوب گوشه میگرد. زما نیکه روند اصلی جامعه کودتای بورژوازی و امپریالیسم علیه خرده - بورژوازی حاکم قلمداد کرد، و زما نیکه خرده - بورژوازی حاکم نیز دارای خط فدا میریالیستی باشد روشن است که اتحاد عملی بر علیه فدا تفاسلاب مغلوب! و نه فدا انقلاب حاکم و در همسویی و حتی وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی و نه مبارزه - ای بر علیه ماشین دولتی بعنوان تاکتیسم کمونیستها مطرح میشود. آهسته آهسته نظرات رونیونیستی دربر - خرده قدرت سیاسی و حتم انداز و تاکتیسم شدت بیاید.

### ● جنگ نظرات اپورتونیستی گذشته رابه تحولی کیفی و "مونیستی" تبدیل نموده و اپورتونیسم رابه "سوسیال شو نیسم" محول و سپس آشکارا تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ در قبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

از اینرو و تحلیل سیاسی رزمندگان از قدرت سیاسی که از طرفی با اعتقاد به هژمونی خرده - بورژوازی در حاکمیت در عرض این دو سال توأم است و از طرف دیگر برای خرده بورژوازی حاکم خصلتهای کم و بیش فدا میریالیستی قائل است متاثران از شواهد فکری رونیونیسم خروجنفی بوده و متاثران از چنین درکی "سازنده طبقاتی" در بالا را مبارزه بین دو راه (راه خرده بورژوازی و راه بورژوازی) دانسته و طبیعتاً روند اصلی جامعه را نیز چنین خواهد دید. "بیانیه سفارت" رزمندگان نیز درک فوق را بروشنی بنمایشت می گذارد و از رزمندگان شماره ۱۳ ببعید نمایست خط سیر اصلی رویدادها در سرفاله ها و در مقالات "بورژوازی یکسال و نیم بعد از قیام" منعکس میگردد.

### ۴- خط مشی تاکتیکی:

بر سر چنین سیستم فکری و چنین تحلیلی از قدرت سیاسی، همچنانکه نظرات بعدی رزمندگان نشان میدهد، از آنجا که سیر اصلی وقایع، وحدت - یایی مبارزه طبقاتی بین خرده بورژوازی حاکم (که دارای هژمونی است) با بورژوازی لیبرال ارزیابی میگردد و از آنجا که بورژوازی لیبرال بعد از سفارت مواضع خود را یک سبک از دست میدهد، طبیعتاً چشم انداز آینده، **کودتا** از جانب امپریالیسم قلمداد میشود که بزرگیم رزمندگان از آنجا که بیگانه داخلی امپریالیسم در قدرت (بورژوازی لیبرال) تضعیف شده و خرده بورژوازی حاکمی است که روز بروز بیشتر تعارض با امپریالیسم و بورژوازی افزوده می - شود، امپریالیسم حتماً دست به کودتا خواهد زد. و تاکتیسم کمونیستها در قبال این چشم انداز بصورت وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی حاکم که در عین حال دارای گرایش فدا میریالیستی است، در مقابل امپریالیسم و بورژوازی ایران تعیین میگردد. این مطلب در سرفاله رزمندگان

با چنین تحلیلی از اوضاع جامعه، از قدرت سیاسی و از مبارزات فدا میریالیستی خرده - بورژوازی حاکم و ضرورت اتحاد عمل بر علیه کودتا و امپریالیسم و فدا انقلاب مغلوب، جنگ ایران و عراق به ناگزیر گوشه امپریالیسم برای برانداختن خرده بورژوازی حاکم که هژمونی هم دارد (رفقای رزمندگان حزب جمهوری اسلامی را خرده بورژوازی ارزیابی می نمودند) و دارای خصائل فدا میریالیستی است، قلمداد میگردد، حال چه کسی بر اساس چنین تحلیلی که نتیجه منطقی تحلیلهای ذکر شده است، می تواند جنگ را غیر عادلانه و ارتجاعی نداند؟! و چه کسی است که بتواند **باید** داشتن چنین تحلیلی از اوضاع و احوال، ضرورت همسویی با خرده بورژوازی حاکم و بصورت مونیستی آن، حمایت از خرده بورژوازی حاکم و دفاع از خصائل فدا میریالیستی اش! را نافی کند؟

بنظر ما هما بطوریکه اپورتونیستهای منسب متذکر شده اند مواضع رونیونیستی و انحرافی رزمندگان ۳۴ تا ۴۰ چیزی نیست جز "تکامل" منطقی و "مونیستی" نظرات پیشین، نظراتی که در سرفاله ها و نوشته های رزمندگان ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بصورت کاملاً با رزی خود نمایی میکند.

### ۴- رونیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم:

ما در برخورد به درکهای تروتسکیستی - رونیونیستی رزمندگان نسبت به مقوله رونیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم مطالب بقیه در صفحه ۲۲

# لایحه ارضی رژیم: طنین طبل تو خالی برای فریب دهقانان!

رشد حتمی دهقانی موجب مطرح شدن مجدد مسئله ارضی بعنوان یکی از مسائل مبرم جامعه گشته است. در این رابطه خیرا سرومدهای بسیاری حول "لایحه ارضی" متوجه سال گذشته رژیم و تا کید برای بند "ج" آن از جانب بخشهای ارز رژیم و روزیونیستهای خادم آن، براداران و اسباب، از انحراف و سرسری ماهیت ارضی است. این "اصلاحات ارضی" ضرورت میابد.

مسئله ارضی همواره یکی از مهمترین مسائل انقلاب دمکراتیک - خدا میرا لیستیم خلقهای ایران بوده است. این مسئله که در پیوند با زندگی توده های وسیع دهقانان می باشد موجب بروز جنبشهای متعدد دهقانی گشته که از آنجمله مبارزات توده های سالهای ۲۹ تا ۴۲ بود که امیریا لیسیم آمریکا و رژیم کم رگزارش را وادار به انحام و فراموشی امیریا لیستی ارضی نمود. بنا بر این "اصلاحات" بخشی از ارضی با بیرونجا - مرغوب میان دهقانان تقسیم شد و از طرف دیگر مناسبات سرمایه داری وابسته در شهر و روستا گسترش یافت، که در مجموع نتیجه ای جز افزایش فقر و فلاکت دهقانان، و بیاول آنها توسط بانکها و گنده شدن توده های وسیع دهقانان از روستاها و سرازیر شدنشان به شهرها جهت بیوستن به خیل عظیم بیکاران، به همراه نداشت به این ترتیب جنبش دهقانی نسبتا اکتفا کرد و حاصل نداشتن مسئله ارضی موقتاً به نفع بورژواکامبرادورها و فنودال کامبرادورها در دهان توده ها خفیف گشت.

در جریان اوچگیری جنبش توده های سالهای ۵۶ و ۵۷، دهقانان تحرک بمراتب کمتری نسبت به سایر اقشار خلق از خود نشان دادند این امر بیخاطره و ملی چون رشد مناسبات سرمایه داری در کشور، نبود عنصر آگاه در میان دهقانان و با نین بودن سطح آگاهی عمومی آنها، بزرگدگی و تنوع شرایط دهقانان در مناطق مختلف ایران و سایر عوامل بود. اما تحت تاثیر جنبش توده ای و گسترش خلقی و بخصوص پس از قیام که به راهای دستاوردهای دمکراتیک به همراه داشت و در کنار فعالیت نیروهای انقلابی در میان دهقانان، موجبات رشد آگاهی دهقانان و گسترش مبارزاتشان فراهم گردید. بطور کلی باید گفت که مبارزات دهقانان عمدتاً بعد از قیام گسترش یافت در باره ای مناطق نظیر کردستان و ترکمن صحرا مبارزات دهقانان تحت تاثیر غلبه روابط فئودالی و تاخت و تاز فئودالها از یکسو و مسئله ارضی از سوی دیگر رشد جنگیری نمود و فی المنل دهقانان در این منطقه موفق به تشکیل شوراهای مسلح خود شده و متحدانه بر علیه تجار و زور و کوشیهای فئودالها و مرتجعین منطقه مبارزه برداشتند. آنها زمینهای زمینداران بزرگ را بقیه آنها را اسلانی خویش مصادره کرده و مسرکها کشت نکردند، در سایر مناطق نظیر شمال، فارس، بلوچستان، آذربایجان و... شرموح مصادره زمینهای فئودالیها توسط دهقانان فقر و متوسط (و حتی در مواردی دهقانان مرفه) -

حرکت درآمد. بطوریکه سرکوبگریهای پراکنده عوامل رژیم جمهوری اسلامی و حمایتهاشان از زمینداران بزرگ، منو است حلوی خشم بیدار شده دهقانان را رجمده را بگیرد. دهقانان خواهان تقسیم زمینها بوده و بدین منظور خود را با اقدام مکررند و حتی شوراها و تشکلات خاص خود را نیز برای دفاع از حقوقشان تشکیل داده بودند. بدین ترتیب مسئله ارضی با ردیکسر بصورت مسئله ای مبرم و حاد جلوه گردید و رژیم جدید را در فکر "راه چاره ای" انداخت.

"راه حل" دولت با زرگان چیزی نبود جز افزایش شدت سرکوب دهقانان و اطمینان بخشیدن به فئودالها و زمینداران بزرگ مبنی بر اینکه رژیم در جدال بین کشاورز و زمیندار حامی زمین دار است. بدینال این سیاست است که خط راهای پشت سر هم دهقانان و زرگان انقلابی داده میشود و آنها را به "مجازا تهای شدید" تهدید می کنند:

روز ۵۸/۳/۲۵ وزارت کشاورزی طی اطلاعیه ای اعلام میکند که: "مجازا تهای شدید را انتظار متجاوزان به ارضی غیر... است."

نماینده وزیر کشاورزی اطلاعیه ای اعلام میکند که: "برداشت محصول زمینهای مصادره شده زرگان و گندمها زمینست." (آبندگان ۵۸/۳/۷)

استاندار فارس میگوید: "مجازا تین به ارضی کشاورزی فارس مجازا ت مشهورست."

(آبندگان ۵۸/۳/۲۴)  
باسخ دهقانان زمینکنند با این تهدیدها افزایش شدت مبارزه شان و گسترش آن بود. از اینرو در تاریخ سال ۵۸ م شاهد اوچگیری جنبشهای دهقانی (مصادره انقلابی زمینهای زمینداران بزرگ، تشکیل شورا های دهقانی و مقابله مسلحانه دهقانان در مقابل مزدوران زمینداران بزرگ و مصادره زمینها) میباشیم.

بعد از سقوط دولت با زرگان، شورای انقلاب نیز سیاست دفاع آشکارا را زایل کرد و ترکمن همچنان ادامه داد و حتی گامی فراتر نهاد و برای دهقانانی که اقدام به مصادره زمین کنند مجازا ت اعدام تعیین میکند. تا اینکه سرانجام تحت تاثیر جنبش دهقانی و بر طبق روند عمومی سیاست رژیم که همانا نظا هر دو دفاع از منافع "مستضعفین" و زمینهای فدا امیریا لیستی بود، قانونی تحت عنوان "اصلاحات ارضی" به تاریخ ۵۸/۱۲/۲۸ به تصویب رسید. در بررسی این لایحه، آنچه که قابل اهمیت را ای اهمیت است ما هست سیاست رژیم در اجرای آن میباشد. این "اصلاحات" بمنظور آن صورت مکرر (تا زه اکثر اجرا شود) که جنبش انقلابی دهقانان را به

اصحاف گشته و مشوق نماید. یعنی "اصلاحات" رژیم برای آن است که جلوی انقلاب توده ها را بکشد. درست همانگونه که رژیم شاه برای خواباندن جنبش دهقانی سالهای ۴۲-۴۹ اقدام به انحام "اصلاحات ارضی" امیریا لیستی نموده در صورتیکه خواست دهقانان کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ از تمامی عرصه های زندگی - بیانشان میباشد که تنها بوسیله تشکیل شورا های واقعی دهقانان و آنهم در ارتباط با انقلاب دمکراتیک - خدا میرا لیستی خلق و تحت رهبری طبقه کارگر، این امر امکان پذیر خواهد بود. بنا بر این هرگونه اقدامی (از جمله اصلاحات مذکور) که در مقابل انقلاب و برای متوقف نمودن آن صورت گیرد، اقدامی ارتجاعی بوده و اساساً به نفع دهقانان نخواهد بود.

حال با توجه به مسئله فوق که خود ما هست ارتجاعی لایحه ارضی رژیم را آشکارا میسازد، ما برای آنکه به ایادتها در رژیم ما منافع توده ها و از جمله دهقانان پی ببریم به بررسی این لایحه پرداخته و خواهیم دید که حتی نام "اصلاحات" نیز نمی توان بر آن نهاد!

بر طبق این قانون زمینهای باسیر، موات و دولتی (بسیار ت دیگر بیابانهای بی حاصل!) توسط هیئتهای ۷ نفری در میان دهقانان تقسیم میشوند و تنها در صورتیکه این زمینها کفاف کشاورزان را نکند، تحت شرایطی با راهای از زمینهای زمینداران بزرگ نیز تقسیم خواهد شد. که این قسمت طرحه همان بنده "ج" معروف است که با بانک سروصدا ای فراوانی بر سر آن بر اه انداخته اند. حال ببینیم معنای واقعی و عملی این طرح که نام "اصلاحات ارضی" گرفته است چیست؟

نخست آنکه بر طبق این طرح تنها بیابانهای بی حاصل (که از نظر مساحت کم نیستند) بیسین کشاورزان تقسیم میشود یعنی همان کاری که آیت الله منتظری در نماز جمعه ۵۹/۵/۲۴ در قم گفت: "زمین بیابان خدا را بین آنها بی ندادند تقسیم کنید!" دوم آنکه بفرض همین بیابان زمینهای بی حاصل و طبق بند "ج" زمینهای قابل کشتی هم بخواد میان دهقانان تقسیم شود، ببینیم که چه گمانی مسئول تقسیم زمین هستند؟ هیئتهای ۷ نفره که ترکیبشان از این قرار است: دو نفر نماینده وزارت کشاورزی یک نفر نماینده وزارت کشور است. انداری محل بکفر از جهاد سازندگی، یک نماینده دادگستری با "ادداگاه انقلاب" و دو نفر نماینده... به عبارت دیگر گرفتن آنکه "حکامان" در دهقانان واقعی دهقانان باشد.

کنا ووزان ۲ رای خواهند داشت در مقابل ۵ رای دولت که واضح است مدافع منافع چهکسانی است؟! بعلاوه بقرض دادن زمین به دهقانان محروم با کدام امکانات مالی و تکنیکی بکشت بپردازند؟ توده های دهقانی که به شکرانه "کمکهای" رژیم در فقر و سیاه روزی فرورفته اند مگر می توانند خود اقدام به کشت نما بکنند؟

با توجه به مطالب فوق، زمانی به عمق تضاد رژیم و مرتجعین حاکم با منافع توده های بیسی میبریم که مخالفتی "مراجعه تقلید" و سایر مقامات رژیم را از فردای تصویب طرح مذکور، با بند "ج" آن، مناسه می کنیم، اینان آنقدر مرتجعند که حتی از بیابان کوچکترین حرفی که شبهه "بی احترامی به مقام مالکیت مقدس را در اذهان ایجاد کند، وحشت دارند!

آیت الله منتظری در همان نماز جمعه میگوید "در هر کجا که زمین موات هست یا زمین مصادره شده هست ولو یک فرسخی ولو دو فرسخی حق ندارند زمینهای کشت مردم (؟) را تقسیم کنند."

آیت الله روحانی میگوید: "بگورنه اصلاحات ارضی برخلاف اسلامی است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد حرام است" (با مدار ۵۸/۱۲/۱۶)

آیت الله قمی در دفاع از مالکیت و رد تقسیم زمین میگوید: "از مسلمات فقه با ب مزارعه است و با ب مزارعه معنی اش اینست که یک کسی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست زمین را میدهد به دیگران که زراعت کنند و با آنها قرار داد میکنند... اینها همه اش را ما در مالها - بیابان نوشته ایم همه هم نوشته ایم نه بگنفرود"

نفر" (کیهان ۵۸/۱۲/۲۰)

همچنین آیت الله گلپایگانی در تاریخ ۵۹/۵/۴ و آیت الله محلاتی در تاریخ ۵۹/۸/۱۷ فتوای مبنی بر مخالفت با تصویب طرح مذکور و حرام دانستن مصادره زمین، مازاد بر کشت و نمونه های بسیار دیگر که بر طبق اصل "ولایت فقیه" تنها یکی از آنها برای جلوگیری از اجرای طرح کابست! (رجوع شود به پیکار شماره ۹۲)

سرانجام آیت الله خمینی فرمان توقف اجرای طرح را داده و هیئتی مرکب از منتظری، بهشتی و مشکینی را برای بررسی بیشتر و دقیقتر (؟) طرح ما مور رسیدگی میکند، آیت الله ربانی شیرازی نماینده ما موعوض شورا ی نگهبان طی اطلاعیه ای موضوع را اینچنین عنوان میکند: "ما مات و دنیا نگذا رجمه وری اسلامی با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور فرمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود." (انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۳۰)

بهشتی مغز متفکر حزب جمهوری مسئله را اینچنین عنوان میکند: "در شرایط کنونی نظر ما اینست که برای اجرای بند الف و بند ب (یعنی تقسیم زمینهای با بر موات و بی حاصل - پیکار) تلاش کامل شود (؟) و در مورد اجرای

بند "ج" هم نظرا بشان اینست که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروها بیابان را فلامت مرکز در بند الف و بند ب" را این طرح بکنیم." (جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۴)

علیرغم این واقعیات رژیم که انکار خود را بر عوا مغربیه و دروغ برداریها پیش بنا نهاده است، به سلیفات خود در مورد طرح "اصلاحات ارضی" مذکور و اقدامات باصلاح انقلابی هیئت - های ۷ نفره، ادا نموده، اما با دقت در گفته های مسئولین رژیم ما هیت عملکرد این هیئت های "انقلابی" که خوشترقی رویزیونیستهای خائن توده ای و ضد انقلابیونی چون "متی" ها را نیز برانگیخته است، آشکارا میشود:

قبل از هر چیز برای آنکه بمیزان وحشت رژیم از مصادره انقلابی زمینها توسط دهقانان پی ببریم، سخنان حاکم شرع ستاد واگذاری زمین را نقل میکنیم که میگوید: "یک سلسله تخلفاتی که صورت گرفته بیما نسبت میدهند و حتی زمینهای را که ملاکین و فئودالها از ترس کشاورزی گذاشته و فرار کرده بودند و کنا ووزان خودتهر آنها را تقسیم کرده بودند، اینها را نیز به حساب مسا گذاشته اند." (جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۱) با یاد به این آقایان اطمینان داد که نترسید! دیگر کسی نمانده که در انتظار خام نجام عملی انقلابی از سوی شما باشد! شما به همراه فئودالها و زمینداران بزرگ و سرما به داران در مصف مقابل زحمتکشان قرار دادید و دهقانان امروز بیش از پیش به این واقعیت پی میبرند.

اقدامات انقلابی آنها گواهی این امر است. از سوی دیگر نماینده ها دس زندگی در هیئت واگذاری زمین و وظیفه هیئتهای ۷ نفره را این چنین ترسیم میکند: "وظیفه این هیئت تنظیم قرار داد بین مالک و زارع میباشد." (همانجا) بدین ترتیب و لا علیرغم تمامی تبلیغات رژیم مبنی بر "مخالفتش با فئودالها، در اینجا رسماً وجود آنها بعنوان یک طرف قرار داد دانسته میشود. ثانیاً رژیم وظیفه برقراری صلح ما بین زمینداران و دهقانان را بعهده میگیرد! یعنی وظیفه آشتی دادن یک تضاد آشتی ناپذیر! روشن است که تحت حاکمیت سرما به این "صلح" بفسخ چهکسانی تمام خواهد شد.

و بالاخره در گزارش یکی از هیئتهای واگذاری زمین یکی از علل کاهش سطح تولید در سال گذشته "دلسردی و عدم اعتماد مالکین نسبت به آینده و در نتیجه عدم سرما به گذاری" ذکر شده است (کیهان ۵۹/۱۰/۱۳)

بدین ترتیب ما هیت عملکردهای "انقلابی" رژیم در رابطه با "حل" مسئله ارضی و دیدگاه نهفته در پس کلیه عوام مغربیهایش، بوضوح آشکار میشود. بررسی تمامی اعمال رژیم در این رابطه و رابطه آنها و تنها بیانگریک واقعیت است و آنها اینست که رژیم جمهوری اسلامی بنا بر این هیت ضد خلقیست که وظیفه پاسداری از سیستم سرما به داری وابسته را بعهده گرفته است، در رابطه با مسئله ارضی نیز جانب فئودالها، زمینداران

بزرگ و مکنندگان خون زحمتکشان را گرفته است. موضعی که در تضاد آشتی ناپذیر با منافع دهقانان زحمتکش ایران قرار دارد.

رژیم مصمم گشته است تا جنبش انقلابی دهقانان را در کنار سایر جنبشهای انقلابی توده ها، به انحراف کشتاده و سرکوب کند، اما اصلاحات انقلابی حاکم بر جامعه و رشد و گسترش روز افزون جنبش توده ها، حلیه های رژیم را بی اثر کرده و تضادهای درونیش را حادتر میسازد. از جمله در رابطه با مسئله دهقانان میبینیم که به رغم مخالفت رژیم با اجرای بند "ج" از طرح واگذاری زمین، اخیراً شمه های مخالفت با این تصمیم از گوشه و کنا رشنیده میشود. هر روز روزنامه های جیره خوار رژیم گزارشات مبنی بر ترغیب دولت برای عدم اجرای بند "ج" منتشر میکنند، اما آنچه برای دهقانان زحمتکش ایران مهم است توجه به این واقعیت میباشد که: اولاً ما هیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی به اواجازه انجام کوچکترین اقدام انقلابی را نمی دهد. ثانیاً سروصدا های اخیر جناحی از رژیم مبنی بر اجرای بند "ج" و عوام مغربیهای خائنین رویزیونیست و مدیحه سرا بان رژیم در اینباره، هدفی جز به انحراف کشیدن و سرکوب مبارزات انقلابی دهقانان ندانسته و ندارد. ثالثاً، بنا بر این بقرض اجرای بند "ج" از لایحه مذکور، تفسیری در ما هیت ارتجاعی این اصلاحات ارضی "رخ نمیدهد چرا که اجرای آن هدفی جز تلافی انرژی انقلابی دهقانان و سرانجام سرکوب آنها را دنبال نمیکند.

به افشای لایحه "واگذاری زمین" رژیم و ما هیت بنسند "ج" آن بپردازیم!

جنبش او جگیرنده و گسترده دهقانی را سازماندهی کنید!

**بقیه از صفحه ۲۰ رزمندگان...**

زیادی را در نشریات و ضما شم پیکار نوشته ایم. از اینرو در اینجابه بررسی آن انحرافات نمسی - بپردازیم، تنها خوانندگان را به خواندن آن مقالات رجوع میدهم تا خود در بیا بیند که تزلزلات عمیق رزمندگان در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم چگونه دمیدم افزوده میگشت و در جنگ اگر نزدیکی عراق به شوروی "چسب" خواننده میشود و بطور تلویحی با قرار دادن شوروی در کنار صف خلق، سیاست های مترقی شورای شوروی تصویر میگردد، این نه تنها استرس غافلگیرکننده و عجیب نبود، بلکه نتیجه محتوم همان تزلزلاتی بود که در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم منعکس میگشت و در نشریه رزمندگان ۳۳ به ما کلاماً شورش میگردید. بر خورد بیفایت را ستروانه و حمایت آمیزا زویتنام که در این شماره منعکس میگردد، نمی تواند به چنین برخوردی نسبت به شوروی منتج نشود و در اساس هر دو حکایت از تزلزلات عمیق رویزیونیستی دارد.

(ادامه دارد)

### ویتنام و تزه‌های رویزونیستی "لهدوان" (۲)

هما نظور که میدانیم معیار اساسی که کمونیست‌ها را از رویزونیست‌ها جدا می‌سازد همان مرزبندی با رویزونیسم و پورتونیسم است. امروز رویزونیسم در جنبش جهانی کارگری - کمونیستی خطر عمده را تشکیل داده و بدون مبارزه پیگیر و همه‌جانبه علیه آن مبارزه با بورژوازی حرفی بوج و بی معنی است. رویزونیست‌ها عا ملین بورژوازی در صفوف جنبش کارگری بوده و رسالت دارند تا از انقلاب پرولتاریائی و درهم‌شکستن ماشین دولتی سرمایه داری مانع بعمل آورند. بنا بر این کمونیست‌ها که برای انقلاب سوسیالیستی و تصرف قدرت توسط پرولتاریائی می‌جنگند نمی‌توانند علی‌رغم رویزونیست‌ها این خائنین به سوسیالیسم مبارزه نکنند. بخشی از این رویزونیست‌ها، مرتدان اروپائی بشمار می‌آیند. رویزونیست‌ها - های فرانسوی به سرکردگی ژرژ مازرگس، رویزونیست‌های ایتالیائی به سرکردگی برلینگوئور و رویزونیست‌های اسپانیائی به سرکردگی گاریلو... متحدان بورژوازی امپریالیستی بوده و پیوسته کوشیده‌اند تا با طرح راه - مسالمت آمیز و پاپی رمانتیک ریمس طبقه کارگر را در اسارت سرمایه نگه‌دارند. اینان پیوسته در مبارزات کارگران را با شعارها و سیاست‌های رویزونیستی و فرمیستی از مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت بازدارند. اینان مبارزات طبقه کارگر را نه برای رهایی کار، بلکه برای کسب امتیازات جزئی برای خود می‌خواهند. و پرواضح است تا زمانی که کارگران کشورهای سرمایه داری بیوغ این خیانتکاران مرتد را به دور اندازند به انقلاب و سوسیالیسم نخواهند رسید.

اما "لهدوان" رویزونیست به این امر چگونه برخورد میکند؟ او خائنه تمام است. حقایق را می‌پوشاند، او نه تنها در گزارش خود به کنگره چهارم (دسامبر ۱۹۷۶)، یک کلمه علیه رویزونیسم و پورتونیسم حرف نمی‌زند و نه تنها حتی یکبار در ضرورت مبارزه علیه خائنین به سوسیالیسم سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه برعکس رویزونیست‌های خائنان را بنده گسان راستین پرولتاریا معرفی میکند، او در برخورد با احزاب رویزونیست در کشورهای سرمایه داری می‌گوید: "در بعضی کشورها احزاب کمونیست که موقعیت پراهمیتی در زندگی سیاسی احزاب زگرده اند بیرونی‌های مهمی بدست آورده و پرچم استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآوردند، بر علیه سرمایه داری و انحطاط دولتی در داخل و خارج کشور متحد و متشکل شده



با پیروزیهای پی در پی بورژوازی انقلاب را نزدیک - تر می‌سازند.

هما نظور که میدانیم رویزونیست‌های اروپائی در تکرار به بورژوازی انحطاطی و به قیمت چند کرسی در پارلمان بورژوازی، انقلاب پرولتاریائی را فروخته و مدار مهرگوشه مبارزه انقلابی کارگران را خفه کرده‌اند. امروز این خائنین، مارکسیسم لنینیسم را بدور انداخته‌اند، رهبر رویزونیست‌های اسپانیائی و قیبا نه‌ها اعلام داشته که لنینیسم کهنه شده و رهبر رویزونیست‌های فرانسوی خائنه مازرگس ساخته که دیکتاتوری پرولتاریا مانع دیکتاتوری فاشیستی می‌باشد. حال این خیانتکاران از نظر "لهدوان" "رویزونیست" "پرچم سوسیالیسم" را به اهتزاز درآوردند؟ مگر سوسیالیسم بدون انقلاب پرولتاریائی ممکن است؟ مگر لنین کیبرتر کتاب "دولت و انقلاب" را ننوشت تا بگوید رمانتیک ریمس خائنه با سر پرولتاریاست و سوسیالیسم تنها به تکیه بر انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی ممکن است؟ پس چرا "لهدوان" این حقایق را می‌پوشاند؟ زیرا او نیز یک رویزونیست مرتد است. او صحبت از نزدیک تر شدن انقلاب برای پیروزیهای پی در پی رویزونیست‌ها میکند، واقعا با پدیدرسیدن کدام پیروزی؟ و انقلاب چگونه نزدیک تر شده است؟ سالیان سال رویزونیست‌ها بر جنبش کارگری اروپا سطرده دارند و سالیان سال این جنبش را در محدود افکار رفرمیستی و پارلمانتاریستی می‌آوردند. در هر دهه اندو سالیان سال این جنبش را در چرخه رچوب سندیکا‌های ارتجاعی به بند کشیده و مانع از آن شده‌اند تا این جنبش، مسلح به سازمان طبقاتی خود گردد و به جنبش بورژوازی برود. آری مگر همین رویزونیست‌های فرانسوی نبودند که جنبش مه ۱۹۶۸ را محکوم کردند و کوشیدند تا در آرزوهای امپریالیست‌های فرانسوی آرزوهای موش‌سازند؟ آری مگر همین رویزونیست‌های ایتالیائی و اسپانیائی نیستند که معتقدند کشورهایشان با پدیدرسیدن چوب پیمان امپریالیستی تا توانایی بمانند؟ آری واقعیت اینست که رویزونیست‌های اروپائی دشمنان طبقه کارگر اروپا بوده، از انقلاب پرولتاری و وحشت‌دانه و با تمام قوا با مبارزات انقلابی مقابل می‌نمایند. آری واقعیت اینست

است که رویزونیست‌های اروپائی نه پرچم سوسیالیسم بلکه پرچم سرمایه و پرچم نقیصه در دست دارند و "لهدوان" رویزونیست خود مبلغ رفرمیسم و پارلمانتاریسم بورژوازی است - کارگران اروپا می‌باشند، او خائنه را می‌پوشاند و بدین ترتیب فدیت خود را با انقلاب پرولتاریائی به نمایش می‌گذارد.

"لهدوان" در ادامه ترهات رویزونیستی‌اش می‌گوید: "امپریالیسم رهبری ایالات متحده از هیچ کوششی برای تدارک جنگ جهانی جدیدی فروگذار نکرده و به وسیله‌ای برای سرکوب جنبش - های انقلابی و پس گرفتن مواضع از دست رفته در هم‌کوبیدن جنبش‌های آزادیبخش ملی و جلوگیری از توسعه سوسیالیسم متوسل میشود." این واقعیتی است که امپریالیسم خونخوار آمریکا در راه اهداف توسعه طلبانه زهیچگونه جنایت و کشتار و سرکوب و زهیچگونه غارتگری و چپاول دریغ نمی‌ورزد، اما این امر بخشی از حقیقت است بخش دیگری از حقیقت اینست که سوسیالیسم امپریالیسم نیز در رأس قطب‌های آسیای دیگرمپریالیستی هیچ دست‌کمی از امپریالیسم آمریکا ندارد. مگر شوروی از طریق صدور سرمایه و مبادله با برابری خلق‌های جهان را استثمار و غارت نمی‌کند؟ مگر شوروی به افغانستان لشکرکشی نظامی امپریالیستی نکرد؟ مگر شوروی در پی تدارک جنگ نیست و یکی از مهم‌ترین سواکاران امپریالیستی اسلحه‌بشمار نمی‌آید؟ مگر شوروی با امپریالیسم آمریکا رقابت امپریالیستی نمی‌کند و به همین منظور امپریالیستی دست نمی‌زند؟ مگر شوروی خلق آریتره را سرکوب نمی‌کند و با کمک تسلیحاتی به رژیم‌های مرتجع در سرکوب جنبش‌های کارگری و آزادیبخش شرکت ندارد؟ آری شوروی نیز در صف دشمنان پرولتاریای بین‌المللی و خلق‌های جهان قرار دارد و "لهدوان" این حقیقت را می‌پوشاند و این امری طبیعی است چرا که، و در رأس حزب ویتنام در کنار سوسیالیسم امپریالیسم شوروی قرار دارد.

آری امروز در ویتنام که به قیمت شکنجه و کشتار میلیون‌ها زخم‌تکنش و کمونیست‌ها از اسارت امپریالیسم بمانگی رهایی پیدا کرد، رویزونیست‌ها کاملاً کشته‌اند، این حقیقتی است که همه کارگران با پدید آمدن خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم و مرجعین دلاوری‌ها و قهرمانی‌های بی‌شمار از خود نشان دادند. او نشان داد که چگونه خلقی مضموت تحت رهبری کمونیست‌ها می‌تواند بزرگترین ارتش‌های حنا پیتکا را امپریالیستی را درهم‌شکند و آزادی را به کف آورد، این خلق درس‌گراشیا نسی از مقاومت انقلابی به خلق‌های جهان داد، اما رویزونیست‌ها با سادار این همه دلاوری‌های قهرمانانه بلکه با بی‌توجهی به این همه دستاوردهای گرانقدر می‌باشند و امروز این رویزونیست‌ها هستند که کاملاً بی‌رویتنا می‌باشند. این حقیقتی است که همه کارگران با پدید آمدن

## تحریم اقتصادی چه تاثیری بر واردات ایران از کشورهای امپریالیستی داشت؟!

تا پیش از این، در حلقه‌های ایرانی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تحریم اقتصادی و رسم و اسبابه جلا داده شده داد اسلامی، تمام خویشی بدلل فقدان رهبری طبقه کارگر رسمی اصلاحی بوده‌ها و سازش بورژوازی، بیگانه و خود سوری را می‌رود سنی با امپریالیسم امپریالیستی فاضل حلقه‌های ایران منحرفند و از احاد سیاسی دولت سرمایه داری و استبداد طبقه کارگری شد، سراسر رژیم بعسریطام منحرفند و نتوانست هم سودر حاداناره شدرا شد رژیم برای این امر میباید بود، در نتیجه بحران اقتصادی حاکم بر جامعه همچنان ادامه یافت و طبیعی بود که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر تلاش در حفظ و تحکیم سرمایه داری و استبداد موجد شد تا فتن این بحرانها گردد. یکی از آثار جنس بحرانی و استبدادی بیشتر اقتصاد کشور به جهان امپریالیستی و از دنیا دو واردات و کاهش واردات بود که در زمان حاکمیت دوساله جمهوری اسلامی بوقوع پیوسته و فاصله واردات و صادرات عمرا شب بیشتر شده است. علیرغم ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی در حذف واردات "ژانده" شاه دنیا از روز افزون بازارهای داخلی به کشورهای امپریالیستی هستیم. پس از اشغال "سفارت آمریکا" و مطرح شدن "محاصره اقتصادی" از طرف امپریالیستهای غربی، رژیم جمهوری اسلامی بهای پیدا کرد که بحران اقتصادی حاکم را که تا پیش مستقیم برگرانی، حقیقی و تورم کمروشن میگذارد به این "محاصره" نسبت دهد و خود را از تیغ خشم نوده‌ها برهانند. اما واقعیت چیست؟ پس از کروکنا نگیری "جاسون آمریکا" و "اشغال سفارت"، امپریالیستهای غربی برای تشویه رژیم جمهوری اسلامی تصمیم به اعمال "تحریم اقتصادی" در مورد ایران گرفتند. این کشورها اعلام داشتند که بحزم مواد داروئی، غذایی و پزشکی از فروش دیگر کالاها به ایران خودداری خواهند کرد. بدنبال اعلام این "تحریم" با آگهی‌های گوناگونی در روزنامه‌های کشورهای گوناگونی، کمیته‌های مقیم دویبی، ابوظبی، کویت و... آمدگی خود را برای تهیه کالاهای مسورد نیاز "بازرگانان" ایرانی از کشورهای اروپایی غربی، آمریکا، کانادا و ژاپن اعلام می‌داشتند و جنبی نیز شد، بیشتر واردکنندگان اقدام به خرید کالا از طریق واسطه‌ها و دلانان مقیم شیخ نشینها... نمودند و تشویه تغییر که حاصل شد گرانی کالاها بود که بخاطر برگیری کالاها در شیخ نشینها و برداخت حق دلالتی تجار خارجی به خریداران ایرانی تحمیل میشد و جوهر آنرا هم منلیوسها مصرف کننده ایرانی میکشیدند. علاوه بر این خریدها، واردات مستقیم ایران از کشورهای امپریالیستی غربی نیز تشویه شد پس از این "تحریم اقتصادی" کاهش نیافت بلکه

افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز پیدا نمود. طبیعی جریخبرگزاری پارس (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن ۵۹) صادرات فرانسه به ایران را در ۱۱ ماه سال ۱۹۸۰ (از دیماه ۵۸ تا آذرماه ۵۹) که صدالینت معارن با تحریم اقتصادی گذاش است ۲۸۱۶ میلیون فرانک (حدود ۴۸۰ میلیون دلار) بود، در حالیکه در ۱۲ ماه سال ۷۹ برابر یا ۱۵۵۰ میلیون فرانک برآورد شده است. واردات ایران از انگلستان نیز در این مدت افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است و واردات ایران در سال ۱۹۸۰ از انگلستان برابر ۹۲۰ میلیون دلار (حدود ۶۵/۵ میلیارد دلار) بوده است که نسبت به سال قبل ۷۰ درصد افزایش نشان میدهد (میزان - ۲۷ بهمن ۵۹).

در مدت ذکر شده صادرات ایران به فرانسه نسبت به سال قبل از آن (۷۹) ۲۶ درصد کاهش داشته است. رژیم جمهوری اسلامی ادعا میکند که افزایش واردات از کشورهای غربی شامل محصولات بوده که "تحریم" نشده بودند اما مار چه میگوید؟ طبق نوشته "جمهوری اسلامی (۵۹/۱۱/۱۶) صادرات مواد غذایی و کشاورزی و... فرانسه به ایران در سال ۱۹۸۰ (۵۸ - ۵۹) نسبت به سال قبل (۷۹) ۲۲ درصد افزایش داشته است. اما مقایسه آثار کل صادرات فرانسه به ایران در این دو سال نشان میدهد که کل صادرات فرانسه به ایران در این مدت دوبرابر شده است یعنی به زبان دیگر در مقابل ۲۳ درصد افزایش صادرات کالاهای "تحریم" نشده فرانسه به ایران، کل صادرات فرانسه به ایران ۱۰۰ درصد صادراتی پیدا کرده است!

ارقام ذکر شده در بالا دروغ بزرگ رژیم جمهوری اسلامی را در مورد "واقعیت" و "چگونگی تحریم اقتصادی" ادعائی نشان میدهد. مادر شماره - های گذشته پیکار با ارائه مدرک و اسناد نشان داده ایم که جمهوری اسلامی بویژه پس از شروع جنگ ارتجاعی کنونی مبادرت به خرید تسلیحات از کشورهای امپریالیستی غربی نموده است و نیز در مقالات متعدد نشان داده ایم که در یکسال گذشته (پس از اشغال سفارت) رژیم جمهوری اسلامی مبالغ هنگفتی اسلحه و فرانس، هلند، آلمان غربی و آمریکا خریداری کرده است. آثار ترخیص کالاها در کمراکات بنا در جنوب (که کالاهای کشورهای امپریالیستی غربی را شامل میشود) نسبت به سال گذشته نشان دهنده دوبرابر شدن میزان کالاهای وارداتی از بلاد فوق الذکر میباشد چنانکه اشاره شد، بحران اقتصادی زائیده سرمایه داری است و بویژه در کشورهای سرمایه داری و استبداد این بحران بمراتب بیشتر است و یکی از عواملش این بحران وابستگی بیشتر به اقتصاد امپریالیستی و افزایش

### نیمه اربعه ۱۴ اطلاعیه

سال فعالیت در کمیته علمی الفتح، جندی قبل با نظر موافق سفارت فلسطین در ایران، در صدد رفتن به خاور میانه و تماس با کمیته علمی وابسته فتح در بیروت مشغول خواهد بود. خروج از طرف ادا رهگذرنا مه ایران نیز به اعتبار نامه رسمی سفارت فلسطین به امضاء شخص هانسی... الحس برای وی صادر گردید که گویا به هنگام رفتن به سفارت سوریه در تهران جهت اخذ ویزا توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و بازداشت شده است. تا آنجا که مربوط به سازمان میسود با بدیگوئی که رفیق فاضل بعد از مصاحبه بعنوان عضولکه بعنوان یک سمیات در کناره ریزه کشی علمی اش در ارتباط حاشیه‌ای با سازمان بوده و معرفی او بعنوان یک کاراملی سازمان دروغ توطئه آمیزی پیش نیست. به این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی فقط می‌تواند سازمان ما و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل را بجرم آنها مبارزه علیه امپریالیستها، صهیونیستها، سرمایه داران و بجرم مخالفت با ارتجاع جمهوری اسلامی متهم نماید. دروغهای و قیحا نه‌ای نظیر "پیکار آمریکا" و "ویا" همکار با آمریکا فقط پوششی برای پوئاشیدن چهره پلید سردمداران حکومت ولوت نمودن چهره درخشان کمونیستهای است که هم اکنون مبارزه با امپریالیسم را از مبارزه با حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی جدا نمی‌دانند. آنها برای پوئاشیدن چهره خویش تا چاره ملوت نمودن چهره کمونیستها هستند و این شیوه همه مرتجعین تاریخ بوده است.

**در پایان ما به کارگران و زحمتکشان ایران به همه کمونیستها و انقلابیون نسبت به جاسان رفیق محسن فاضل هشدار میدهم. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه مقابله چویش با کارگران و زحمتکشان و در ادامه سرکوب و فشار علیه آنان از آنجا که بتدریج زوال اجتناب ناپذیر و تاریخی اش اورا نگران نموده است. بیش از پیش به شکل قیحا نه‌تر و وحشیانه‌تری به سرکوب کمونیستها، ترور مخالفین و تبلیغات زهر آگین علیه آنها دست زده و خواهد زد. ما از کارگران و زحمتکشان ایران آرزو می‌کنیم که از همه توده‌های آگاه و روزمنده ایران و از کلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی می‌خواهیم که در مقابل توطئه‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی به اقتضای آن پرداخته و از شرافت انقلابی مبارزین نظیر رفیق محسن فاضل مجدداً دفاع نمایند. تا بود با توطئه‌های نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی زنده با دمقاومت دلاورانه کارگران و زحمتکشان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم برقرار باشد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۱۲/۷**

واردات کالا از کشورهای امپریالیستی است و جمهوری اسلامی نیز نمیتوانست (و نمیتواند) از این قاعده عمومی مستثنی باشد.



## یاد رفیق کبیر استالین را گرامی بداریم!



استالین را دشمن خود میدانند. همه این مرتجعین میکوشند تا نام رفیق استالین را با توطئه سکوت و پاک‌کنش‌ترین اتهامات ضد انقلابی بفراموشی سپارند. اما آیا میتوان مهر استالین که یکی از رهبران کبیر پرولتاریا و خلقهای جهان است را از قلبهای کارگران و زحمتکشان سراسر کیتی پاک کرد؟ نه، هرگز! مارکسیست لنینیستها که وفادار به انقلاب و سوسیالیسم میباشند همیشه خاطر رفیق استالین را گرامی داشته و پرچم سرخ او را همچنان در اهتزاز نگاه خواهند داشت. ما در سالروز گذشت رفیق استالین یک نوشته ارزنده و راه به طبقه کارگران تقدیم مینماییم:

در مارس ۱۹۵۳ رفیق کبیر ژوزف استالین درگذشت و با مرگ خود جهان زحمت و کار را در اندوه بزرگی فرو برد. رفیق استالین بعد از مرگ لنین بزرگ بمدت ۳۰ سال در رأس حزب بلشویک و کشور شوروی سوسیالیستی قرار داشت. و در طی این دوران در هدایت ساختمان سوسیالیسم نقش برجسته ای بعهده داشت. او با اتکا به لنینیسم ساختمان سوسیالیسم در یک کشور بزرگ را در پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی هدایت کرده و طی مبارزات سرسختانه ای خط مشی های ضد انقلابی و تسلیم طلبانه تر و تسکمی و بوخارین را درهم شکسته و نشان داد که لنینیسم یگانه خط مشی پرولتری در راه ساختمان سوسیالیسم بشمار می آید. در جنگ جهانی دوم رفیق استالین در هدایت مبارزات ضد فاشیستی سراسر کیتی و در شکست فاشیسم هیتلری نقش ارزنده ای ایفا نمود و نشان داد که امپریالیسم و فاشیسم در هم شکستن سوسیالیسم نمیباشند. استالین در رأس حزب بلشویک و فادار به انترناسیونالیسم پرولتری بود و با حمایت و پشتیبانی از پرولتاریای بین المللی و خلقهای رزمنده جهان نشان داد که پرچم را انقلاب و سوسیالیسم است.

آری نام رفیق استالین با تاریخ پیروزی های سوسیالیسم و شکست بورژوازی عجین است. نام رفیق استالین با تاریخ مبارزه طبقاتی پرولتاریا و انقلاب پرولتری گره خورده است. استالین مظهر ساختمان سوسیالیسم شکست سرما به داری و فاشیسم است و به همین خاطر است که تمامی مرتجعین جهان کینه توزانه به او حمله میکنند. همه امپریالیستها، همه سرمایه داران، همه دولتهای ارتجاعی، همه رویزیونیستها، همه تر و تسکینتها... بدرستی

## ★ به همه کارگران!

طوفان انقلاب می غرد! خلق های انقلابی روسیه مضموم استوار برای برانداختن دولت تزاری بیباخته اند! پرچم های سرخ در اهتزاز، سنگرها بنا شده اند، طوفان توده های مسلح، موسسات دولتی را یکی پس از دیگری منهدم می کنند، فریادهای دلاورانها ز همه جا شنیده می شود، امواج فروکش شده دوران رکود! بنگ پر جوش و خروش میشود، کشتی انقلاب تحت رهبری پرولتاریای روسیه با سرعت هر چه بیشتری دریای آزادی را می بیند.

پرولتاریای روسیه خواستار چیست؟ و به کجا میرود؟

انهدام دوما ی تزاری و برقراری مجلس موسسان - این است خواست پرولتاریا در حال حاضر. پرولتاریا خواهد آن گرفتار امتیازات جزئی از دولت نیست، و خواهان انقائ "حکومت نظامی" و "شکنجه" در بعضی دهات و شهرها نیست. پرولتاریا در برابر این چنین خواستهای جزئی

دولت تزاری مجلس موسسان همگانی را نخواهد پذیرفت، دولت تزاری به خود کاکمگی خود بیایان نخواهد داد. او این چنین اقدام خواهد داد! "قانون اساسی" ناقص و دم بربیده "قابل قبول" و یک تسلیم موقتی است و جزئی جز وعده ریاکارانه تزاریسم نمی باشد! ما بدون شک از هر گونه عقب نشینی تزاریسم و موقعیت مسا عد در تحقق امر سرنگونی تزاریسم استفاده خواهیم کرد. اما این حقیقت واضح و آشکار است که توده های نمی توانند به وعده های تزاریسم اطمینان داشته باشند. تکیه گاه قابل اعتماد آنها فقط خودشان میباشد. آنها باستی فقط به قدرت و توانائی خود متکی باشند، آزادی خلقها توسط خود آنها حاصل و فراهم میگردد. بنای آزادی فقط بوسیله دستانت قدرت مند خلقهای تحت ستم برپا میشود، حاصلخیزی زمین حکومت خلقها، فقط با خون سرخ ستمدیدهگان میسر است! فقط آن زمان که توده های مسلح تحت رهبری پرولتاریا متشکل شوند و پرچم قیام عمومی را به اهتزاز آورند، نمی توانند دولت تزاری متکی به سرنیزه را واژگون کنند. نه عبارات تو خالی و بی معنا، نه تزیین محتوای "خودمسلح سازی"، بلکه تسلیح واقعی و حقیقی و قیام مسلحانه! و این همان تلاش و پیشروی کنونی پرولتاریای سراسر روسیه می باشد.

این قیام پیروزمندانه است که دولت را مغلوب خواهد کرد. اما دولت های شکست خورده و مغلوب شده اغلب دوباره برخاسته اند و ممکن است در مملکت ما نیز چنین شود. فردای پس از قیام، نیروها و عوامل ارتجاعی که هنگام وقوع قیام درکنجی لمبیده بودند از زوگورهای خود سرورون خزیده و کوشش خواهند کرد که دولت را مجدداً بر روی کار آورند. این چنین است که دول مغلوب دوباره بیبا میخیزند. توده ها البته باستی از اقدامات این عوامل و سروهای سنا خلوگری بعمل آورند. و آنها را منهدم سازند! اما برای انجام این امر، توده های مسلح پیروزی از قیام باستی از بیروخوان متشکل در ارتش انقلابی بایشتیانی کامل از انقلاب با استفاده از قهر و اقدامات عوامل مزدور و ارتجاعی جلوگیری بعمل آورند.

فقط آن زمان که توده های پیروز در ارتش انقلابی متشکل شدند قادر خواهند بود که آنها را منهدم سازند و عوامل سنا و مخمکانه آنها را ببردانند. فقط ارتش انقلابی است که اقدامات حکومت موقت سر و میدهد، فقط حکومت موقت است که میتواند مجلس موسسان عمومی که باستی جمهوری دموکراتیک را برقرار سازد

سرفروند نخواهد آورد، تن در نخواهد داد و تحکیم نخواهد کرد. آنان که خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت میباشند معتقد به نابودی و سرنگونی دولت نیستند. اما پرولتاریا با این اعتقاد اطمینان کامل را دارد. آنان که در انتظار "مراحل" دولت نشسته اند به توانایی و عظمت نیروی انقلاب بی اعتمادند. اما پرولتاریا درک کامل اعتقاد اطمینان به توانایی عظمت خود و عظمت انقلاب به پس میبرد. نه! پرولتاریا هرگز انرژی و نیروی انقلابی خود را صرف این چنین خواستهای جزئی و پراکنده نخواهد کرد. و فقط یک خواست به حکومت مطلقه عرضه میکند: مرگ او! سرنگونی او! بنا بر این برپهنه وسیع آسمان روسیه فریادهای بی باکانه و جسورانه پرولتاریا هر دم سنگین تر میشود: "مرگ بردوما ی دولتی"، "درود بر مجلس موسسان همگانی" این است تلاش و کوشش و هدف کنونی پرولتاریای روسیه.

احضار نماید. ارتش انقلابی و حکومت انقلابی موقت - تلاش کنونی پرولتاریا در جهت تحقق آرمانهایش میباشد.

این راهی است که انقلاب روسیه انتخاب کرده است. این مسیری است که پیروزی خلق را هدایت میکند و پرولتاریا خواهان آن است که کلیه نیروهای خلقی در این راه گام بردارند.

حکومت مطلقه تزاری سعی در مسدود کردن مسیر انقلاب توده ها دارد، او با کمک بیانیه ای که دیروز منتشر شد و درخواست بازداشتن این جنس عظیم را دارد. امواج دریای برجوش و خروش انقلاب سروشنی دولت تزاری را منهدم کرده و آنرا به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد...

آنان که از مسیر پرولتاریا میگریزند - تنفر و حقارت بر آنان باد! آنان که در کمال پستی و ذلالت و خواری به انقلاب خیانت می کنند شرم بر آنان که در چنین مسیری ره می گیرند! در حقیقت آنها با پستی تمام از حقیقت میترسند!

ما از حقیقت و انقلاب ترسی نداریم! بگذارید در انقلاب هر چه شدید تر بفرود! بگذارید طوفان انقلاب خشمگینانه طرفیان کند! ساعت پیروزی نزدیک است!

و سپس شعارهای پرولتاریای روسیه را با هوارت بیشتری اعلام کنیم:

مرگ بردوهای دولتی!  
پیروزی با قیام مسلحانه!  
پیروزی با ارتش انقلابی!  
پیروزی با حکومت انقلابی موقت!  
پیروزی با مجلس موسسان همگانی!  
برقرار با جمهوری دموکراتیک!  
پیروز با دپرولتاریا!  
(استالین - کلیات آثاری - جلد یکم)

بقیه از صفحه ۱۵ لایحه...

قلعدها را میگیرند. و آنجا که بای پاسداران بمیان کشیده میشود، اینچنین آنها را تیرنه مینماید: "سلحه کشیدن یک پاسدار به روی مردم یا توجه به شناختی که از پاسداران داریم چه چیزی را نشان میدهد؟ جزیک اشتباه و خطا؟! او بدین ترتیب با تطهیر عمالین کشتار سرسپردگی خود سهم بودنش در این جنایت را اثبات میکند.

مردم مبارز کاخت و کتاباد!

این واقعیتی که ریگرا هیت فدمردمی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهایش را به نمایش گذارد، و نشان داد که در میان جناحها و دسته بندیهای رژیم خوب وجود ندارد، همگی خواهان سرکوب مردم و انقلابیون هستند بنا بر این از این پس باید هر چه آگاهانه تر و

متحدتر مبارزات خود را پیش ببرند. در این راه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست های راستین دوشادوش شما حرکت خواهند کرد کمونیستها از برجستها و زمینهای که مرتجعین بدانان میزنند با کی نداشتند و در راه منافع کارگران و زحمتگان از شما راجان خود نیز دریغ نمی ورزند. اما آنچه را که نباید از نظر دور داشت اقدامات دوستان دروغین مردم میباشد. اینها که از وابستگی و حامیان بیرونی فرصت طلبی و جنایتکارانه میباشند، بهنگام اعمال فدمردمی رژیم کنونی، خود را مدافع مردم میزنند، اما در حقیقت آنان مدافع رژیم حاکم می باشند.

با تمام قوا به افشای اعمال ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بپردازیم! مبارزات خود را تنها با اتکا به خود و کمونیستهای راستین به پیش ببریم!

بقیه از صفحه ۶ ضوابط...

کوبگران اموال چند منزل را غارت کردند و مردم را جمع کرده و از آنها خواستار تحویل اسلحه شدند. ولی با مفا و مست روستائیان مواجه شده و ۸ نفر از آنها را دستگیر و با خود بردند طی این مدت دودسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) که در منطقه بودند طرف نیروهای دشمن حرکت کرده و در سرپرستون به کمین نشسته بودند. در ساعت ۱۲ ظهر هنگامیکه ستون بسسرای ادامه اعمال جنایتکارانه اش عازم روستاهای مجاور بود، به کمین پیشمرگان کومه له افتاد و زیر آتش سلاحهای سبک و سنگین آنها قرار گرفت دشمن که پس از ورود بدون درگیری خود بروستی "گه رجو" منتظر رجنین حمله برق آسا و کوبنده ای را نداشت، سر اسیمه و وحشت زده نیروهایش پراکنده شد و از پیشروی بازمانده و مجبور به عقب نشینی گردید. درگیری دوساعت ادامه داشت و طی آن تلفات زیادی به ارتشیان و جانشینان و پاسداران وارد آمد. مدت طول مدت درگیری روستائیان رزمنده و زحمتکش فعالانه در سنگرها به پیشمرگان کمک می رسانند. در جریان عقب نشینی ستون یک زبیل و یک جیب دشمن بدهر سقوط کرد که در نتیجه آن عده ای کشته و زخمی شدند. از مجموع تلفات دشمن در این نبرد اطلاع دقیقی در دست نداریم. پیشمرگان بدون هیچ گونه آسیبی به پایگاههای خود بازگشتند (خبرنامه ۱۱۲ کومه له)

**توطئه تنگین ترور رفیق مسئول کومه له در آشنویه را محکوم می کنیم**

خائنین به خلق و مزدوران امپریالیسم و ارتجاع که از او جبری جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد و پیوند هر چه بیشتر انقلابیون کردستان با خلق کرده و وحشت افتاده اند، برای تامین منافع ارتجاعی خود و ضربه زدن بر جنبش انقلابی خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. آنها دشمنی خود با نیروهای انقلابی در کردستان را به اشکال مختلف عیان میکنند که از نمونه های اخیر آن، توطئه خائنه ترور رفیق مسئول کومه له در آشنویه بود که توسط این مزدوران ترسیده داده شده بود.

روز ۱۶ بهمن مزدوری با سروری بسته ، رفیق مسئول کومه له در آشنویه را از فاصله چند متری به رگبار مسلسل میبندد اما خوشبختانه این توطئه ضد خلقی و خائنه عملی نشده، رفیق مسئول کومه له با اما بت یک گلوله زخمی میگردد و مزدور تروریست با بفرار می گذارد.

بقیه از صفحه ۱۰ کمو نیستها...

رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق (اقلیت) و رفقای فداسیون کارگران و دانشجویان ترکیه نیز قراشت شد. این برنامهموفق ۵ ساعت بطول انجامید.

**بزرگداشت سالگرد قیام بهمن در قم**

بهمن سبت بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ رفقای هوادار سازمان در قم با فعالیتها ی مستقل و نیز در همکاری با رفقای هوادار سازمان "رزمندگان" با انتشار تراکت و پخش نشریه و... به ما خونین انقلاب را بمیان توده های زحمتکش برده و با تبلیغ لزوم رهبری طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک و... دستاوردهای قیام را گرامی داشتند.

ضمیمه تئوریک - سیاسی (۲) منتشر شد

**پیکار**

**مارکسیسم - لنینیسم و دیدگاه اپوز تونیستی**

**"تشیقات دوران گذار"**

مجموعه ۱۱۲ کومه له

این گونه توطئه های مذبحخانه که زاناسب محافل ضد انقلابی طرح و برنامهریزی میشود، جز در خدمت حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و مزدوران امپریالیسم و سرکوب جنبش خلق قهرمان کرد نمی تواند باشد. ما ضمن محکوم کردن توطئه جنایتکارانه ترور رفیق مسئول کومه له در آشنویه، در مورد توطئه های تنگین و جنایتکارانه محافل مزدور و ضد انقلابی در جهت بشکست کشاندن جنبش خلق کرد برای تامین منافع کثیف خودشان، به کمونیستها و نیروهای انقلابی و خلق قهرمان کرد هشدار می دهیم!

# ۱۷ اسفند روز بین المللی زنان گارگرو زحمتکش گرامی باد!

"هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نرسد." (لنین)

ستم و گناه نه بر زنان زحمتکش یکبار بخاطر زحمتکش بودن آنان و بار دیگر بخاطر طرز زندگی بودن آنهاست. در جمهوری اسلامی نیز مانند همه جوامع سرمایه داری نه تنها زنان زحمتکش همبای مردان زحمتکش سرکوب و استثمار میشوند، بلکه شخصیت انسانی زنان نیز دستخوش تحقیر قوانین قرون وسطایی است.

علیه امپریالیسم و سرمایه داری است که نمیتوانند به همه ستمهای جامعه سرمایه داری نسبت به همه زحمتکشان و نیز زنان باستان بخشند. تنها در جامعه سوسیالیستی است که تنها دیگران زستم و استثمار رخصی نیست، بلکه زنان و مردان زحمتکش از حقوق مساوی برخوردارند. اگر در جامعه سرمایه داری زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند اگر در سرمایه داری نقش زنان تا سرحد رضاء امیال حسی با شین آورده میشود... در سوسیالیسم زنان بدون ایجادمانعی در ساختمان

## سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



در ۱۷ اسفند ۷۳ سال پیش (۱۹۵۸ میلادی)، زنان کارگر ناسیج آمریکا برای بدست آوردن حقوق سیاسی برابر با مردان، دریافت مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، بدست آوردن امتیازاتی اقتصادی و عمدتاً سیاسی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات توسط پلیس سرکوبگر سرمایه داری آمریکا بخون کشیده شد و زنان کارگر بسیاری در خون خود غلطیدند. بین المللس دوم کارگران (سازمان جهانی جنبش کمونیست آن زمان) چندی بعد، این روز را به عنوان روز همبستگی زنان کارگر جهان اعلام کرد. زنان کارگر و زحمتکش و تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نیز خاتمه مبارزات قهرمانانه زنان کارگر آمریکا بر علیه سرمایه داری را در این روز در شرایطی گرامی میدارند که خود در جمهوری اسلامی شدیداً زیر فشار ستم و گناه قرار دارند و یکطرفه بخاطر زحمتکش بودن، استثمار و غارت میشوند و شیره جانیشان در کارخانهها و مزارع و کارگاهها توسط سرمایه داری و همه مفتخسوران مکیده میشود و در مبارزه خود مانند مردان زحمتکش سرکوب میگردد از طرف دیگر ستم دیگر نیز بخاطر بودن بر آنها روا داشته میشود.

رژیم جمهوری اسلامی شخصیت انسانی زنان را تحقیر کرده و عملاً نصف ارزش مردان را برای وی قائل است. زن نیمی از ارزش را در مقایسه با مردان نمیرد. حق قضاوت را ندارد. حق انتخاب شغل به شیوه های گوناگون از او سلب میگردد. مزد زنان زحمتکش در مقابل کار مساوی با مردان از مردان زحمتکش کمتر است و سرمایه داران با استثمار زنان، پول بیشتری به جیب میزنند. حق طلاق با مردان است و زنان از حقوق مساوی در ارتباط با مسائل خانوادگی، ادا و فرزند و... برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی بعنوان یک دولت سرمایه داری با وقاحت تمام ارزش انسانی زنان را که مانند مردان در تولید اجتماعی شرکت دارند - سلب و در مبارزات انقلابی جان میبازند، نفی کرده و بطرز شرم آور آنها را تا سرحد انسانی برای بر آوردن "تیا جنسی" پاشین میاورد. در جمهوری اسلامی نه تنها یک مردمیتوانند با چندین ازدواج کنند بلکه با برسمیت شناختن "صیغه" در واقع فحشا رسمی را دادند - میزبند و به شخصیت زنان توهین میکنند. اکثرین در بسیاری از کارخانجات و ادارات

زنان بخاطر بودن، استخدام نمیشوند و تعداد زیادی نیز بیکار شده و یا در خطر بیکاری قرار دارند. جمهوری اسلامی میکوشد تا زنان را مانند قرون وسطی در خانه ها محبوس کرده مانع شرکت فعال آنها در زندگی تولیدی و اجتماعی گردد. کارهای سنگین، شب کاری و... با کمترین دستمزد به عهده زنان کارگر گذاشته میشود. زنان زحمتکش ایران با بیبای مردان در مبارزه خونتین بر علیه شاه خائن شرکت داشتند و مدها شهید در ۱۷ شهریور و... از خود بجای گذاشتند. زنان انقلابی دلاوری که در زمان شاه شکنجه و تیرباران میشدند

اینک نیز بیبای مردان به مبارزات خود ادامه میدهند. زنان کارگر، زنان کرد، ترکمن و... دوش بدوش مردان برای نابودی سرمایه داری و بسته میروند. علاوه بر شرکت فعالانه در مبارزات خونین با امپریالیسم و رجاع، زنان زحمتکش ایران برای بدست آوردن حقوق عادلانه برابر با مردان نیز به مبارزه خود ادامه میدهند و بر علیه تمامی ستمهایی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده است، با خواسته اند. اما زنان زحمتکش ما با یقینند که تنها با نیروی دلاوری آنها هم دوش مردان زحمتکش بر

جامعه ای آزاد و در حرکت بسوی جامعه ای بدون طبقه همبای مردان شرکت دارند. زنان زحمتکش ایران برای رسیدن به چنین جامعه ای بایستی به نبرد خویش ابتدا برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق، بعنوان بلکایی برای تحقق سوسیالیسم تا پیروزی نهائی هم - دوش با مردان زحمتکش ادامه دهند.

"در جامعه ای که به زنان ستم روا داشته میشود، آزادی برای زحمتکشان وجود ندارد!" "آزادی زنان تنها با آزادی همه کارگران و زحمتکشان از قید و بند سرمایه امکان پذیر است!" "تنها جامعه بی طبقه میتواند به ستمکاری نسبت به زنان خاتمه دهد!"

بقیه از صفحه ۳۲ **لیبرالها...**

بورژوازی قرار دهند.

در شرایط حاضر لیبرالهای فربیکا رنگران اوضاع هستند. کدما اوضاع؟ اوضاعی که حزب جمهوری با سیاستهای آشکارا ارتجاعی و عقب مانده خود، نتوان از اداره سرمایه داری وابسته و جلوگیری از رشد جنبش است. کمونیستها و انقلابیون صدیق از رشد انقلاب استقبال میکنند اما مرتجعین و از آنجمله لیبرالها از رشد انقلاب میهراسند. تاریخ مبارزه طبقاتی دوره اخیر ایران شاهدین معادست. کارگران ما هرگز فراموش نکرده اند که در دوره آخر حیات ننگین رژیم شاه مزدور لیبرالها با نامه نگاری برای "علیحضرت" شان شاه را از خطر انقلاب آگاه میساختند و با میگفتند دیکتاتوری را تخفیف بده تا ما هم شریک قدرت شویم و با کمک همدیگر جنبش انقلابی توده ها را متوقف سازیم. آری هیچکس این تاریخ زنده را فراموش نمیکند! و امروز ما می بینیم که همان داستان تکرار میشود. امروز نیز لیبرالها به حزبیها میگویند "انحصار طلبی" را کنار بگذارید تا متحدان انقلاب را سرکوب کنیم. سخا بی خاشن میگوید ما در پی سقوط دولت نیستیم چرا که این امر "هرگز با روحیه وطن تفکر ما انطباق ندارد. ما در این دیدار و قدر و مقدر جز حق گوسی و حق خواهی و روشنگری و چاره اندیشی نسبت به وضع آشفته خطرناک موجود وطن نظری نداریم." سخا بیی در واقع میگوید ما حق لیبرالها را میخواهیم تا با چاره اندیشی متحدانه، خطر انقلاب را دفع نمائیم. این است کینه صحبت این لیبرال خاش!

**لیبرالهای خاش سهم بیشتری از حزبیهای خاشن می طلبند**

لیبرالها که امروز در دستگاه دولتی در موضع مسلط قرار دارند از حزبیها "حق" خود را می خواهند. لیبرالها بر آنند که در برپا کردن حکومت جمهوری اسلامی که محصول سازش خاشنین به خلق با امپریالیسم است، نقش قاطعی داشته اند. لیکن امروز از سهم لازم خود در قدرت سیاسی برخوردار نیستند. با زرگان این خبا ننگار کهنه - کار میگوید: "ما ضمن آنکه مخالف و معترض نسبت به خیلی خرابیها و خطاها و خلفاها (ی حزبیها) هستیم و آنها را نقاط ضعف و زیان و بلکه ننگ... میدانیم ولی در اصل و اساس با انقلاب (منظور سازش است) و نظام میکه خود در اینجا دو استقرار آن شریک بوده ایم مخالف و دشمن نیستیم... آری با زرگان ما با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم با استمگری علیه خلق مخالف نیستند. چرا که هستی لیبرالها (همانگونه که حزبیها) در گسرو وجود همین سیستم سرمایه داری قرار دارد. بازرگانها جز طبقه بورژوازی بوده و بورژوازی نمیتواند با سرمایه داری وابسته و رژیم مدافع آن مخالف و دشمن باشد. آری با زرگان میگویند ما طرفدار

قانون اساسی ارتجاعی موجود هستیم و تضعیف و تردید در آن واژگون کننده اساس نظام است. و چرا که لیبرالها همانند حزبیها طرفدار این قانون اساسی نباشند. قانونی که مالکیت سرمایه داری را برسمیت می شناسند، قانونی که استعمار کارگران را حق سرمایه دار میداند، قانونی که هیچگونه اعتراضی علیه حضور امپریالیستها و سرمایه های چپا و لگرتان ندارد، قانونی که جز فقر و ستم و استعمار بر سر کارگران و سایر توده ها حق دیگری قائل نیست. آری با زرگانها مدافع و پادار همین قانون اساسی و سرمایه داری هستند. پس اختلاف در کجاست؟ لیبرالها مخالف "انحصار طلبی" حزبیها می باشند. چرا که این انحصار طلبی، لیبرالها را در اعمال سیاست خود محدود میسازد. لیبرالها می گویند باید آزادی برای همه بورژوازی فراهم باشد. لیبرالها میگویند نباید "انحصار طلبی" تک حزبی داشته باشد. لیبرالها میگویند باید "انحصار طلبی" سرمایه دار را اعمال کرده. یزیدی این دلالت سازش با امپریالیسم میگوید: "اشکال اساسی در... اختلاف دینیش و نگرش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به جا معنی با زوآزاد بر اساس موازین اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد. بینش دیگر معتقد به اداره کشور بر اساس حکومت تک حزبی است. یزیدی ادامه میدهد: "دولت سمبل و آلت فعل یک جریان سیاسی حاکم است تا آن تفکر سیاسی انحصار طلبی که تغییر پیدا نکند و تا آن جریان اصلاح نشود، دولت مطرح نیست. این دولت مجری نظرات و گرایشات همان جریان سیاسی است که معتقد به حکومت حزب واحد است." یزیدی به حزبیها میگوید باید بینش انتخاب کرد که "به جا معنی با زوآزاد" معتقد است. یعنی جا معنی که در آن همه بخشهای بورژوازی بتوانند در ماشین دولتی سهم مساوی داشته باشند یعنی جا معنی که در آن لیبرالهای خاشن در کنار حزبیهای خاشن در "اداره کشور" به یک میزان سهمیه باشند. یزیدی همانند همه لیبرالها آزادی برای کارگران و سایر توده ها نمیخواهد. اینان آزادی برای بخشی از بورژوازی میخواهند. اینان میگویند چرا دیوتولویزیون فقط در خدمت حزبیها باشد؟ چرا نمایندگان لیبرال در نطق قبل از دستور مجلس نباید از حقوقی برابر حقوق حزبیها برخوردار باشند؟ چرا در نماز جمعیه فقط حزبیها باید حرف بزنند و نه لیبرالها؟ چرا دولت رجائی وزیران خود را از میان لیبرالها انتخاب نمیکند؟ چرا در پیشبرد مورقفا سیاسی لیبرالها را با زی نمیدهند؟ می بینید که خواست - های لیبرالها چیست؟ لیبرالها میخواهند همانند حزبیهای مرتجع از حقوق برابر در ارگانهای دولتی برخوردار باشند. بنا بر این لیبرالها برای دمکراسی و آزادی کارگران و سایر توده ها نمیتوانند و نمیخواهند مبارزه کنند مگر لیبرالها در کنار حزبیها با رها و بارها جنبش کردن ستان را سرکوب نکرده اند؟ مگر لیبرالها در کنار حزبیها بدفعات بسیار کمونیستها

را در زندان شکنجه نکرده و اعدا منتهوده اند؟ مگر با رها و بارها قوای سرکوب رژیم تظا هرات توده ها را بخون نکشیده اند و مگر لیبرالها و حزبیها این سرکوبها را تا شنیدند نکرده اند؟ بسا یکبار دیده اند که لیبرالها علیه سرکوب کارگران و کمونیستها لب به اعتراض بگشایند؟ هرگز و هرگز! لیبرالهای مرتجع بنا بر ما هیت طبقاتی خود موافق سرکوب خلق اند و در این جنایات یا روهمدست حزبیهای مرتجع میباشند. آری همه بخشهای هیات حاکمه دشمن انقلاب میباشند. آری مسئله اصلی لیبرالها گرفتن "حق خود" از حزبیها میباشد.

**لیبرالهای خاشنکار از انقلاب توده ها وحشت دارند**

اما لیبرالها برای چه میخواهند موقعیت خود را از دستگاه دولتی تقویت کنند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت عامل اساسی طرح این خواست وحشت از انقلاب توده ها است. لیبرالها می بینند که جنبش توده ها همچنان اوج میگیرد و حزبیها لیاقت متوقف ساختن آن را ندارند. بنا بر این خود میگویند تا به شیوه خود بر انقلاب مها زده و آنرا به انحراف بکشایند. آنها می - دانند که در صورت وقوع انقلاب توده ها مرگ حتمی کل بورژوازی ایران ناگزیر خواهد بود و بنا بر این تلاش میکنند تا با توطئه های خود انقلاب را سرکوب نمایند. آنها تلاش میکنند تا با برنامه - های خاص خود به این هدف فدا انقلابی ناشل آیند. یزیدی خاشن میگوید: "ما این مشکلات را میدانیم اما آیا بدلیل این مشکلات میتوان از طرح برنامه های اصولی و منطقی خودداری کرد؟ یا آنکه با ندانمکارانه و بی کفایتی ها برداشته مشکلات افزود تا بجائی که خدای نکرده به یک فاجعه بزرگ و متلاشی شدن منجر گردد؟" او اضافه میکند: "عدم نظم و سازماندهی در این مرحله از انقلاب موجب تشدید بحرانهای اقتصادی، تشدید تورم و رکود و بیگاری و موجب بروز هرج و مرج و نا امنی میگردد." (تا کیدما زمان است.)

می بینید لیبرالها همانند حزبیها چگونه از او جگیری جنبش و انقلاب میهراسند. لیبرالهای خاشن به حزبیهای فدا انقلابی ایراد میگیرند که شما نمیتوانید بحران را رفع کنید و جنبش را بخوابانید. لیبرالهای خاشن میگویند اگر "برنامه های اصولی" جهت بازسازی سیستم

سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب ارائه ندهیم "فاجعه بزرگ" بوقوع می پیوندد. آری لیبرالهای خاشن همانند همه مرتجعین از انقلاب وحشت داشته و آنرا "فاجعه هرج و مرج و نا امنی" میخواهند و بر آنست که انقلاب توده ها برای همه سرمایه داران و از جمله لیبرالها فاجعه مرگ آوری خواهد بود. اینجاست که ما هیت دغلکارانه و مرتجعانه لیبرالها آشکارا تر می - گردد. اینجاست که روشن تر میشود لیبرالها



پنجه از صفحه ۲ سر مقاله...

حزب نمی دهد) و نه لیبرالها، قدرت و توان آن را داراوند که با تکیه بر ابزارها و پیا به های توده ای موجود خود، دست به یک تعرضی نهائی بر علیه جناح دیگر، که اکنون مهمترین ابزار سیاسی قدرت دولتی را در قبضه دارد، دست زند.

چنین مجموعه ای از عوامل و عناصر، هیئت حاکمه را در بن بست و اخل تضادهای درونی آن، گرفتار ساخته است، که هیچگونه چشم انداز روشنی در حل فاطح آن برای جناحها، ترسیم نمی کند. بیهوده نیست که هر یک از جناحها علیر عم بنحده ها شای که بر چهره یکدیگر میکشند، در پایان هر دو از درگیری، به تلاش های سترون خویش نومیدانند چشم میدورزند، و "خدا را به شهادت بی طلبند!

تغییر تدریجی توازن توا در هیئت حاکمه به نفع حزب جمهوری، لیبرالها را به یک نیروی "پوزسیون" ارتجاعی در درون هیئت حاکم تبدیل کرد این تغییر توازن نیروها و شکل گیری تضاد در بالا در هیئت و تناسب جدید آن، با عست شکل گیری تناسب خاص و نویینی در قوای سیاسی و نیروها و احزاب در ایران گردیده است. تناسبی نوین هم در درون جبهه بورژوازی بطور کلی وهم در درون جنبش کارگری و انقلابی واقعیت این است که "پوزسیون" ارتجاعی بختیار هم اکنون و قبل از آنکه بعنوان یک آلترنا تیو مستقل، همچون گذشته عرض اندام کند در یک طیف تجزیه ای بطور بیلا واسطه با واسطه، در اتحاد با جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه، جبهه متحدی در برابر جناح حزب بوجود آورده است. و بنی صدرانه "زعامت" و نسیا بندی خود برگزیده است. بنی صدر هم اکنون خواسته یا ناخواسته به نقطه وحدتی در بخش وسیعی از اقشار بورژوازی که زنجیر آن از درون هیئت حاکم تا خارج از آن یعنی از بورژوازی لیبرال، تا بورژوازی بزرگ انحصاری کشیده میشود، تبدیل گشته است. این طیف به زعامت لیبرالها، با عوا مغربیه تمام، به جستجوی متحدینی در درون جنبش کارگری و انقلابی گرایشاتی را به نفع خویش برانگیخته است و نیروهای سیاسی معینی را به چاکرانی خویش در درون جنبش کارگری و سریل خود در درون جنبش انقلابی تبدیل کرده است، از رویزیونیست های فدا انقلابی سه جانی که به عنوان متحدین استوار و نوکران نقابدار این طیف گسترده بورژوازی لیبرال عمل میکنند، بگذاریم، سا زمان مجاهدین، به عنوان یک نیروی بورژوا دمکرات، با انتخاب یک سیاست لیبرالی در درون جنبش انقلابی به سرپسسل نفوذی لیبرالها در درون جنبش دمکراتیک تبدیل شده اند.

در سوی دیگر، حزب جمهوری اسلامی، با تمام گرایشات درونی خویش رویزیونیست های توده ای و اکثریتی را در کنار خود دارد و هم اکنون آنها با تمام نیرو و در جهت همراهی و یاری رساندن به این جریان ارتجاعی هستند. این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر

که زنجیر و ارهه نیروهای سیاسی را بنوعی تحت تا شیر خود فرار داده است، بدلیل خصلت خود، اهمیت سیاسی بس مهمی در جهت حرکت تضادها و سیرا وضع سیاسی جامعه، یافته است. این صفت بندی سیاسی، عملا و علیر عم تمام تنوع عاتی که در نیروهای سیاسی جامعه وجود دارد، باعث شده است که سه آلترنا تیو، در برابر انقلاب و در مقابل بحران کنونی، خویششان را نمایان سازد: آلترنا تیو لیبرالها، آلترنا تیو حزب جمهوری اسلامی، به مثابه دو آلترنا تیو ارتجاعی و فدا انقلابی، و آلترنا تیو انقلابی کمونیستی، که در مبارزه و نغی دو آلترنا تیو دیگر رشد و گسترش می یابد، در واقع هم اکنون نه دار و دسته های ارتجاعی از قبیل بختیارها را می توان یک آلترنا تیو مستقل به حساب آورد. چرا که عملا همزونی جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه را پذیرفته اند، و نه سا زمان مجاهدین خلق را پذیرفته اند. و نه سا زمان مجاهدین خلق به مثابه یک نیروی بورژوا - دمکرات مترقی، بدلیل خصلت خط مشی و سیاست خود، در شرایط کنونی و جایگاهی که در مناسبات سیاسی نیروها اشغال کرده است، آلترنا تیو مستقلی را ارائه میدهد. واقعیت نشان میدهد، که رهبران سا زمان مجاهدین عملا توده ها را به مسلخ لیبرالها میکشاند و آلترنا تیو لیبرالی را در اوضاع کنونی تقویت می نماید. مجاهدین با اتخاذ سیاست و خط مشی ای که در قبال تضادهای دو جناح رژیم در پیش گرفته اند، عملا از اراشه یک آلترنا تیو مستقل انقلابی بورژوا دمکراتیک و یا تقویت آلترنا تیو انقلابی و کمونیستی موجود، سر باز زده اند. و این سرنوشته سیاستی است که هم اکنون در پیش گرفته اند.

رویزیونیست های خروشنجی نیز تمساک تلاشان، در مطرح ساختن تقویت و تکامل گرایش و آلترنا تیوی است که در حزب جمهوری اسلامی، و جناح خمینی تجسم یافته است. اینان نیز هم اکنون آلترنا تیو مطلوب خود را نه بگونه ای مستقل، بلکه در تکامل گرایشات درونی موجود در حزب جمهوری اسلامی و همداستان آن، مطابق شما بیلات و اهداف فدا انقلابی و بورژواشی خود مورد هدف قرار داده اند.

در برابر این دو آلترنا تیو ارتجاعی، با تمام عناصر و وظیف های نا همگون درونی آن، آلترنا تیو انقلابی قرار گرفته است که با نفسی دو جناح فدا انقلابی، و با تکیه بر انرژی انقلابی توده ها، علیر غم همه ضعف ها و کاستی های خود در این مرحله، به مثابه یک قطب، یک گرایش معین سیاسی، در آرایش نیروها، مطرح و موجود است و با زتاب خود را در تشکلات مختلف م. ل انقلابی و گرایشات مترقی و با لقیه نهفته در نیروهای بورژوا دمکرات، جامعه با زمی یابد. این آلترنا تیو انقلابی بیان کننده خط مشی ای است که پرولتاریا از موضع طبقاتی آنی و آتی خود را ارائه میدهد و نیروهای دمکرات اگر بخواهند در تحقق منافع و خواسته های دمکراتیک وفادا

با شند، با پیدا ز این آلترنا تیو انقلابی و پرولتاری پیروی و آسرا حمایت کنند.

سیر تکامل گرایشات سیاسی در جامعه، به سه حول این سه آلترنا تیو، تکامل و تغییر میابد و سرانجام با زودن تمام التقاطها و وظیفهای بیابینی موجود، به شکل آشکارا روشن، آن ها را ما دیت می بخشند.

قطب ارتجاعی اول، یعنی حزب جمهوری اسلامی و متحدین رویزیونیست آن با در پیش گرفتن یک سیاست آشکار "با ندسیا هی" در جامعه و با نا شگیری تمام، علیر غم بنگه اکنون به نیروی عمده سرکوب در قدرت سیاسی تبدیل شده است، بیش از پیش در نزد توده ها افشا گردیده و به سراشیب انفراد در میان توده های مردم، در غلطیده است. حزب جمهوری در پیرو سه حرکت خود و هر چه بیشتر در سراشیب انفراد فرو میرود، به شیوه های خشن شروعی در تری در سرکوب جنبش، و نه تنها جنبش که در نزاع با جناح رقیب لیبرال خود، دست می یازد. حزب جمهوری اسلامی، یک حزب ورشکسته برای بورژوازی است که دیگر در نزد توده ها "چیزی" برای عرضه ندارد و کوس رسوائی سران منفورش در هر گوشه ای بصدا در آمده و جاشی برای عوا مغربیه این حزب ارتجاعی در پیش توده ها باقی نمانده است. اما آلترنا تیو لیبرالها چنین نیست. آلترنا تیو لیبرالها، هم اکنون قدرت و توان خود را نه تنها از نیروی سرمایه، بلکه همچنین از نیروی توهم توده های وسیع نسبت به لیبرالیسم فدا انقلابی میگیرند. توده های که علیر غم سیرا اعتلائی مبارزه شان در دام جنبش توهمی گرفتار آمده اند، و این همان ویژگی قلبی اوضاع جنبش توده ها از لحاظ ذهنی است.

ویژگی اساسی اعتلائی عینی جنبش در شرایط کنونی، در این است که توا مباح توهمات وسیع توده هان نسبت به نیروهای سیاسی "پوزسیون" درون هیئت حاکمه، یعنی لیبرالها، و تمام می متحدینش در خارج از حکومت می باشد. سیر تکامل تضادها و منازعات میان دو جناح، زمینه عینی این توهمات را فراهم آورده است. اگر تا دیروز، عوا مغربیه های "فدا مبریا لیستی" جناح حزب، مدت زمانی توده ها را در توهم نسبت به خصلت "فدا مبریا لیستی" این جناح باقی میگذاشت. (و آزادی گروگانها را میتوان نقطه پایانی بر این توهم به حساب آورد)، اکنون که کوس رسوائی حزب جمهوری و مبارزه به اصطلاح فدا مبریا لیستی آن در هر گوشه و کراانه ای به صدا در آمده است، و در پی آمد تغییر توازن نیروها در هیئت حاکمه به نفع حزب و به زیبان لیبرالها، این لیبرالهای فدا انقلابی هستند که اکنون با عوا مغربیه های "آزادخواهانه" - شان، در موضع مطلوب هیئت حاکمه، به نقطه توهمی در ذهن توده ها تبدیل شده اند. واقعیت این است که بورژوازی لیبرال در ایران، هم

### میتینگ روز پنجشنبه لیبرالهای ضد انقلابی را محکوم می کنیم!

کارگران مبارز، هممیهنان انقلابی!

با ردیگر لیبرالهای خیانت پیشه، ایمن متحدان امپریالیسم، ومدا فعین سر سخت سرمایه تلاش میکنند با سوار شدن بر امواج خدایان، توده، که حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را هدایت قرار داده است، مبارزات توده های ستمدیده ایران را به وسیله ای برای کسب مقاصد ضد انقلابی خویش بدل سازند و چهره خود را پشت ما سک عوام فریبا نه آزا دیخواهی بنهان سازند!

اما توده های ستمدیده خلق، چهره واقعی آنها را شناخته و لیبرالها را نیز در کشتار و سرکوب کارگران زحمتکشان و خلقهای ایران در حفظ و بازسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته و سازش با امپریالیسم در تشدید فلاکت و فقر و گران برای توده ها، با جناح حزب جمهوری اسلامی شریک دیده و بدرستی اختلافات و تضادهای دو جناح رژیم را نه بر سر منافع توده ها، بلکه ناشی از تلاش برای کسب سهم بیشتر در قدرت میدانند.

### کارگران، زحمتکشان وتوده های انقلابی!

با تحریم میتینگ ضد انقلابی لیبرالها، با گسترش مبارزات انقلابی خود علیه بورژوازی حاکم و همدرستان رویزیونیست خائن آن، انقلاب را ادا مدهیم!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار زنده باد

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۵

کردن ماهیت رژیم حاکم و هدف اساسی انقلاب، اهمیت و جایگاه بسزائی میابد. بدون مبارز کردن ذهنیت کارگران و زحمتکشان با این ایده های اساسی انقلابی، هیچ سخنی از قدرت یابی و رشد آلترنا تینوا انقلابی کمونیستی و رها شدن آن از سمومات لیبرالی و خرده بورژوازی نمی توان به میان آورد. وظیفه خطیر کمونیست ها، به مثابه پیشاهنگان آگاه پرولتاریا، مختصات خویش را در شرایط کنونی، این چنین بازمی یابد. تنها با ایفای این نقش است که می توان جنبش توده ای را در مسیر پرستگلاخی که در پیش دارد، به سلامت هدایت نمود و انقلاب را در مسیر پیروزی و مندان آن به جریان انداخت. زنده باد سوسیالیسم! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

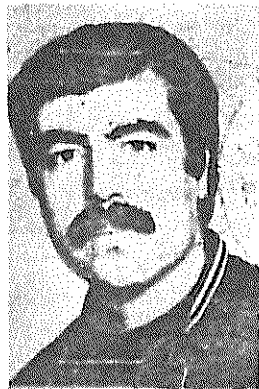
انقلابی کمونیستی است، که شرط اصلی، هدایت صحیح جنبش خلق و تکامل انقلاب ایران، در مسیر مطلوب پرولتاریا است. آنچه که به ایمن آلترنا تینو عینیت بخشیده و رشد و گسترش آنرا موجب میشوند حرکت پر سر و صدا، اما خالی از مضمون کمونیست های جدا از طبقه کارگر و توده های زحمتکش، بلکه از طریق شکل و آگاهی بخشیدن به طبقه کارگر و رهبریش در عرصه مبارزه دموکراتیک، بدون آنکه لحظه ای از وظایف سوسیالیستی اش غافل بماند، امکان پذیر است توهم توده ها، نسبت به لیبرالها، در شرایط کنونی جنبه دیگری تا کتیک کمونیستها را در هیئت کارافشاگرانه وسیع بر علیه سمومات لیبرالی در درون جنبش خلق و جنبش کارگری روشن میسازد. خلعت اساسی این کارافشاگرانه جز در ایمن نیست که تصویر صحیحی از جایگاه واقعی بورژوازی لیبرال، در مناسبات اساسی طبقات، و آرایش قوای سیاسی، در جامعه ایران، به مثابه بخشی از ارتجاع طبقه حاکم و طبقه مسلط، در دهه های گذشته، به وجود آید. جایگاه که چه توسط لیبرالها، بعنوان ارتجاع ایدئولوژیک و چه بوسیله دموکرات های متزلزل، چون مجاهدین وسیع در میان توده ها، انا عه میابد انقلاب ایران، در مسیر خود هدفی جز سرنگونی ماشین دولتی بورژوازی ندارد. اما آنچه چیزی را که لیبرالها و متحدین سیاسی دموکراتیک در صدد انجام آنند، بجای آن است از سرنگونی یک جناح از هیئت حاکمه (هدفی که مجاهدین دنبال تحقق چنین هدفی، به معنی دست بدست شدن هیئت حاکمه، و بایرجا ماندن دستگاه دولت بورژوازی حاکم و لاجرم سلطه بورژوازی به مثابه طبقه مسلط در جامعه است، و این چیزی جز رفز میسم نیست. اگر رویزیونیست های خروشچگی با حمله به جناح لیبرالها و تطهیر جناح حزب، دستگاه دولت بورژوازی را از خطر درهم شکستن توسط انقلاب، می رها نند، مجاهدین به تبعیت از لیبرالها، عملا همین کار را، با تطهیر جناح لیبرالها، انجام میدهند. هر دو یکسان عمل میکنند و این عمل چیزی جز رفز میسم نیست. هر چند که یکی از موضع یک بورژوا دموکرات ناسا پیگیر و متزلزل، و دیگری از موضع یک دارودسته رویزیونیستی ضد انقلابی، عمل هر دو، به حفظ دستگاه دولت وینها ماندن آن از پیش چشم توده ها، و تبدیل هدف سرنگونی این دستگاه دولت، به هدف سرنگونی با حذف یک جناح حکومت و یا حتی در بهترین حالت به جایگزینی عناصر و ترکیب جدیدی در حکومت بر پایه همان دستگاه دولت، می انجامد و نه چیز دیگر. درست بر همین اساس است که در تاکتیک کمونیست ها برجسته کردن هدف اساسی انقلاب و ضرورت سرنگونی بورژوازی و درهم شکستن ماشین دولتی کهنه، رابطه درونی اجسزای مختلف حکومت و ماهیت واقعی تضادهای آنان، نقش رفز میسم و لیبرالیسم ضد انقلابی، در صدد و

اکنون نه تنها در هیئت ارتجاع طبقه حاکم هم چنین در هیئت ارتجاع ایدئولوژیک نیز، در صحنه سیاسی ایران، ایفای نقش میکنند. و ایمن نقش دوگانه همان ویژگی مهمی است که چهره خاصی به آلترنا تینو لیبرالی در جامعه میبخشد. بورژوازی لیبرال، به مثابه قشری از طبقه بورژوازی در ایران، به مثابه طبقه مسلط و حاکم در ارتجاع درونی با افشاردیگر بورژوازی و بورژوازی حزب جمهوری اسلامی جزئی از نیروی سرکوب کننده انقلاب، یعنی بورژوازی حاکم است که در کلیت خویش، در برابر انقلاب قرار داشته و مانع اصلی تکامل انقلاب و جامعه را تشکیل میدهد. و این همان نقش است که آنرا به مثابه ارتجاع طبقه حاکم در صحنه سیاسی ایران موجودیت بخشیده است و انقلاب ایران مستقیما سرنگونی کل بورژوازی و بورژوازی لیبرال را به مثابه جزئی از آن در دستور خود قرار داده است از سوی دیگر، بورژوازی لیبرال، به مثابه نیروی بسال لیبرالیسم میان پوسیده ارتجاعی، تلاش دارد که با اپوزیسیون نمائی، بطور وسیعی سمومات ایدئولوژیک و سیاسی ضد انقلابی خود را، با سوء استفاده از تمایلات دموکراتیک توده ها، در میان مردم نفوذ و انا عه دهد. و میکوشد، تا انرژی انقلابی توده ها را از جهت گیری به سمت سرنگونی کل نظام سیاسی موجود، به حذف یک جناح معین و به قدرت رساندن خود، منحرف نماید. و با چنین نقشی سازش میان انقلاب، و نظام سیاسی ایران بوجود آورد. در ایفای این وظیفه، بورژوازی لیبرال بعنوان یک ارتجاع ایدئولوژیک ظهور میکند. بورژوازی لیبرال، به مثابه ارتجاع ایدئولوژیک میکوشد، بورژوازی لیبرال را به مثابه ارتجاع طبقه حاکم را به مثابه جزئی از طبقه مسلط حاکم، از گردن تعرض توده ها در امان دارد، و بدین ترتیب به ایفای نقش دوگانه خویش میپردازد. با چنین نقشی است که می توان به اهمیت خطر آلترنا تینو لیبرالی و در همین رابطه نقش انحرافی آن نیروهای بورژوا دموکراتی (چون مجاهدین) که عملا به سریل انتقالی ایمن لیبرالیسم ضد انقلابی به میان توده ها، تبدیل شده اند، پی برد. با چنین تصویری از اوضاع عینی و ذهنی جنبش، اکنون میتوان، مهمترین جنبه های اساسی تاکتیک کمونیست ها را به مثابه محور و اساس آلترنا تینوا انقلابی، و در شرایط حاضر توضیح داد.

سیرا عتلائی عینی جنبش توده ها به مثابه فاکتور اصلی تعیین تاکتیک کمونیست ها را به اتخاذ یک تاکتیک تعرضی با مختصات کسه متناسب با سطح تکامل و انا عه این اعتلاست، سوق میدهد. این تاکتیک میباید در همه عرصه ها آنچنان ظهور یابد که عتلائی انقلابی توده ها را در مسیر فرار رسیدن به یک انقلاب تمام عیار، هدایت نماید. آنچه که در مرکز این تاکتیک قرار میگیرد، همانا رشد و تقویت آلترنا تینو

# لیبرالهای ضد انقلابی وقلاشی دیگر برای سرکوب انقلاب

# یادداشت‌های سیاسی هفتگانه



تروریک  
کمونیسیت  
در زندان!

روز ۱۷ بهمن ما هدمیتینگ ما زسما ن  
جریکهای فدا شی خلق (اقلیت) که بدست پاسداران  
چهل و سرما به بخون کشیده شد، یک کارگر کمونیسیت  
رفیق فدا شی جها نگیر قلعه میا ندو آب، دستگیر  
شد. تلاش خانواده رفیق بجای نرسید تا اینکه  
پس از هاروز معلوم شد که جها بتکا را ن رژیم  
جمهوری اسلامی، او را در زندان ترور کرده اند.  
خبرهای حاکی از این است که جسد رفیق را  
همراه با چند جسد دیگر در بارک ارم (خرم سابق)  
کشف کرده اند.

رفیق شهید جها نگیر قلعه میا ندو آب از  
فعالین جنبش کارگری بود و در مبارزات خانسه  
کارگر بطور خلاق شرکت میکرد.  
شهادت رفیق جهان، گواهی است بر باروری  
کمونیسیتها در راه مبارزه علیه امپریالیسم و  
ارتجاع و در راه رهایی طبقه کارگر تا آخرین  
قطره خون.

رفیق جها نگیر قلعه میا ندو آب در کنار  
شهیدای جنبش کمونیستی و انقلابی برای همیشه  
در قلب زحمتکشان ما زنده است. یاد او را بسا  
ادامه مبارزه با بدگرای می بداریم.

## گرامی باد

## یاد دکتر محمد مصدق

در سالگرد درگذشت او (۱۴ اسفند ۱۳۲۶)



سرما به داری حاکم تلاش میکنیم. و به وجودت  
بورژوازی اعتقاد داریم و سخنرانی ما نیز  
اگر چه مخالف با "انحصارطلبی های حزب" است  
اما در باره مسائل و مشکلات کشور "با معنی  
دیگر در باره چگونگی به بند کشیدن و سرکوب  
جنبش توده ها و راه راه حل مناسبتی جهت  
اداره سرما به داری و استه با امپریالیسم  
میان باشد.

### لیبرالهای خانق و هدف آنان از برگزاری سخنرانی

هما منظور که میدا نیم جنبش او جگیر نشده  
و اعتلا شی کارگران و توده ها همچنان موانع  
را پس میزند و موج و ارتجاع میاید. کارگران و  
توده های هر چه بیشتری بر ما من تجربه دوساله  
خود و نیز فعالیت آگاهانه کمونیسیتها و  
انقلابیون در می یابند که رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی نیز ما سندرژیم ارتجاعی پهلوی  
هرگز نمیتواند و ضمیمه خواهد کوچکترین نیازهای  
آنان را پاسخ گوید و جز سرکوب بیشتر و فتنه  
فلاکت گسترده تر! ارتجاع دیگری ندارد و به  
همین دلیل زحمتکشان جا مع ما به هیبت رزات  
خود ادا مه داده و در پی انقلاب میباشند. پروا مع  
است که بحران فزاینده سرما به داری وابسته و  
شدت گیری با زهم بیشتر تفا دهای درون هیات  
حاکمه و گسیختگی آن شرایط مناسبتی را جهت  
وسعت یافتن مبارزات توده ای بوجود میاید رود.  
در بیشتر ان اعتلا انقلابی توده های هر چه  
بیشتری از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که  
اینک اهرمهای اساسی قدرت را در دست دارد  
کنده میشوند. اما در شرایط فقدان حزب کمونیسیت  
و آلترنا تیو و نیرو مند کمونیستی بخش مهمی از  
این توده های کنده شده، به طرف لیبرالهای  
جنا بتکا و فریبکار متما یل میگرددند. این  
تمایل نه بخاطر اشتراک منافع توده ها بسا  
لیبرالها است چرا که کارگران و توده های محروم  
به لحاظ طبقاتی در تفا دی آشتی نا پذیر با کل  
هیات حاکمه و از جمله لیبرالها قرار دارند.  
این تمایل اساسا ناشی از ضعف کمونیسیتها و  
فقدان آگاهی انقلابی در میان توده ها است و  
به همین خاطر لیبرالهای خائن با تمام قوا  
میگوشند تا با کاندن توده های نا آگاه دلسوی  
خود، جنبش آنان را وجه المصلحتها بخش دیگر  
بقیه در صفحه ۲۸

هفته قبل تعرض آشکار لیبرالها علیه جرسها  
سرد. در هفته گذشته چهار رتن از نما بندگان برجسته  
لیبرالهای خائن در تعرض علیه جرسهای خائن  
پنجشنبه ۷ اسفند را اعلام سخنرانی کردند و  
بدین ترتیب گوشیدند تا بیکار دیگر جرس  
توده ها سوار شده و یکبار دیگر ما نور خود ضربه  
ای جدید به رقیبان حزبشان وارد سازند. بسا  
اعلام این سخنرانی حزبها غافلگیر میشوند. اما  
کار اساسی جهت جلوگیری از سخنرانی نمسی  
توانند انجام دهند آنها فقط از انحصار سخنرانی  
لیبرالها در دا شکا مه منعت بعمل میا و روند.  
اما خمینی به حمایت از جریبها به لیبرالها  
هندا رسید و خمینی که او جگری جنبش را می  
ببندد و میگوید بورژوازی، تحت رهبری حزب،  
علیه جنبش توده ها متحدی میماند، زیر فشار  
لیبرالهای پذیرد که سخنرانی صورت گیرد و  
خطاب به پاسداران و ما مورین دولتی و در عین  
حال بطور غیر مستقیم به جرسها میگوید:  
"کسانیکه بخوانند اختلال کنند در هر امری  
از ما مورچه در سخنرانی ها شی که از طرف شخصیت  
میشود و چه در اجتماعات مطابقی قانونی که بسا  
اجازه و سرکوب اجتماعات حاصل میشود بسا بسد  
شما ها مواظب باشید." (دوشنبه ۴ اسفند).

اما خمینی در همان حال بالحن تهدید آمیز  
به لیبرالها میگوید:  
"در گفتار شما، در نوشته های شما، اگر  
چنانچه خدای نخواسته یک تفرقه ای ایجاد بشود  
یک سرکوب بخواند زدن شما بخيال خودتان  
از رقبهای خودتان بکنند و این موجب بسود  
که دلسردی برای ارتش حاصل بشود، دلسردی  
برای سپاه پاسداران، دلسردی برای پاسانان  
و شهربانی حاصل بشود و یک قتلها شی واقع شود  
به واسطه همین دلسردی، شما ها شریک هستید در آن  
قتل." (هما نجا).

بدین ترتیب خمینی به لیبرالها میگوید  
نبا بد به رقیبان خود بتا زید و نبا بد در مفسوف  
"بالائی ها" تفرقه بیندازید. آری خمینی  
نگران است که در شرایط درگیریهای دو جناح  
"انحصار" بورژوازی از بین برود و کل رژیم  
حاکم در سرکوب انقلاب نا توان تر گردد و به همین  
خاطر به لیبرالها میگوید جها "اعتدال" را بگیرد  
بدنبا ل این کشمکشها است که ما لآخره لیبرالها  
به خمینی پاسخ میدهند که ما نیز برای نجا رژیم

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست